

# مصلح آخر الزمان

« أولین سمپوزیوم بین المللی »  
« اسلام و مسیحیت »  
« ۲۳ تا ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹ آن »

First International Symposium on "Orthodoxy  
and Islam." 15 - 17 Dec. 1990, Athens

نوشتہ:  
سید حسن ابطحی



# مصلح آخر الزمان

« اولین سمپوزیوم بین المللی  
« اسلام و مسیحیت  
« ۲۴ تا ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹ آتن »

First International Symposium on "Orthodoxy  
and Islam." 15 - 17 Dec. 1990, Athens

نوشته:  
سید حسن ابطحی

مؤلف: سیّد حسن ابطّحی

حروفچینی: کانون بحث و انتقاد دینی

تعداد صفحات: ۲۳۲

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپ و لیتوگرافی: اعتماد

نوبت چاپ: اوّل

تاریخ نشر: آذر ماه ۱۳۷۱

ناشر: نشر حاذق قم ۲۱۸۸۳

مشهد: کانون بحث و انتقاد دینی تلفن ۸۱۸۵۵۵

مراکزپخش:

قم: مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق تلفن ۲۱۸۸۳

مراکزپخش:

مشهد: کانون بحث و انتقاد دینی تلفن ۸۱۸۵۵۵

قم: مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق تلفن ۲۱۸۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الْمُبِينُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِظِّرِ الْمُبِيدِ  
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ



### پیشگفتار

از نظر عقل و ادیان بزرگ جهان  
بهترین چیز برای سعادت بشر  
اتحاد، اتفاق، وحدت و یگانگی  
است و در مقابل، بدترین چیز برای  
انسان تفرقه، اختلاف و نزاع و جنگ  
است. هر ملتی که بیشتر با هم اتحاد  
داشته باشند خوشبخت‌تر و موفق‌تر  
بوده و هر جمعیتی که نتوانسته باشند  
بین خود اتحاد برقرار کنند بدبخت‌تر  
و بیچاره‌تر خواهند بود.



بنابراین، بر هر فرد عاقل لازم است که با تمام نیرو بر  
رفع اختلافات و ایجاد اتحاد و وحدت بکوشد و نگذارد  
کوچکترین شکافی بین صفوف درهم فشرده بشریت  
بخصوص در عصر حاضر که روابط مردم جهان با یکدیگر  
بسیار شدید گردیده بوجود آید.

لذا هر انسانی که در این جهت کوشا تر باشد ارزشش  
بیشتر و خدمتش به بشریت پر ارج تر است.

از این رو ما بر آن شدیم که به مردم جهان که اکثراً تابع  
یکی از مذاهب بزرگ دنیا هستند بفهمانیم که ادیان آسمانی  
برای رفع اختلافات بین افراد بشر آمده و هیچگاه  
نمی خواسته اند خود موجب اختلاف و تفرقه بین انسانها  
گردند. این موضوع اثباتش بسیار آسان است و بلکه هیچ  
یک از پیروان ادیان جهان، حاضر نیستند معتقد شوند که  
دین سبب تفرقه گردیده باشد و بگویند: پیروان ادیان باید  
هر چه بیشتر با هم اختلاف داشته باشند.



این دین بزرگ مسیحیت است که نخواسته پیروانش  
حتی با افراد شریر در ستیز بوده و بلکه خواسته همه با هم  
رفیق و صمیمی و پر محبت باشند.

چنانکه در انجیل آمده:

«با شریر مقاومت مکنید بلکه هر که  
به رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را  
نیز به سوی او برگردان و اگر کسی خواهد با  
تو دعوا کند و قبای تو را بگیرد، عبای خود  
را نیز بدو واگذار».<sup>(۱)</sup>

و این دین دیگر بزرگ جهان بشریت، اسلام است که  
می‌گوید: همه به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نگردید.<sup>(۲)</sup>  
و بالأخره کلیه ادیان بزرگ و کوچک جهان هر کدام به نوبه  
خود با عبارات مختلف به این مسأله حیاتی و اجتماعی اهمیت  
فوق‌العاده‌ای داده که من در بعضی از نوشته‌هایم به آنها

۱ - انجیل متی، باب پنجم شماره ۳۹.

۲ - قرآن، سوره آل عمران آیه ۹۸: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾.



اشاره نموده‌ام.<sup>(۱)</sup>

به هر حال ما در این کتاب برخلاف صاحبان کتابهای «ملل و نحل» که هر چه توانسته‌اند اختلافات بین مذاهب عالم را بزرگ جلوه داده و آنها را از هم جدا کرده‌اند، کوشش کرده‌ایم که آنچه مورد اتفاق بین ادیان بزرگ جهان بخصوص اسلام و مسیحیت است، مطرح کنیم آنگاه به یاری خدای بزرگ اثبات نمائیم که اختلافات جزئی که باقی می‌ماند اکثر آنها را می‌توان ندیده گرفت و اگر تفاهمی باشد اکثر آنها قابل حل شدن است. آنگاه طبیعی است که بر این اساس می‌شود حکومت واحد جهانی را تشکیل داد و روابط امروز بشریت را به نظم صحیحی کشید و حقوق بین‌الملل دینی را بوجود آورد و آن را اعلام نمود:

امروز دیگر مسأله «لایک» و بی‌دینی در عالم مطرود شناخته شده و همه می‌دانند که حکومت مال خدا است و همه

۱ - به کتاب «اتحاد و دوستی» مراجعه شود.



مردم باید تحت فرمان الهی باشند و آرزوی دیرینه بشریت که روزی جهان تحت حکومت واحد جهانی زیر نظر بهترین و پاکترین و مقدس‌ترین خلق خدا اداره شود عملی گردد<sup>(۱)</sup>.

به همین جهت وقتی از طرف وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران برای اولین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس در یونان دعوت شدم با گرمی از آن استقبال نموده و این دعوت را اجابت کردم. زیرا با خود می‌اندیشیدم که این اولین قدم در راه هدف مقدس همه انبیاء و ادیان بزرگ جهان است،<sup>(۲)</sup>

این همان دعوت الهی است که قرآن از هزار و چهار صد سال قبل تا به حال با صراحت کامل آن را مطرح کرده و ادیان بزرگ جهان آن روز و امروز را دائماً به این گردهمائی خوانده

۱ - در کتاب «مصلح غیبی» این موضوع را کاملاً توضیح داده‌ام.

۲ - اما متأسفانه فقط من این فکر را می‌کردم و قدمهای بعدی مثل اکثر کارها دچار انحرافات و سیاست‌بازیها و خطبازیها شد و بهره کافی حتی از همان سمپوزیوم اول هم برداشته نشد و سمپوزیومهای بعدی به طریق اولی دستخوش همین مسائل شده بود و لذا من توفیق شرکت در دعوتهای بعدی را نداشتم.



First International Symposium on "Orthodoxy and Islam".  
15-17 Dec. 1999, Athens

بن سمپوزيوم بين المللى اسلام و ميخت ارتدكس

Πρώτο Διεθνές Συμπόσιο "Ορθοδοξία και Ισλάμ".  
15-17 Δεκεμβρίου 1999, Αθήνα

۲۴ تا ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹. آتن.



جمعى از شخصيتها و دانشمندان و علماء بزرگ مسلمان و مسيحى که در سمپوزيوم بين المللى اسلام و مسيحت  
ارتدکس شرکت کرده بودند و سخنرانىها و مباحثات اين جلسه را اکثراً اين عده به عهده داشتند.



آنجا که می‌گوید:

**اول:** بیائید بنشینیم و مسائل مشترک مورد علاقه دو طرف را با یکدیگر در میان بگذاریم و در اطراف آنها بحث و گفتگو کنیم و بر سر آنها توافق نمائیم.

مثلاً هیچ کدام از ما جز خدا را عبادت نکنیم، پیروی از حکومت کسی، جز حکومت خدای تعالی ننمائیم، تحت فرمان کسی جز خدا نباشیم، تنها او را عبادت کنیم، فرمان او را برداریم، حاکمیت او را بپذیریم، ما که در این موضوع با هم توافق داریم<sup>(۱)</sup> (یعنی: همه مسلمانان و یهودیان و نصاری و زردشتیان و بودائی‌ان که شاید منظور از اهل کتاب همه اینها باشند در اینکه باید بشر تحت فرمان و بندگی خدا و حاکمیت او باشد با هم توافق دارند).

**دوم:** در عبودیت و حکومت، غیر خدا را شریک خدا قرار ندهیم، زیرا کسی به پایه خدای تعالی در علم و محبت نسبت به مردم نمی‌رسد و علاوه خدای تعالی خالق بشر است، پس مالک

۱ - قرآن، سوره آل عمران آیه ۵۷: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾.



آنها است و کسی در حاکمیت و فرماندهی بر انسانها نمی تواند با خدای تعالی شرکت داشته باشد. پس بیائیم دیگری را بر خودمان غیر از خدا حاکم قرار ندهیم.

**سوم:** کسی را بی جهت و بدون امتیاز و ارتباط با خدا ولی و صاحب اختیار و مربی خود قرار ندهیم. زیرا همه معتقدیم که تربیت کننده و اربابمان، خدا و انبیای الهی بوده و کسی جز آنها نمی تواند بشر را پرورش دهند.

اینها مسائل اساسی و بنیادی همه مذاهب بزرگ عالم است. اگر پیروان ادیان جهان بتوانند بر سر اینها توافق کنند، اکثر اختلافاتشان رفع می شود و بسیاری از جنگها و نزاعهای ابلهانه که از افکار جهّال و متعصّبین فرومایه ای که در تمام ادیان، کم و یا زیاد وجود دارند منشأ گرفته، رفع می گردد و در نتیجه وحدت، انس، صمیمیت، محبّت و همبستگی که لازمه زندگی پاک و حیات طیّبه است بوجود می آید، تعاون و کمک به یکدیگر در احیای مواهب الهی و سلامت محیط زیست و رعایت بهداشت و ظهور مقام شامخ انسانیت و رشد فرهنگ و هنر و پیشرفت علم و آموزش و اصلاح خانواده ها که نتیجه همبستگی و توافق در مسائل مهم فوق است، ایجاد می گردد.



لذا در محورهای مورد بحث که از جانب وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران در نامه دعوتشان پیشنهاد شده بود، همه مسائل فوق دیده می‌شود.

از طرف دیگر در این سمپوزیوم که در یونان شهر آتن از ۲۴ تا ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۹ تشکیل می‌شد، مباحثه و مذاکره اسلام با مسیحیت انتخاب شده بود و اسمی از سایر ادیان بزرگ جهان برده نشده بود. شاید به این منظور بوده که قرآن با صراحت کامل فرموده:

«وَلْتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةَ الَّذِينَ آمَنُوا  
الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ  
وَرُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَ إِذَا سَمِعُوا مَا  
أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ  
مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ  
الشَّاهِدِينَ وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ  
الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ  
الصَّالِحِينَ فَاثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي  
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ  
الْمُحْسِنِينَ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»<sup>(۱)</sup>



قرآن در این آیات، درباره پیروان حضرت مسیح، مطالب جالبی بیان فرموده که همه آنها با آنچه ما در اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت دیدیم تطبیق می کند.

**اول:** قرآن درباره آنها فرموده: محبت و مودتشان نسبت به مسلمانان از مشرکین و یهود بیشتر است. لذا آنان قبل از سایر ادیان از این سمپوزیوم استقبال کردند و حاضر شدند که از مسلمانان و مسیحیان مختلف جهان در تالار شهرداری یونان پذیرائی کنند و دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران را بپذیرند.

**دوم:** علت این محبت و مودت را مربوط به داشتن کشیشها و رهبانانی که از خدا می ترسند می داند. زیرا آنها به این حقیقت رسیده اند که اختلاف بین جامعه بشری مورد رضای پروردگار نبوده بلکه باید اتحاد و همبستگی کاملی بین افراد بشر وجود داشته باشد تا خدای تعالی از آنها راضی گردد. به همین جهت با تبلیغاتشان محبت و مودت بین خود و مسلمین و سایر افراد بشر را برقرار می کنند.



ما جداً در یونان این محبت و مودت را احساس کردیم.  
آنها خوشحال بودند که این سمپوزیوم تشکیل شده و لذا شما  
می بینید که اسقفها و شخصیت‌های مسیحیت با کمال محبت  
دست ما را می فشارند.

سوم: قرآن فرموده: آنها به خاطر علمشان و به خاطر  
رهبانیت و ترسشان از خدا، تکبر ندارند و حاضرند با کمال



تواضع به بحثهای علمی و مسایلی که مایه رشد فکری آنها  
است توجه کنند.

ما به چشم خود دیدیم که آنها در مقابل علما و اساتید  
بزرگ مسلمان، چقدر تواضع داشتند و سخنان دانشمندان  
مسلمان را می پذیرفتند. ما آنها را می دیدیم که در نفس، خود را  
ملامت می کردند که چرا حقایقی را که در اسلام است  
نمی پذیرند و تا به حال از آنها غافل بودند و از کثرت محبت و  
عشق و علاقه به اسلام و مسلمانان اشک در دیده گانشان حلقه  
می زد و با تکان دادن دست این محبت را اظهار می کردند.





چنانکه آیه شریفه فوق می فرماید: و زمانی که نصاری می شنوند حقایقی از آنچه بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شده می بینی که چشمهایشان از اشک پر می شود به خاطر آنچه را که از حق و حقیقت شناخته اند.

**چهارم:** در این سمپوزیوم ما مکرر در سخنرانیها و مقالات دانشمندان و اسقفهای مسیحی می شنیدیم که می گفتند: اسلام یکی از ادیان آسمانی است، اسلام دین کاملی است، اسلام جزو ادیان بزرگ دنیا است.

آنها از کسانی که این سمپوزیوم را تشکیل داده بودند بخصوص از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران بسیار تشکر می کردند و می گفتند: ای کاش زودتر به این مسأله مبادرت می شد و ای کاش ما بر این امر پر اهمیت قبل از دیگران اقدام می کردیم. حتی یکی از سخنگویان که ظاهراً اسقفی بود می گفت: خدایا! شاهد باش که ما با این کار پر اهمیت که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران برگزار گردیده راضی هستیم و از آن استقبال می کنیم.

من در اینجا باز از این آیه شریفه قرآن یادم آمد که خدای تعالی از قول کشیشها و رهبانان مسیحی می فرماید: می گویند پروردگارا! ما به آنچه بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از آیات قرآن و حقایق اسلام نازل شده ایمان آوردیم خدایا! نام



ما را در زمره گواهی دهندگان بگذار، ما را چه شده که به آنچه از حق و حقیقت برای ما ثابت گردیده ایمان نمی آوریم و نمی خواهیم که خدای تعالی ما را با مردم صالح و شایسته قرار دهد؟!

آری، این سمپوزیوم که خدای تعالی به کسی که طرحش را ریخته و زحمت در راه بوجود آوردنش را کشیده اجر جزیل عنایت فرماید، به قدری مفید بود که من گمان می کنم به وسیله آن، شخصیت های علمی و دینی مسیحیت صدها گام بلند بسوی شناخت اسلام برداشتند و متوجه حقایق آن شدند و خدای تعالی در آیات فوق نوید عجیب به اینان داده و فرموده: پس خدای تعالی به آنان، به خاطر همین گفتارشان، جزا می دهد بهشتی را که زیر آن نهرها جاری است و آنها همیشه در آن می مانند، این است جزای نیکوکاران.

در اینجا شاید ما حس کنجکاوی کسانی که این مقدمه را مطالعه می کنند تحریک کرده و آنها را متمایل کرده باشیم که اطلاعاتی از این اجلاس و سمپوزیوم داشته باشند.

بله ما هم تصمیم داریم شرحی از چگونگی این اجلاس در این کتاب بیان کنیم و چون در این سمپوزیوم من توانستم یکی از مسائل مورد اتفاق اسلام و مسیحیت که شاید از نظری از مهمترین مسایل



زیربنائی وحدت دو مذهب باشد عنوان کنم، از همان  
مسأله در این کتاب شروع می‌کنم و انشاءالله بقیه  
مسائل مورد اتفاق مذاهب بزرگ جهان را بعد از آن  
خواهم آورد، باشد که شاید بتوانم اعلامیه جهانی ادیان  
بزرگ عالم را که در قرآن بطور خلاصه آمده و فرموده:  
«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا  
وَبَيْنَكُمْ»<sup>(۱)</sup> به گوش جهانیان برسانیم و هدف ادیان  
بزرگ جهان را که اتحاد و اتفاق، بین ملل عالم است  
تعقیب نمائیم.

## گزارشی از اولین سمپوزیوم بین المللی

### اسلام و مسیحیت

در تاریخ دوم شهریور ۱۳۶۹ هجری شمسی برابر با دوم  
صفر ۱۴۱۱ هجری قمری دعوت نامه‌ای با امضای وزیر محترم  
فرهنگ و ارشاد اسلامی به دستم رسید که در آن دعوت شده  
بودم در اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس  
که در یونان شهر آتن از ۲۴ تا ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹ تشکیل می‌شود  
حضور یافته و جزوه‌ای در موضوعات تعیین شده تا ۱۵ مهرماه  
جاری بنویسم و ارسال دارم.

۱ - ترجمه و آدرس و مقصود از این آیه در صفحات گذشته ذکر شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره ۳۴۸۹ / ۲ / ۱۳۶۹

تاریخ ۲۱ / ۵ / ۸۹

پوست



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
د. قزویری

اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس

۲۴ الی ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - آتن.

جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین سید حسن الخلی

نظربه اهمیت ارتباط و تقارب میان ادیان بزرگ و ضرورت ایجاد ایمن  
ارتباط از طریق بحث و گفتگو و تجزیه و تحلیل مسائل مشترک مورد علاقه  
بین ادیان ، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در یونان اقدام به برگزاری  
سمپوزیومی تحت عنوان " اسلام و مسیحیت ارتدوکس " نموده است .  
بدینوسیله از جنابعالی دعوت می گردد تا در این سمپوزیوم شرکت فرمائید . /

سید محمد خاتمی

۲۱ / ۵ / ۸۹

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



من از این دعوت با گرمی استقبال کردم، زیرا همان گونه که در مقدمه این کتاب نوشته‌ام یکی از آرزوهای دیرینه‌ام موضوع تشکیل این سمپوزیوم بوده و همیشه انتظار می‌کشیدم که از ناحیه‌ای راهی به سوی این هدف بزرگ ادیان آسمانی باز شود.

موضوع جزوه من مقام شامخ انسان و تشکیل حکومت واحد جهانی از نظر اسلام و مسیحیت بود.

اگر چه در جلسات سمپوزیوم، سخنرانها به خاطر کمی وقت بسیار خلاصه می‌شد و من هم ناگزیر بودم که از همان برنامه سرپیچی نکنم ولی در اینجا پس از گزارش کوتاهی از جلسات سمپوزیوم و سیر و سفرم انشاءالله مشروح جزوه‌ای که برای آن اجلاس نوشته بودم و حتی مقداری مفصلتر و با توضیحات بیشتری تقدیم حضور خوانندگان عزیز می‌نمایم.

### آغاز سفر

در ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۶۹ هجری شمسی برابر با ۲۴ جمادی الاول ۱۴۱۱ هجری قمری و مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی با هواپیما از فرودگاه مهرآباد به سوی ایتالیا و شهر «رُم» با جمعی از علما و دانشمندان و اساتید حوزه و دانشگاه که دعوت شده بودند حرکت کردیم.



(رفتن هیأت علمی به ایتالیا قبل از یونان به دو منظور بود:  
اول آنکه، از تهران پرواز مستقیم به یونان در آن زمان نبود  
و دیگر آنکه لازم بود، دیدنی از شهر «رُم» و کلیسای بزرگ  
مسیحیت در واتیکان می‌کردیم.)  
هوایما اعلام می‌کرد که مدت پرواز از تهران تا فرودگاه  
«رُم» پنج ساعت است. ۳ بعد از ظهر که با افق ایتالیا ساعت ۱۲  
ظهر بود در فرودگاه «رُم» از هوایما پیاده شدیم و از طرف



مقامات سفارت و رایزنی فرهنگی ایران و بعضی شخصیت‌های ایتالیا مورد استقبال قرار گرفتیم و سپس در سفارت ایران به مدت یکی دو ساعت رفع خستگی نموده و ساعت ۲ بعد از ظهر راهنمایان، هیأت علمی را به قصد دیدن شهر «رُم» و مملکت واتیکان حرکت دادند.

من اینجا مایلم مقدار چند سطری از خصوصیات شهر «رُم» را برایتان بنویسم.

شهر «رُم» بسیار بزرگ و حدوداً ۳ میلیون نفر جمعیت دارد، فضاهای سبز و پارکهای بزرگ جلوه خاصی به این شهر بخشیده است، رودخانه بزرگی به نام رود «تیره» از وسط شهر می‌گذرد که دهها پل روی آن زده شده و این طرف شهر را به طرف دیگر متصل می‌کند آب این رودخانه که از کوههای بلند اطراف «رُم» سرازیر می‌شود به دریای «تیرنه» که در چند کیلومتری شهر «رُم» قرار گرفته می‌ریزد.

هوای «رُم» بسیار مطبوع و شبیه هوای اطراف دریای مدیترانه است درختان خرما و درختان نیمه گرمسیری در این شهر زیاد دیده می‌شود ولی در تابستان گرمای ناراحت کننده‌ای ندارد.



منظره‌ای از شهر رُم پایتخت ایتالیا

«واتیکان» کوچکترین مملکت دنیا است، در ناحیه شمال غربی و در مرتفع‌ترین قسمت‌ها، داخل شهر «رُم» قرار دارد، این مملکت کوچک که مستقلاً به وسیله پاپ اداره می‌شود و بیشتر از هزار نفر جمعیت ندارد. در اکثر ممالک دنیا نمایندگان مذهبی و سفیر دارد، مساحت آن چهل و چهار هکتار است. کلیسای «پترس قدیس» در آنجا است. قیصرهای روم در این محل آبادیهای بسیاری به وجود آورده‌اند. باغها و فضاهاى سبز



زیبائی در داخل این کشور کوچک دیده می‌شود.

بنا بود هیأت علمی بدون اطلاع قبلی و بدون تشریفات از کلیسای واتیکان دیدن کنند و با آنکه روز پنج‌شنبه بود و آنان مراسم مذهبی نداشتند در عین حال جمع زیادی برای اعتراف و دیدن کلیسای بزرگ مسیحیت در داخل و خارج کلیسا اجتماع کرده بودند و با آنکه دهها صندوق و قفسه اعتراف وجود داشت جمع زیادی منتظر نوبت برای اعتراف بودند.

شاید خوانندگان محترم ندانند که اعتراف در کلیسا به چه معنی است. بد نیست من بطور مختصر این مسأله مهم و شغل دائمی کلیسا را تا جائی که اطلاع دارم و دیده‌ام شرح دهم.

همیشه انسان گناهکار بخصوص اشخاصی که دارای وجدان بیداری هستند مایلند به یک نحوی از زیر بار گناه رهائی پیدا کنند و اگر راهی نیابند و نتوانند خود را سبک کنند و دچار عذاب وجدان باشند طبعاً به ناراحتی‌های عصبی و روانی تا سرحد خودکشی مبتلا می‌گردند. لذا از چیزهائی که اسلام و مسیحیت در آن اتفاق دارند این است که باید اعتراف کرد، اعتراف یعنی اقرار کردن به گناه و چاره‌جویی برای سبک شدن از زیر بار گناه و رفع عذاب وجدان.



First International Symposium on "Orthodoxy and Islam".  
15-17 Dec. 1999, Athens

اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس

Πρώτο Διεθνές Συμπόσιο "Ορθοδοξία και Ισλάμ".  
15-17 Δεκεμβρίου 1999, Αθήνα

۲۴ تا ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹. آ.ن.



منظره‌ای از واتیکان



مسیحیت می‌گوید: باید گناهکار در مقابل کشیش یا پدر روحانی تمام گناهان خود را اعتراف کند تا آن پدر روحانی بتواند صحیح و کامل او را راهنمایی نماید و نوید قبولی توبه او را به او بدهد تا او آسوده گردد.

اسلام می‌گوید: شخص گناهکار باید به در خانه خدا برود و نیمه‌های شب رو به قبله تهجدی داشته باشد و با پروردگارش مناجات کند و به گناهان خود اعتراف نماید تا خدای تعالی او را بیامرزد و اگر گناهان او از صفات رذیله‌ای که در وجود او نهفته است باشد، باید نزد استاد و راهنمایی برود و به صفات رذیله خود اعتراف کند و از او علاج مرض روحی خود را بخواهد.<sup>(۱)</sup>

به هر حال اسلام و مسیحیت در این موضوع مهم حیاتی یعنی اعتراف با مختصر تفاوتی (که شاید آن تفاوتها را پیروان ادیان، بعدها به وجود آورده باشند) متفقند.

ولی در کلیسای بزرگ و اتیکان مرد و زن دائماً مشغول اعتراف و کشیشان و پدران روحانی بدون خستگی گوش به اعتراف گناهکاران داده و آنها را برای رهائی از سنگینی بار گناه راهنمایی می‌کنند.

کلیسای بزرگ و اتیکان پر از مجسمه‌ها و تصاویر مطالب کتاب تورات و انجیل است؛ حتی در و دیوار و سقف آن کلیسای بزرگ نقطه‌ای ولو کوچک یافت نمی‌شود که تصویر یا مجسمه‌ای از

۱ - در کتاب «سیر الی الله» به این مبحث مفصلاً اشاره نموده‌ام.



حکایات و قصص کتاب مقدس در آن نباشد.  
در قسمتی، مجسمه‌ای از خدایتعالی که دستی برگردن حوریه‌ای  
دارد و با دست دیگر حضرت آدم را خلق می‌کند دیده می‌شود.



خدای تعالی را اینگونه مجسم کرده‌اند



در جای دیگر حضرت آدم و حوّا در حالی که عریانند و خجالت نمی‌کشند زیرا هنوز از درخت معرفت نخورده‌اند، ایستاده و شیطان که به صورت مار درآمده و آنها را فریب می‌دهد دیده می‌شود و در آن طرف همین تصویر، ملائکه که کروی را شمشیر به دست ترسیم کرده که طریق درخت حیات را محافظت می‌کنند. (اینها طبق کتاب تورات تحریف شده تصویر شده و از نظر اسلامی حقیقت ندارد).



تصویر فرشتگان

(این تصویر از داخل کلیسای واتیکان گرفته شده)



در محلی از این کلیسای بزرگ، حضرت مریم در آخور در حال وضع حمل و حضرت عیسی با حواریین خود و بالاخره اکثراً شرح زندگی حضرت مسیح و حضرت مریم تا زمانی که مصلوب می‌شود (طبق کتاب انجیل تحریف شده) مشاهده می‌گردد.

شاید در اینجا توضیح این مطلب لازم باشد که چرا مسیحیت به حد افراط مطالب و معارف دینی خود را با عکسها و مجسمه‌ها به مردم و بالاخص به پیروانش ارائه داده ولی اسلام از این روش استفاده نکرده و بلکه تا حدی یا به عنوان مکروه و یا به عنوان حرام از آن جلوگیری هم کرده است. آیا این موضوع یکی از وسایل تفرقه، بین این دو مذهب نیست؟

ما در جواب و توجیه این تضاد می‌گوئیم:  
بدون تردید مطالب و معارف دینی هر چه متکی به فکر و عقل و علم و دانش باشد بهتر است. و بدون شک، اعتقادات مذهبی نباید از راه تخیلات و توهمات و ذوق دیگران در انسان به وجود آید. و شکی نیست که تصویر و مجسمه و شعر، هر مقدار هم که کوشش شود مطابق با واقع ترسیم گردد، باز بالاخره



ذوق و هنر و سلیقه نقاش و مجسمه‌ساز و شاعر در آن دخالت خواهد داشت. و هر چه زمان وقوع حادثه و یا مطلبی که به نقاشی و تجسم و شعر کشیده می‌شود با زمان صاحب نقش‌ها و مجسمه و شعرها فاصله بیشتری داشته باشد، توهمات و تخیلات ترسیم‌کننده در آن بیشتر دخالت می‌نماید؛ لذا اسلام به خاطر آنکه منابع علمی دست نخورده‌ای مثل قرآن و احادیث صحیحی دارد، به پیروانش بسیار اصرار فرموده که متوجه تماثل و نقاشیها و حتی اشعار شعرا و مجسمه‌ها در عقائد نباشند؛ بلکه اولوالالباب و صاحبان عقل از نظر قرآن کسانی هستند که: «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»<sup>(۱)</sup> یعنی: سخن را می‌شنوند و بهترینش را انتخاب می‌کنند و تحت تأثیر ذوقیات و نقش و نگارها و از این قبیل عوامل ظاهری قرار نمی‌گیرند و حتی قرآن درباره پیامبر اسلام می‌گوید: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ»<sup>(۲)</sup> زیرا شعر، بهترینش آن است که بیشتر از ذوق و تخیلات شاعر بهره گرفته باشد. ولی پیامبران نمی‌توانند از طرف خود

۱ - سوره الزمر آیه ۱۹.

۲ - سوره یس آیه ۶۹.



و ذوق و تخیلات خود  
کلمه‌ای را بگویند قرآن درباره پیامبر اسلام می‌گوید: «وَ  
مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»<sup>(۱)</sup> یعنی کلمه‌ای را روی  
خواست خود نمی‌گوید بلکه هر چه فرموده وحی  
است. و از این بالاتر آن است که فرموده: «وَلَوْ تَقَوَّلَ  
عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ  
لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»<sup>(۲)</sup> یعنی اگر به ما نسبت بدهد  
بعضی از سخنانی که ما آن را نگفته‌ایم، او را از بازوی  
راستش می‌گیریم سپس رگ «وَتِينَ» او را قطع می‌کنیم  
و کسی نمی‌تواند ما را از این کار مانع شود.

بنابر این چون اسلام می‌خواسته صددرصد بشر  
را به طرف علم و دانش سوق دهد و نگذارد که در مسأله  
معارف و عقاید متکی به تخیلات و ذوقیات دیگران  
باشد. نقاشی و مجسمه‌سازی و تصویر و بالأخره هر  
چیزی که به تمام معنی متکی به عقل در معارف و عقاید  
نباشد، در شرع مکروه و یا حرام دانسته است.

و این دستور به معنی آن نیست که اسلام با  
کارهای هنری و ذوقی مخالف است بلکه در بسیاری

۱ - سوره النجم آیه ۳.

۲ - سوره الحاقه آیات ۴۴-۴۶.



از جاها مردم را به آنها تشویق نموده و به شعرا و اهل ذوق ارج فوق العاده‌ای نهاده که دهها حدیث و روایت بر این حقیقت دلالت دارد و اهل علم و دانش از آن مطلعند.

ولی اسلام در خصوص عقاید و معارف می‌گوید: باید اینها تنها و تنها از طریق عقل و تفکر و بحث و گفتگو به دست آید و یا نهایت بعضی از بخشهای فرعی آن از زبان پیشوایان معصوم و دور از خطا شنیده شود.

اما مسیحیت به خاطر آنکه نه کلام حضرت عیسی (علیه السلام) و نه انجیل آن حضرت و نه کلماتی از پیشوایان معصوم و دور از خطائی در دست دارند، شاید برای بقای دینشان ناگزیر بوده‌اند که به وسیله نقاشیها و مجسمه‌ها، مطالب و معارف دینی خود را بالاخص در کلیساها از راه چشم و نشان دادن تصویر، در اذهان حفظ کنند و این کار برای این دسته که فاقد منابع اصیل دینی هستند شاید لازم بوده، زیرا اگر این تصویرات نبودند به احتمال قوی دین مسیحیت فراموش می‌شد و رفته رفته از بین می‌رفت.

بنابراین، ملاحظه می‌فرمائید که دور نگه داشتن اسلام، مسلمین را از نقاشی و مجسمه‌سازی و تبلیغ



معارف دینی از این راه کار صحیحی بوده و از آن طرف  
اعمال مسیحیت در این خصوص برای حفظ دینشان  
بی‌فایده نبوده است.

پس این دو عمل متضاد از این دو مذهب، مایه  
افتراق آنها از یکدیگر نخواهد بود زیرا هر یک با دلیل  
خاصی که در بالا گفته شد، اقدام به آن عمل خاص  
خودشان نموده‌اند.

در اینجا تذکر این نکته لازم است که: یکی از  
اساتید دانشگاه تهران مطالبی در این زمینه و به صورت  
اعتراض به مسیحیت بدون توجه و تذکر توجه فوق  
تحت عنوان «صورت الهی، در شمایل‌نگاری مسیحی»  
در اجلاس یونان عنوان کرد؛ اما چون سمپوزیوم برای  
بیان مشترکات بین اسلام و مسیحیت تشکیل شده بود  
خوشایند حاضرین واقع نشد و کشیشان مسیحی در آن  
جلسه گله‌مند بودند.

به هر حال ما معتقدیم که این تفاوت، مایه تفرقه  
بین اسلام و مسیحیت نمی‌شود، ولی استاد مذکور این  
چنین نمی‌پنداشت و مسأله را چون به ظاهرش فکر  
می‌کرد صد در صد مخالف اسلام می‌دانست.

بالأخره ما مقارن غروب آفتاب از کلیسای بزرگ واتیکان  
بیرون آمدیم و مقداری در شهر «رُم» با ماشین، گردش کردیم و  
بعضی از آثار باستانی آن شهر را دیدیم.



یکی از آثار باستانی شهر رُم



شب در هتل استراحت نمودیم و صبح از رایزنی فرهنگی ایران در «رم» دیدن نمودیم و برای فرودگاه که پروازمان به سوی آتن، پایتخت یونان، ساعت ۱۲ ظهر انجام می شد، حرکت کردیم. حدوداً دو ساعت و نیم در هوا بودیم و درست ساعت دو و نیم بعد از ظهر وارد «آتن» پایتخت یونان شدیم و مورد استقبال مقامات سفارت و رایزنی فرهنگی ایران در آتن و بعضی از مقامات سیاسی و علمی و مذهبی یونان قرار گرفتیم و در هتل معروف «CARAVEL» اقامت نمودیم و در آنجا چند ساعتی استراحت کردیم.



دورنمایی از هتل کاراول در آتن پایتخت یونان



## اولین روز از سمپوزیوم

ساعت ۷ بعد از ظهر روز جمعه ۲۳ آذرماه ۱۳۶۹ «اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس» با حضور دانشمندان و اساتید و شخصیت‌های روحانی و دانشگاهی ایران و یونان و سایر کشورها در مرکز فرهنگی شهر داری «آتن» گشایش یافت.



اولین جلسه افتتاحیه سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت



در مراسم افتتاح این اجلاس علاوه بر حضور اساتید و علمای ایرانی و یونانی، دانشمندانی از سایر ممالک جهان مثل: آمریکا و آلمان و شوروی (سابق) و یوگسلاوی (سابق) و غیره دیده می‌شدند.

شخصیتهای علمی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و خبرنگاران مطبوعات و رادیو و تلویزیون و دانشجویان یونان در این مجلس حضور یافته بودند.

ابتدا آیاتی از قرآن از سوره آل عمران در خصوص حضرت مریم به وسیله حجة الاسلام آقای دکتر احمدی عضو شورای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تلاوت شد و سپس چند جمله از کتاب انجیل توسط یکی از اسقفهای یونان قرائت گردید و بالأخره پیامهایی از طرف مقام معظم رهبری و سایر مقامات و مسئولین رده بالای ایران و یونان در جلسه افتتاحیه به وسیله نمایندگانشان قرائت گردید.

آیه الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بخشی از پیامشان به این نکته اشاره فرموده بودند که: «دین، باید شناختی از انسان که ظریف‌ترین ترکیبی میان ماده، روح و مظهر هدایت ماده به سمت هدفهای معنوی است، ارائه کند و بشر را که روز به روز از حقیقت و هدف خود بیشتر فاصله گرفته به راه راست هدایت کند».



وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران حجة الاسلام آقای دکتر خاتمی در قسمتی از پیامش گفته بود: «یکی از مهمترین مسائلی که قطعاً در این سمینار مورد بحث واقع خواهد شد مسأله دین در جهان معاصر است...».

سپس می‌گوید: «جهان نیاز به افسون زدائی دارد، اما این افسون زدائی آنچنان که مخالفان ادیان ادعا می‌کنند دین زدایی نیست؛ بلکه این بسط حقایق دینی است که طبعاً موجب روشن دلی و روشن بینی (به معنای شریف و حقیقی کلمه، نه به معنای جاهلانه قرن هیجدهمی آن) خواهد شد. مهدویت اسلامی و مسیانیزم مسیحی که اعتقاد به منجی آخرالزمان است، باعث می‌شود که معتقدان به اسلام و مسیحیت با امید و اعتقاد به پیروزی نهائی خیر و نیکی بر جهان و یا خوشبینی و اطمینان، به یاری هموعان خود بشتابند.

عالیجناب «سرافیم» اسقف اعظم کلیسای ارتدکس یونان، در پیام خود از برگزاری این سمپوزیوم تشکر کرده بود و در بخشی از کلماتش گفته بود: «مسیحیت ارتدکس، دین صلح و دوستی است و تلاش ما این است که همه انسانها در سعادت و آسایش زندگی کنند و انشاءالله به این مقصد خواهیم رسید».

سخنان فوق که از توجه کاملی بر آینده بشریت و از دل آگاهان از شخصیت‌های دینی و سیاسی برخواسته بود، آنچنان مرا



در همان جلسه اول تحت تأثیر قرار داد که امیدوار شدم ممکن است در آینده از این راه بتوانیم قدمی در راه رسیدن به بزرگترین آرزوی جهان بشریت و ادیان بزرگ دنیا یعنی: حکومت دین بر جهان و از بین بردن هرگونه ظلم و ستم از میان جوامع بشری و برقراری عدل و قسط در بین آنان، چنانکه در سخنان وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران این موضوع به صراحت ذکر شده بود، برداریم؛ ولی متأسفانه اکثر کسانی که در این سمپوزیوم شرکت کرده بودند یا به اهمیت این موضوع توجه نداشتند و یا غفلتی گریبان‌گیرشان شده بود که آنچه بزرگان اسلام و مسیحیت به آن اهمیت بیشتری می‌دادند، اینان کمتر به آن توجه داشتند و مطالب و مقالاتشان را به مسائل کم‌اهمیت و یا واضح‌ات اختصاص می‌دادند.

مثلاً در همان جلسه افتتاحیه یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از مدعوین بود، سخنانش درباره معنی ایمان از نظر متکلمان و عرفا در اسلام بود و دیگری درباره جهان شمولی یونانی و جهان شمولی اسلامی در صحنه هنر و موسیقی حرف زد.

ملاحظه می‌فرمائید اینان برخلاف آنان به مسائل کم‌اهمیت و یا لااقل به چیزهایی که دردی را دوا نمی‌کند و بخصوص برای آن اجلاس ارزشی ندارد، پرداخته بودند. بالأخره این جلسه در ساعت ۱۰ بعد از ظهر آن روز پایان



یافت و بعد از جلسه نیم ساعتی در همان مرکز فرهنگی  
(شهرداری آتن) پذیرایی مختصری شدیم و با جمعی از  
دانشمندان مسیحی آشنا گردیدیم.

## دومین روز

دومین روز از اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و  
مسیحیت، ساعت ۹ صبح روز شنبه ۲۲ آذرماه تشکیل شد.





در این روز یکی از دانشمندان دانشگاه آتن درباره «قیامت و معاد جسمانی و مشترک بودن این عقیده بین اسلام و مسیحیت» سخن گفت و با استدلال نسبتاً خوبی می‌خواست اثبات کند که اعتقاد به معاد جسمانی از عقاید مسلم مسیحیت است آنچنانکه این عقیده در قرآن به طور وضوح آمده است و می‌خواست بگوید: «یکی از مسائل مشترک اسلام و مسیحیت معاد جسمانی است».

استاد دانشگاه دیگری که ایرانی بود در سخنرانی خود در این روز می‌گفت: «قرآن از طریق وحی، تمام مسائل اساسی را که در انجیل آورده شده است تأیید می‌کند».

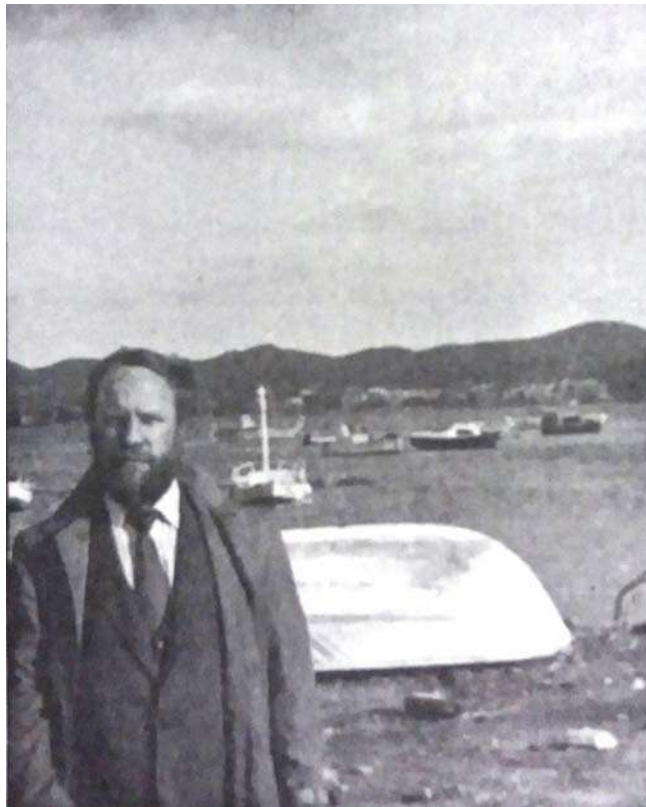
این سخن مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و مردود شناخته شد، زیرا در بحث آزاد آن جلسه گفته می‌شد که یکی از مسائل اساسی انجیل اصل محبت است.

آنجا که مسیحیان معتقدند که قصاص کار صحیحی نیست و انجیل می‌گوید: «با شریر مقاومت مکنید، بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند طرف دیگر را به سوی او برگردان» ولی اسلام، حیات بشر را به قصاص افراد ظالم و ستمگر معرفی کرده و فرموده: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»<sup>(۱)</sup> پس این کلام صحیح نیست که بگوئیم «اسلام و قرآن تمام مسائل انجیل را تأیید می‌کند».

۱ - سوره بقره، آیه ۱۷۵.



سومین سخنگوی این جلسه آقای «الکساندر کوزا» رئیس کمیته روابط بین المذاهب کلیسای ارتدکس مسکو بود که او سخنرانی خود را تحت عنوان «مشارکت پیروان مسیحیت ارتدکس و اسلام از دیدگاه انسان شناسی ارتدکس» عنوان کرد و اظهار داشت: «قلبها و روحها که سالم هستند می‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند، مسیحیان و مسلمانان باید یکدیگر را دوست داشته باشند، مشکلات ملل باید با عشق و برادری حل شود. در سالهای اخیر گامهایی برای ارتباط برادرانه بین ملت‌ها ایجاد شده و مذاکراتی انجام گرفته است».



آقای الکساندر کوزا رئیس کمیته روابط بین المذاهب کلیسای ارتدکس مسکو



و بالأخره مشارالیه بیش از هر چیز حاضرین را به وحدت و اتحاد و برقراری ائتلاف بین مذاهب عالم ترغیب نمود. سخنگوی بعدی در آن روز یکی دیگر از دانشمندان مسلمان بود که متأسفانه افکار محی الدین عربی را، اسلام واقعی تصوّر می کرد و آن را با نظریّه بعضی از مسیحیان «گریگوریها» تطبیق می نمود.

پنجمین سخنران آقای «پطرس» استاد دانشگاه «تسالونیک» بود که درباره ابعاد انسان شناسی سخن گفت و بحث بسیار جالبی



آقای پطرس استاد دانشگاه تسالونیک



تحویل شنوندگان جلسه داد، ولی او از آنچه در اسلام در این باره گفته شده حرفی نزد و هدف از تشکیل جلسه را منظور ننمود.

سخنران بعدی یکی از اساتید دانشگاه تهران بود که درباره «فضائل و رذائل انسان از نظر اسلام و دانشمندان و فلاسفه یونانی» سخن گفت و تا حدی توانست نظرات اسلام و فلاسفه یونان را با هم مقایسه و تطبیق کند.

هفتمین سخنگوی این جلسه آقای دکتر «میلیادیس» استاد دانشگاه آتن بود که درباره «زمینه‌های انجیل قدیم در انسان شناسی» حرف زد ولی نتوانست آن را با حقایق اسلام تطبیق دهد.

هشتمین سخنران این جلسه یکی دیگر از اساتید دانشگاه تهران بود که مطالب کوتاهی درباره «آفرینش انسان و ظهور کلمه الهی» بدون آنکه آن را با نظرات مسیحیت ارتدکس تطبیق کند بود. و شاید به خاطر آنکه به او فرصت بحث ندادند. (ما برداشتمان این گونه بود).

آخرین سخنگوی جلسه صبح روز دوم سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس آقای «اناستاسیوس بانولاتوس» اسقف معظم مسیحیت ارتدکس بود که وی با اشاره به دیالوگ (مباحثه و گفتگو) بین مسیحیان و مسلمانان و محور و مشکلات آن سخن گفت و اصرار داشت که باید این گفتگوها



آنقدر ادامه داشته باشد تا به کلی اختلافات از بین برود. او در قسمتی از سخنانش گفت: «در عصر حاضر، ما جهت گشودن باب جدیدی برای گفتگوی اسلام و مسیحیت فراخوانده می‌شویم در جریان سی سال اخیر ملاقاتها و گفتگوها بین مسیحیان و مسلمانان بیشتر گردیده است».

این جلسه به نظر من بسیار جلسه خوبی بود و تا حدی سخنگویان توانستند هدف سمپوزیوم را تعقیب کنند و چنانکه ملاحظه فرمودید در این جلسه نه نفر در موضوعات مختلف ولی مشترک بین اسلام و مسیحیت سخن گفتند که به ترتیب یک نفر از مسیحیان و یک نفر از مسلمانان در این جلسه انتخاب شده بودند.

این جلسه در ساعت یک بعد از ظهر پایان یافت و مسلمانان برای مراسم مذهبی خود یعنی نماز ظهر از مرکز فرهنگی شهرداری «آتن» بیرون رفتند.

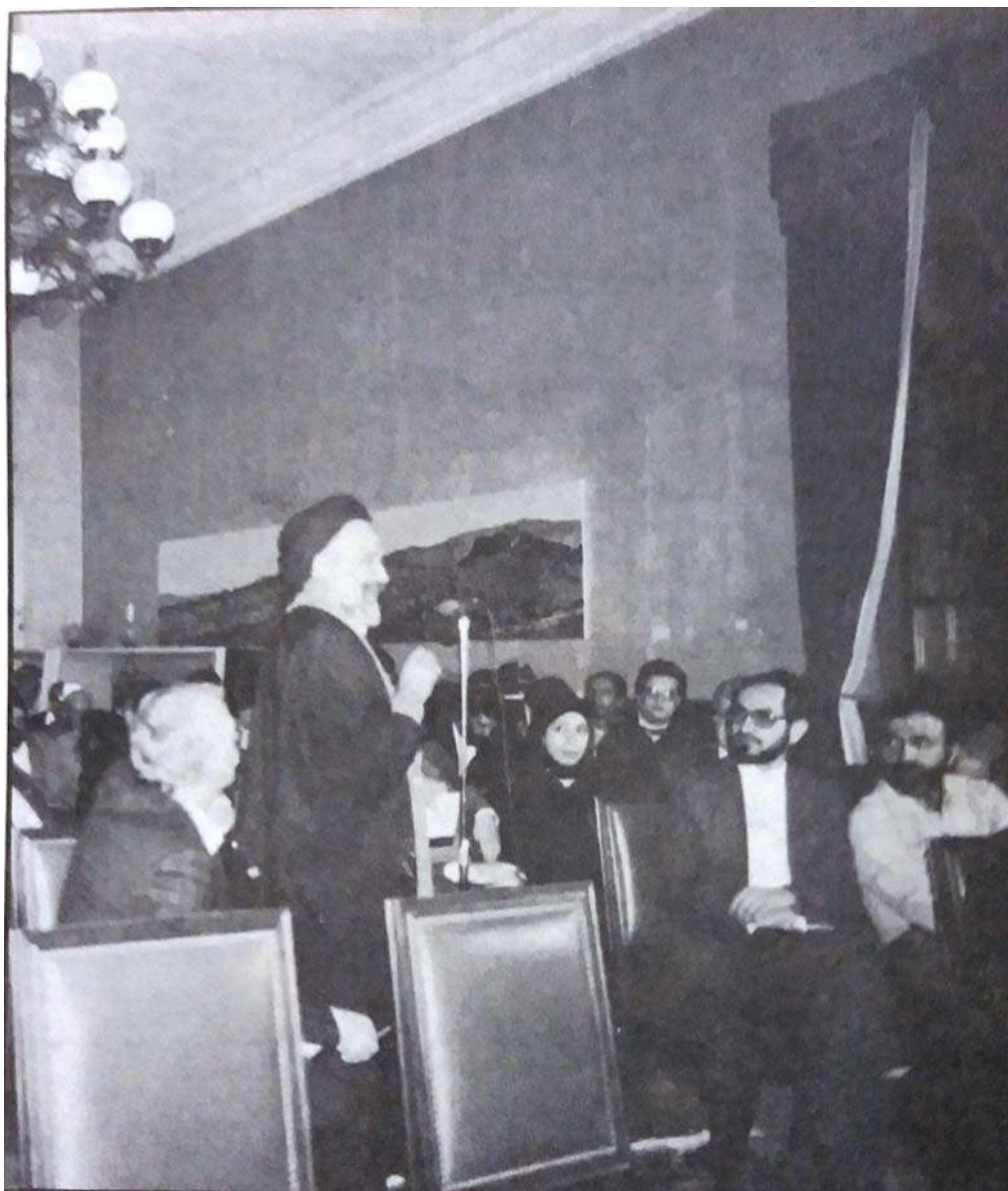
جلسه عصر آن روز متأسفانه مانند جلسه صبح نبود؛ زیرا آقای دکتر «آنگلوس یانوپولوس» تنها در مورد «حقوق بشر در الهیات مسیحیت ارتدکس» سخن گفت و بدون آنکه با اسلام آن را تطبیق دهد از آن گذشت و همچنین یکی از اساتید دانشگاه تهران تحت عنوان «انسان کامل از نظر عرفان اسلامی» سخن گفت و بیشتر فرمایشات ایشان برای جلسات عرفانی ایران



مناسب بود.

و سؤمین سخنران این جلسه یکی از علما و از اساتید فلسفه در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در تهران بود که فوق العاده ابراز خوشنودی به خاطر آنکه در سرزمین ارسطو و افلاطون سخنرانی می کرد می نمود و موضوع سخن خود را «انسان و حبّ پروردگار از نظر اسلام» بدون آنکه سخنی از مسیحیت بگویند و یا مسأله مورد بحث خود را با نظرات دانشمندان مسیحی تطبیق کند سخنرانی خود را پایان داد.

و سخنران چهارم آقای دکتر «یورگیوس» بود، اگرچه می خواست مطالبش را با حقایق اسلامی تطبیق دهد ولی (به خاطر آنکه اکثراً دانشمندان مسیحی، اطلاعی از حقایق اسلام ندارند) او مسائل اسلامی را اشتباه نقل می کرد، مثلاً او تناسخ را به اسلام نسبت می داد و می گفت: «اسلام معتقد است که روح بعد از مرگ وارد بدن دیگری یا بدن حیوانات می شود. مثلاً در قرآن آمده که روح حضرت حسین بن علی (علیه السلام) وقتی از بدنش خارج شد به بدن کبوتری وارد گردید! و پرواز نمود»، که من در اینجا با اجازه رئیس جلسه به او پاسخ دادم و گفتم: «اسلام تناسخ را باطل می داند و یک چنین نسبتی را کسی به حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) نداده است» و سپس به عنوان گله از دانشمندان مسیحی گفتم: «این دانشمندان مسلمان، از روزی



استاد سید حسن ابطحی در اعتراض به مسأله تناسخ

که به این سمپوزیوم (یعنی چند ماه قبل دعوت شده ایم  
بیشتر مطالعاتمان در خصوص کتاب انجیل و عقاید  
مسیحیت و بخصوص ارتدکس بوده است، ولی در این جلسه ما  
می بینیم که دانشمندان مسیحی از عقاید



اسلامی اطلاع کاملی ندارند و به خود زحمت نداده‌اند که لااقل قرآن را خوب مطالعه کنند و لذا از علما و دانشمندان مسیحی می‌خواهم که با دقت بیشتری مسائل و معارف اسلامی را مطالعه کنند و بدانند همانگونه که در مسیحیت فرقه‌های مختلفی وجود دارد و چون ما می‌دانستیم در یونان بیشتر با مسیحیت ارتدکس روبرو هستیم علاوه بر آنکه از مسیحیت کاتولیک و مسیحیت پرستان اطلاعات زیادی با مطالعه پیدا کردیم، خود را وادار نمودیم که تحقیق بیشتری درباره مسیحیت ارتدکس داشته باشیم. شما هم شاید اکثران ندانید که ما در ایران از کدام فرقه اسلامی هستیم ولی آنچه فرق دیگر اسلامی گفته و معتقدند، شما مرتب در سخنرانی‌ها به ما نسبت می‌دهید».

که البته این تذکر و گله و اعتراض مورد تأیید حاضرین و رئیس جلسه قرار گرفت و از من تشکر کردند و این جلسه در همین جا پایان یافت.



استاد سید حسن ابطحی

در حال اعتراض به سخنان یکی از اسقفهای مسیحی

## سومین روز از اولین سمپوزیوم بین المللی

### اسلام و مسیحیت

در این روز، یعنی صبح روز یکشنبه ۲۵ آذر ماه طبق قرار قبلی بنا بود در یکی از کلیساهای آتن پایتخت یونان حضور یافته و از برگزاری مراسم روز یکشنبه در کلیسا دیدن کنیم لذا هیأت علمی ایرانی، در ساعت ۸ صبح در کلیسای بزرگ «متروپولیس» حضور یافته و از مراسم مذهبی مسیحیان دیدن کردیم. در این کلیسا که



اکثر شخصیت‌های بزرگ مسیحی و رجال سیاسی و مسئولین مملکتی یونان شرکت کرده بودند مراسم جالبی برگزار شد. زن و مرد در روی مبلها و نیمکت‌ها نشسته و همه با توجّهی خالصانه به سخنرانی اسقف بزرگ کلیسا گوش می‌دادند. همه در مقابل خود، مجسمه حضرت عیسی در حالی که به دار آویخته شده با آن قیافه معصومانه را مشاهده می‌کردند و به بخشایش خدای تعالی به خاطر مصلوب شدن یگانه فرزندش فکر می‌نمودند، ما هم چند دقیقه‌ای در کنار آنها نشستیم و آنها را با خیلی احترام کردند و با کمال مهربانی مهمان‌نوازی می‌نمودند.



دیدن از مراسم کلیسا در روز یکشنبه در آتن



از مراسم کلی ساعت ۳۰/۱۱ دقیقه صبح جلسه سوّمین روز از مباحثه بین اسلام و مسیحیت شروع به کار کرد. ابتدا آقای پروفیسور «کیت سی کیس» استاد دانشگاه اتاوا کانادا، سخنان خود را تحت عنوان «غرب زدگی اسلام و مسیحیت ارتدکس» شروع کرد و مطالب خوبی در این زمینه ارائه داد.

و سپس یکی از اساتید دانشگاه تهران تحت عنوان «صورت الهی انسان در شمایل نگاری مسیحی» سخنرانی کرد و چنانکه در مقدمه کتاب عرض شد، سخنان وی خوشایند مسیحیان واقع نشد و تفرقه انگیز بود زیرا او به عنوان اعتراض به شمایل نگاری مسیحی و مخالف بودن آن با اسلام حرف می زد.

سخنگوی سوّم آقای دکتر «یورگوس چاکالدیس» استاد دانشگاه آلمان بود که به عنوان اعتراض به کتب درسی دانشگاه یونان که اشتباهاتی در خصوص تاریخ و علوم و معارف اسلامی در آنها وجود دارد سخن گفت و اصرار داشت که در کتابها تجدید نظری بشود.

آخرین سخنران این جلسه یکی از بانوان دانشمند مسلمان بود که به بررسی «جایگاه اجتماعی و شخصیت زن از نظر قرآن و انجیل» سخن گفت و انصافاً از عهده مطلب کاملاً برآمد.



جلسه سومین روز سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت

### جلسه بعد از ظهر

بعد از ظهر یکشنبه ۲۵ آذرماه در ساعت ۱۶ همه مدعوین از ممالک مختلف جهان حضور داشتند، سخنرانان مسلمان و مسیحی هر یک به نوبه خود در این جلسه سخن گفتند. اولین سخنران که یکی از علماء و نمایندگان مجلس شورای



اسلامی ایران بود تحت عنوان «اسلام دین دعوت» سخن گفت و انصافاً اسلام را به عنوان دینی که آغوش مهر و محبتش را برای همه مردم دنیا گشوده و همه را به سوی سعادت و خوشبختی دعوت می کند معرفی نمود.

سپس آقای دکتر «گریگوریوس» دانشمند اسلام شناس و استاد دانشگاه الهیات «سالونیک» به تشریح «تأثیر متقابل فلسفه



آقای دکتر گریگوریوس در حال سخنرانی



یونان و اسلام در یکدیگر» پرداخت و گفت همانقدر که مسلمانان برای فلسفه یونان ارزش قایلند، دانشمندان مسیحی و فلاسفه یونان در این عصر، برای حقایق و معارف اسلام اهمیت بیشتری قائل می‌باشند».

پس از این فیلسوف مسیحی، یکی از اساتید دانشگاه تهران درباره «وجوه مشترک قرآن و انجیل درباره مرگ و روز رستاخیز» سخن گفت و تا حدی ایشان توانست هدف از تشکیل این سمپوزیوم را مورد توجه قرار دهد.

چهارمین سخنران این جلسه اسقف «الکساندر خریستوس تومومس» اسقف کلیسای ارتدکس در «فرانسیسکو» بود وی در ضمن سخنرانی خود فرهنگ، مذهب و سیاست را از نظر اسلام و مسیحیت بررسی کرد و خطر فرهنگ غرب را برای این دو مذهب گوشزد مسلمانان و مسیحیان نمود.

آخرین سخنران این جلسه یکی از دانشمندان مسلمان که سالها در یونان به تدریس مشغول است بود و درباره عشق و اشعار حافظ، به زبان یونانی سخن گفت و در اینجا جلسه سومین روز سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت پایان یافت.

### چهارمین و آخرین روز

ابتدا یکی از دانشمندان و کشیشان و استاد دانشکده الهیات



آتن، تحت عنوان «انسان شناسی و محیط زیست» سخن گفت و سپس خانم «پینه لویی» درباره کتابهای اسقف اعظم اورشلیم مورد مکّه و مدینه سخن گفت و سومین سخنگوی این جلسه یکی از بانوان دانشمند مسلمان بود که درباره «زن از دیدگاه اسلام» سخن گفت و چهارمین سخنگوی این جلسه یکی از شخصیتها و مسئولین جمهوری اسلامی ایران بود که درباره «محیط زیست از دیدگاه اسلام» سخنرانی کرد.



جلسه چهارمین و آخرین روز سمپوزیوم...



و بالآخره پنجمین نفر از سخنگویان این جلسه یکی از دانشمندان مسیحی بود که درباره «متون عربی کتابخانه اورشلیم» سخن می‌گفت.

سپس اینجانب در ساعت ۴۰/۱۰ دقیقه صبح روز دوشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹ سخنرانی خود را در حالی که تقریباً همه مدعوین به تدریج در سالن مرکز فرهنگی شهرداری آتن جمع شده بودند، درباره «مقام شامخ انسان و حکومت دین بر جهان از نظر اسلام و مسیحیت» عنوان نمودم (که پس از چند سطر یا چند صفحه‌ای مشروح سخنان مطرح شده را انشاءالله می‌آورم) پس از من سفیر ایران در واتیکان مطالبی تحت عنوان «کلام در اسلام» ایراد کرد و جلسه قبل از ظهر خاتمه یافت.

در جلسه بعد از ظهر اگرچه، جلسه پایانی بود و بیشتر درباره بیانیه پایانی این سمپوزیوم فکر و مطالعه می‌شد ولی به هر حال چند نفری از ایران و رئیس دانشکده الهیات سالونیک و امام جماعت مسجد «زاگرب» یوگسلاوی قدیم، سخنان کوتاهی در مسائل مختلف، مشترک بین اسلام و مسیحیت سخن گفتند و این سمپوزیوم در این روز پایان یافت.



## بازتاب سمپوزیوم در دنیا

اکثر مجلات یونان با تیتروهای درشت نوشتند: «اسلام و مسیحیت با هم متحد شدند».

روزنامه «کاتی مرینی» نوشت: «اسلام و مسیحیت در جستجوی مشترکاتی می‌باشند که آنها را با هم متحد می‌کند». هفته‌نامه «اگونس» نوشت: «مسیحیت ارتدکس و اسلام، علی‌رغم اختلافات دیرینه برای اولین بار، نمایندگان دو مذهب بزرگ را متحد کرد».

روزنامه «استیا» از تشکیل این سمپوزیوم به گرمی استقبال کرد و شرح مفصّلی از اهمیت این اجلاس نوشته بود. روزنامه «الفتروتیپیا» خبر این سمپوزیوم را پراهمیت تلقی کرد و قسمتی از روزنامه خود را به شرح جریانات این اجلاس اختصاص داد.

روزنامه «الفتروس» به اعلام کار این سمپوزیوم اشاره کرد و اهمیت آن را به مردم دنیا اعلام نمود.

روزنامه «نفت امبورکس» این سمپوزیوم را از ابتکارات پراهمیت دنیا اعلام نمود و از انجمن یونان و ایران بخاطر این



خدمت ارزنده ستایش کرد.

روزنامه «اپوگومتینی» سمپوزیوم اسلام و مسیحیت را بیانگر تفاهم هر چه بیشتر و بهتر بین مسیحیان و مسلمانان جهان قرار داد.

روزنامه «قراما» از اینکه آقای «تریچیس» شهردار جدید «آتن» در این سمپوزیوم شرکت کرده و بلکه کمک و یاری بسیاری در تشکیل آن داشته ابراز خوشوقتی کرد و از این اقدام ستایش نمود.

روزنامه «اتنوس» از قول شهردار آتن نوشت: «آتن مرکز نور و هدایت بود و ارتدکس توانست از اسلام درخشش گیرد». روزنامه «نیکي» با شغف بسیار زیاد از این سمپوزیوم نام برد و آن را گام بزرگی در راه وحدت اسلام و مسیحیت ذکر کرد.

هفته‌نامه «ایکونس» مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱ نوشت: «نماینده این مجله در جلسات چهار روزه سمپوزیوم حضور داشته و از نزدیک شاهد محیط منحصر بفرد و معنوی و دوستی توأم با صلح و صفا، روشن‌بینی و صمیمیت آن بوده است در اولین ردیف روحانیین مسیحی و مسلمان کنار یکدیگر نشسته بودند، این افراد از اساتید الهیات و مدرّسین بزرگ دو کشور بودند سوء تفاهم



قرون گذشته برطرف شده بود».

سپس مجله مذکور محورهای بحث و گفتگوی این جلسات را یادآور می‌شود و یک یک از سخنگویان اسلامی و مسیحی را با ذکر مطالبشان معرفی می‌کند و سپس به عنوان مهمترین محور بحث و گفتگو مقام شامخ انسان و حکومت دین به وسیله او بر جهان که مطالب مورد بحث من در آن سمپوزیوم بود عنوان می‌نماید و برای این محور بحث اهمیت بسیاری قائل می‌شود.

و قسمتی از سخنان «تریچیس» شهردار آتن و رئیس انجمن ایران و یونان را که درباره صلح جهانی و حکومت دین بر جهان سخن گفته بود نقل می‌کند.

او می‌گوید: «ما در یک دنیای مشترک اما تقسیم شده، زندگی می‌کنیم و ما باید با تمام افکار و روحان ریشه‌های مشترکمان که بسیار زیاد و عمیق می‌باشد را بیابیم و انجام این کار بسیار ضروری می‌باشد، زیرا بشر دوباره خواستار آرامش و صلح و صفا و وحدت می‌باشد. ملتها خواستار صلح و برادری می‌باشند و به همین دلیل، هر روز دیوارهای دولتها فرو می‌ریزد تا ارتباطات بهتر و بیشتر شود، ملتها و دولتها و تمام رژیمها تلاش می‌کنند تا جوّی معنوی و بشر دوستانه و توأم با آزادی را بجویند و به صورت مشترک اینها را بیابند».



## Τρίτσειος... βομβαρδισμός

**Κ**αι με το Ισλάμ... ασχολείται ο Αντώνης Τρίτσης, ο οποίος είναι πρόεδρος του Ελληνοϊρανικού Συνδέσμου.

Με θέμα «Ορθοδοξία και Ισλάμ» αρχίζει αύριο στις 7 το βράδυ το πρώτο Διεθνές Συμπόσιο που διοργανώνει το Μορφωτικό Κέντρο της Ισλαμικής Δημοκρατίας του Ιράν και ο Ελληνοϊρανικός Σύνδεσμος στο Πανεπιστήμιο Αθηνών (Φιλοσοφική Σχολή, Πανεπιστημιούπολη - Ζωγράφου).

Το Συμπόσιο που θα λήξει το βράδυ της Δευτέρας, έχει στόχο την καλύτερη κατανόηση μεταξύ των χριστιανικών και μουσουλμανικών λαών του κόσμου.

Πολυάσχολος λοιπόν ο νέος δήμαρχος Αθηναίων.

Παρίσι, Μόναχο, Αθήνα, οργάνωση του Δήμου Αθηναίων, αύξηση των δημοτικών τελών σε μεγάλα ποσοστά, ορκωμοσία



**Ο κ. Αντ. Τρίτσης.**

του την ερχόμενη εβδομάδα κ.λπ., κ.λπ. κ.λπ.

Αναμένεται δηλαδή τρίτσειος βομβαρδισμός!..

**ΝΑΣ. ΝΙΚ.**

«آقای تریچیسی شهردار آتن و رئیس انجمن ایران و یونان»

(نقل از هفته نامه ایکونس مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱)

رئیس انجمن ایران و یونان منظورش از این سخنان این بود که باید به وسیله حکومت واحد جهانی بشر به آرامش و امنیت و وحدت برسد و لذا در سالن مجاور که برای استراحت و پذیرائی رفته بودیم و او مقاله مرا شنیده بود به من تبریک گفت و اظهار داشت که تنها راه نجات بشریت همین سخنان شما و عنوان بحث شما است، باید پسر انسان (به اصطلاح انجیل) و یا حضرت مهدی (علیه السلام) (به اصطلاح اسلام) ظهور کند و دست ظالمین و



ستمگران را از سر مستضعفین و مظلومین قطع نماید و حکومت واحد جهانی را زیر سایه خدا و معنویت برقرار نماید.)  
و بالأخره هفته نامه مذکور از همین جهت بیشتر توجه به مطلبی که من درباره مقام شامخ انسان و حکومت واحد جهانی به وسیله حضرت مهدی (علیه السلام) و یا به اصطلاح انجیل «پسر انسان» داشت و تنها تصویر مرا به عنوان سخنران آن جلسه در مجله درج کرده بود.

بالأخره اکثر روزنامه ها و مجلات یونان و ایران و ممالکی که برای این سمپوزیوم نماینده فرستاده بودند این اقدام بزرگ و این گام بلند را بسیار مفید برای پیشرفت وحدت و تمدن بشری دانسته و از مبتکرین این طرح ستایش کردند.

روزنامه های ایران نیز از این سمپوزیوم نامی برده بودند و بعضی از مجلات به طور ناقص شرحی از سخنرانیهای دانشمندان ایرانی و غیرایرانی را نوشتند، ولی ظاهراً آنها اهمیت این حرکت را مانند مجلات و روزنامه های خارج از کشور احساس نکرده بودند.

و بالأخره در مدت چهار روز سخنرانیهای از طرف اساتید و دانشمندان ممالک مختلف جهان که در جلسات حضور داشتند برگزار شد و هر کدام از دانشمندان مسلمان و مسیحی در مسائل مورد اتفاق دو طرف بحث و گفتگو کردند و گاهی بعضی از مسائل



که مورد تردید واقع می‌شد، با تشکیل میزگرد و بحث آزاد حل و فصل می‌گردید و به نظر من این اجلاس بهترین و والاترین جلسه‌ای بود که در عالم و جهان ادیان تشکیل می‌گردید و در پایان بیانیه مشترکی خوانده شد و عمده نتیجه این سمپوزیوم در آن ذکر گردیده بود.

این بود آنچه به طور خلاصه من توانستم از این اجلاس توضیح دهم و به عنوان مقدمه از نظر خوانندگان عزیز بگذرانم و عمده منظورم از این گزارش این بود که تا حدی بگویم افکار دانشمندان ادیان بزرگ عالم درباره حکومت واحد جهانی و حاکمیت دین بر دنیا چگونه بوده است.

لذا اگر توجهی به کلمات شخصیت‌های برجسته این دانشمندان که می‌دانستند باید هدف از تشکیل این سمپوزیوم چه باشد دقت گردد، بخوبی مشاهده می‌کنیم که آنها متوجه این نکته بوده‌اند که: «باید بالأخره روزی اداره امور دنیا طبق آنچه قرآن به آن اشاره کرده به دست حاکمان صالح تحت رهبری امام صالحین حضرت مهدی (علیه السلام) و یا به قول مسیحی‌ها پسر انسان قرار گیرد و من به همین منظور مقاله خود را در آن فضای باز و در حضور دانشمندان ملل مختلف جهان ابتداء در بیان مقام شامخ انسان و معرفتی و هدف از خلقت وی و سپس اینکه باید حکومت واحد جهانی به دست صالحترین و داناترین و مقتدرترین فرزندان



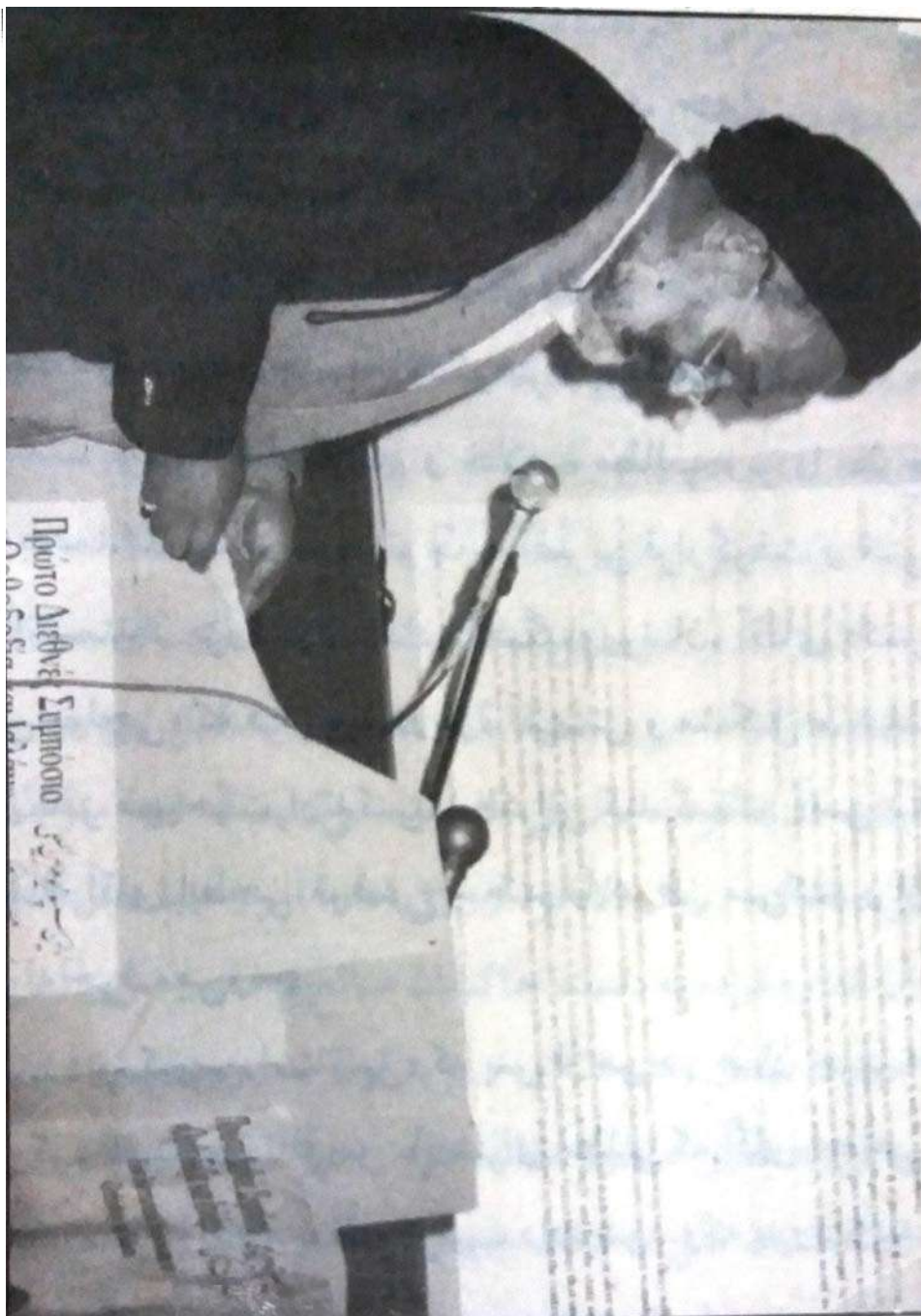
حضرت آدم بیافتد و دین خدا بر جامعه حکومت کند تا بشریت معنی آزادی و حیات طیبه را بفهمد و لذت زندگی را بچشد قرار دادم.

### مقام شامخ انسان و حکومت دین بر جهان

روز دوشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۶۹ ساعت ۴۰/۱۰ دقیقه صبح نوبت سخنرانی به اینجانب رسید در این روز از جهات مختلف به گفته شرکت کنندگان در جلسه با شکوهتر و پر جمعیت‌تر بود.

من پشت تریبون قرار گرفتم و خلاصه مطالب زیر را مطرح نمودم که بحمدالله بسیار مورد توجه حاضرین قرار گرفت و حتی یکی از دانشمندان بزرگ و استاد دانشگاه یونان، آقای دکتر «واسیلیس یولچی» که قرار بود درباره آفرینش و مشکل محیط زیست از نظر مسیحیت ارتدکس سخنرانی کند گفت: «من با شنیدن مقاله آقای ابطحی موضوع سخنم را عوض می‌کنم و از همین مقوله حرف می‌زنم».

و دکتر «یورکیوس استاتیس» که پس از من در همان جلسه سخنرانی کرد گفت: «به نظر من باید برای مطلبی که آقای ابطحی فرمودند یک سمپوزیوم مستقلی ترتیب داده شود»، که مورد تأیید حاضرین قرار گرفت.



استاد سید حسن ابطی در حال سخنرانی  
(نقل از هفته نامه ایکونس مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۹)

① Ο υφυπουργός Πολιτισμού και  
Καθοδήγησης της Ισλαμικής  
Δημοκρατίας του Ιράν, κ. Abtahi.



متن مقاله من که به چهار زبان در مجلس ترجمه می شد و  
به سمع حاضرین می رسید این بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، سلام بر انبیای بزرگ الهی، سلام بر  
منجی عالم بشریت، حضرت مهدی (علیه السلام)، سلام بر  
شهدای راه آزادی و سلام بر رهبران انقلاب اسلامی، که اینان با  
تلاششان با خون پاکشان با صبر و استقامتشان ما را از فشار و  
ظلم ستمگران و قدرتمندان بی ایمان نجات داده و می دهند.  
موضوع مقاله من «مقام شامخ انسان و حکومت دین بر  
جهان» است که بالأخره روزی این وعده الهی تحقق خواهد  
یافت... آمین.

### مقام شامخ انسان

بدون تردید انسان، در میان موجودات عالم خلقت به  
خاطر داشتن عقل و خرد امتیاز قابل توجهی دارد و خدای  
تعالی به همین خاطر او را بر سایر حیوانات مسلط فرموده و  
برتری داده است.

کتاب مقدس<sup>(۱)</sup> در این باره می گوید:

---

۱ - کتاب مقدس مجموعه عهد عتیق و عهد جدید که عهد عتیق مجموعه ۳۳ کتاب و  
عهد جدید مجموعه ۲۸ کتاب است که منجمله از آن کتابها تورات و انجیل است و



«انسان بر سایر حیوانات تسلط دارد یعنی بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهائم و بر تمامی زمین و حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت می‌نماید.»<sup>(۱)</sup>

این جمله به معنی این است که انسان در زمین بر همه چیز و بر همه کس برتری دارد و این به خاطر آن است که خدای تعالی روح انسان را به صورت خود آفرید و او را در صفات درونی مثل اعلای خود قرار داد چنانکه کتاب مقدس می‌گوید: «و خدا گفت آدم را به صورتمان و شبیهمان بسازیم.»<sup>(۲)</sup>

قاموس کتاب مقدس می‌گوید: «و چون خدای تعالی انسان را در تقدس و عدالت به صورت خود آفرید شریعتی برای او قرارداد.»<sup>(۳)</sup>

داشتن شریعت و تکلیف برای آنست که انسان اعتبار و مقام خود را بیابد و به کمال انسانیت برسد.

از مطالب فوق استفاده می‌شود که چون انسان دارای اعتبار و مقام والائی است و می‌تواند خود را متخلّق به صفات پروردگار بنماید، خدای تعالی موجودات عالم اعمّ از حیوانات و نباتات و

تمام مسیحیان این مجموعه را به عنوان کلام حقّ قبول دارند.

۱ - سفر پیدایش باب ۱ شماره ۲۶.

۲ - سفر پیدایش باب ۱ شماره ۲۶.

۳ - صفحه ۱۱۴.



جمادات را برای او خلق کرده و او را بر آنها مسلط فرموده است. و در دین مسیحیت به چیزی که برای انسان بیشتر از هر چیز مورد توجه واقع شده رسیدن به کمالات روحی و متخلّق شدن به اخلاق و صفات الهی است.

در اینجا عیناً می بینیم که اسلام هم همین مطلب را درباره مقام انسان بیان کرده و در قرآن فرموده: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ»<sup>(۱)</sup> که این آیه و آیاتی مشابه آن که در قرآن بسیار است به ما می گوید: «نظر اسلام درباره انسان این است که او بر سایر حیوانات و بلکه بر همه موجودات تسلط دارد و همه چیز را در این عالم خدای تعالی برای او خلق کرده است».

و در آیه ۷۰ سوره اسری می فرماید: «ما بنی آدم را اکرام کردیم و او را در بیابانها و دریا سیر دادیم و از خوردنیهای پاکیزه به او روزی نمودیم و بر بسیاری از مخلوقاتمان او را برتری دادیم».<sup>(۲)</sup> که این آیه مقام والا و افضلیت انسان را بر بیشتر از مخلوقات الهی معرفی فرموده و لطف و محبت خدای تعالی را نسبت به انسانها بیان می نماید.

و در جای دیگر قرآن عظمت و مقام انسان را مربوط به بندگی و

۱ - سوره جاثیه آیه ۱۲.

۲ - ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً﴾.



تقوی و علم و دانش او می‌داند آنجا که می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقوی‌ترین شما است»<sup>(۱)</sup> و می‌فرماید: و آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند مساوی هستند»<sup>(۲)</sup> و در جای دیگر کسانی را که دارای تقوی و علم و کمالات روحی نیستند از حیوانات پست‌تر دانسته و فرموده: «بدترین حیوانات نزد خدا آن انسانی است که کر و گنگ باشد و مطالب عقلی را درک نکند»<sup>(۳)</sup> و بلکه از نظر اسلام اساس خلقت بشر به خاطر ارتباط با خدای تعالی و بندگی او است آنجا که در قرآن فرموده: «من جنّ و انس را خلق نکردم مگر برای آنکه آنها مرا بشناسند و عبادتم را بکنند».<sup>(۴)</sup> و در احادیث اسلامی آمده که بشر باید متخلّق به اخلاق و صفات الهی گردد و ضروری‌ترین وظایفش این است که تزکیه نفس کند و خود را به مقام خلیفه اللهی برساند.

بنابراین همان گونه که در کتاب مقدّس بشر را به خاطر ارتباطش با خدا و متخلّق شدنش به اخلاق الله و متّصف شدنش به صفات پروردگار برترین و والاترین موجودات در عالم خلقت

۱ - سوره حجرات آیه ۱۳: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰیكُمْ﴾.

۲ - سوره الزمر آیه ۹: ﴿هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ﴾.

۳ - سوره انفال آیه ۲۷: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لَا یَعْقِلُونَ﴾.

۴ - سوره ذاریات آیه ۵۶: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لَیَعْبُدُونِ﴾.



می‌داند و او را مسلط بر سایر مخلوقات می‌شمارد، اسلام نیز چنانکه ملاحظه فرمودید همین اعتقاد را درباره انسان دارد و مقام انسان را والاتر از سایر موجودات می‌داند.

### احیای طبیعت و عمران زمین و سلامت محیط زیست

اسلام و مسیحیت معتقدند که چون انسان خلیفه الله است و باید متخلق به اخلاق الله باشد، یکی از مهم‌ترین وظایفش از اول خلقت تا بحال احیای طبیعت و حفظ منابع ارضی و عمران و آبادی زمین بوده است.

در کتاب مقدس آمده که: «خداوند تعالی انسان را برای آنکه کار زمین را بکند آفریده است»<sup>(۱)</sup>

پر واضح است که منظور از کار زمین، احیای طبیعت و کوشش برای اکتشافات و استخراج منابع ارضی و آبادی زمین است و باید انسانها بکوشند که آنچه مایه سلامت محیط زیست و آبادی است برای زمین به وجود بیاورند.

---

۱ - سفر پیدایش باب اول شماره ۶ و باب دوم شماره ۱۵، و آدمی نبود که کار زمین را بکند.... پس خداوند خدا آدم را از خاک زمین بسرشت - خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند.



اسلام هم به این موضوع بسیار اهمیت داده، آنجا که می‌گوید:  
«وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»<sup>(۱)</sup> زمین را برای بشر گذارده که کار آن را  
بکند و در آن اشجار و گیاهان و باغ و بوستان ایجاد نماید و خدا  
برای بشر زمین را محل آسایش قرار داده، آنچنان که گهواره محل  
استراحت طفل است.<sup>(۲)</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ  
فِيهَا».<sup>(۳)</sup>

از این آیه کاملاً استفاده می‌شود که خدای تعالی انسان را از  
زمین خلق کرده و از او می‌خواهد که زمین را آباد کند، پس آبادی  
زمین و احیای طبیعت و سلامت محیط زیست در اسلام از اهمیت  
خاصی برخوردار است.

در کتاب «تفسیر کبیر»، فخر رازی می‌نویسد: «جمعی از  
سلاطین ایران دارای طول عمر عجیبی بودند، یکی از پیامبران  
زمانشان، از خدای تعالی سؤال کرد که: علّت طول عمر اینان  
چیست؟ خدای تعالی فرمود: آنها شهرها و مملکت‌ها را آباد  
می‌کنند و طبیعت را احیا می‌نمایند و محیط زیست را سالم نگه  
می‌دارند».

۱ - سوره رحمن آیه ۱۰.

۲ - سوره نبا آیه ۷: ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾.

۳ - سوره هود آیه ۶۵.



## حکومت انسان کامل بر جهان

طبیعی است که در این صورت یعنی چون بشر برای عمران و احیای زمین و به خاطر آنکه خدای تعالی او را مسلط بر تمامی موجودات عالم قرار داده باید برای او حاکمیتی هم در نظر گرفته باشد و بدون تردید حاکمیت بدون قوانین جامعی که همه مردم آن را بپذیرند و به آن عمل کنند نمی‌تواند تحقق پیدا کند و مسلم است که اکثریت افراد بشر یعنی معتقدین به مذاهب بزرگ جهان تنها به قوانین الهی و حاکمیتی که از ناحیه او باشد تن داده و رضایت می‌دهند.

بنابراین، پروردگار متعال از روز نخست که بشر را بر روی زمین خلقت فرمود و او را جانشین خود قرار داد و به او دستور فرمود که کار زمین را بکند و در عمران و آبادی زمین بکوشد، هدفش این بوده که حکومت واحد جهانی به وسیله انسان کامل بر سراسر جهان مستقر فرماید تا هیچگونه اختلاف و نزاع و فساد و بوجود نیاید و مردم با کمال آرامش و صلح و صفا گرد یکدیگر زندگی کنند.

من در کتاب «مصلح غیبی» صفحه ۱۹، توضیح داده‌ام که نه تنها مذاهب بزرگ عالم، بلکه تمامی مردم جهان بالاخص دانشمندان و فلاسفه عالم همیشه آرزوی حکومت واحد جهانی را داشته و در پی



بوجود آوردن آن تلاشهایی هم کرده‌اند.

بنابراین، آنچه را که من در این سمپوزیوم می‌خواهم اثبات کنم این است که بالأخره باید روزی دین بر جهان حکومت کند زیرا هدف خدای تعالی از خلقت انسان در روی زمین، جز آبادی و حکومت او بر زمین نبوده و از نظر عقل و دانشمندان بزرگ جهان بشریت بدون حکومت واحد جهانی که از جانب پروردگار مقرر شده باشد روی سعادت را نخواهد دید.

ما در این سمپوزیوم به یاری پروردگار اثبات می‌کنیم که اسلام و مسیحیت متفقاً با هم وعده این حکومت را به بشریت داده و حتی متذکر شده‌اند که شخصی به نام حضرت «مهدی» و یا «قائم» و یا «پسر انسان» و یا «شیلو» و یا «روح راستی» و یا «تسلّی دهنده» و یا «رهاننده» و یا «روح خدا» (که همه اینها نام یک شخص است) می‌آید و این حکومت را مستقر خواهد کرد.

### قرآن و وعده حکومت واحد جهانی

در آیات بسیاری از قرآن کریم خدای تعالی وعده حکومت دین را بر جهان داده و این امر را از بدیهیات دینی دانسته است.

۱ - در سوره توبه آیه ۳۳ می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ



بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>(۱)</sup> این آیه که وعده حکومت و غلبه دین حق را بر تمام روشهای حکومتی جهان و ادیان مختلف عالم داده، در سه سوره قرآن (سوره فتح و سوره صف و سوره نور) به همین عبارت تکرار شده و این حقیقت را کاملاً تأکید نموده است.

۲- در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می فرماید: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» این آیه که وعده مالکیت و حکومت زمین را به صالحین داده به مضامین مختلف تکرار شده که منجمله فرموده: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>(۲)</sup> و یا فرموده: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>(۳)</sup> در این آیات خدای تعالی وعده حکومت صالحین و آنهایی که بنای ظلم را نداشته و پیرو عدل و داد بوده اند داده و آنها را وارث و خلیفه خود در زمین برای پیاده کردن حکومت واحد جهانی معرفی فرموده است.

۱- او است که فرستاده، رسولان خود را با راهنمایی و روش و دین حق برای آنکه آن مجموعه قوانین که نامش دین است بر همه روشهای دیگر برتری دهد و لو آنکه مشرکان نخواسته باشند.

۲- سوره نور آیه ۵۵.

۳- سوره قصص آیه ۵.



## کتاب مقدس و وعده حکومت واحد جهانی

در سرتاسر کتاب مقدس از صلح و امنیّت و حکومت دین بر جهان، در آخر الزّمان خبر داده شده که اگر بخواهم آنها را مشروحاً بیان کنم، کتاب مفصّلی خواهد شد.

و اگر کسی در کتاب مزامیر (یعنی زبور داود) مراجعه کند به فراوانی مشاهده خواهد کرد که بسیار، از حکومت و سلطنت الهی و دین بر جهان یاد شده و حتّی در بعضی از قسمتهای آن از مردم جهان و از پیروان دین درخواست شده که این حکومت را تبلیغ کنند و مردم را آماده حکومت الهی بر جهان بنمایند. چنانکه در مزبور نود و ششم می‌گوید:

«در میان امّت‌ها گوئید خداوند سلطنت می‌گیرد، ربع مسکونی پایدار می‌شود و جنبش نخواهد خورد، قومها را به انصاف داوری خواهد نمود، آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و پری آن غرّش نماید، صحرا و هر چه در آن است به وجد آید، آنگاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهند کرد؛ زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد».



## مصلح کل و مجری حکومت الهی در جهان کیست؟

همان گونه که در بالا متذکر شدیم اسلام و مسیحیت متفقاً با هم از مصلحی که دارای شرایط زیر است خبر داده و او را فرستاده الهی و نماینده پیامبران گذشته و برقرارکننده حکومت عدل جهانی می دانند و ما در این مقاله آنچه را که در معرفّی این شخص کتب اسلامی بیان کرده و با کتب مسیحی توافق دارند نقل می کنیم و به نظر ما عمده مطلب باید در این بخش ذکر شود زیرا آنچه را که اسلام و مسیحیت درباره او معتقدند و نشانه هایی که از او بیان کرده اند بسیار در خور اهمیت بلکه سرنوشت ساز آینده بشریت است و ضمناً باید متوجّه این نکته بود که وجود مصلح جهانی، از اعتقادات چهار دین بزرگ جهان (اسلام، مسیحیت، یهودیت و زردشتیت) است که حدوداً سه میلیارد از جمعیت کره زمین را امروز تشکیل می دهند می باشند و لذا باید آمادگی کاملی در مردم برای استقبال از این حادثه بزرگ تاریخ بوجود آورد و از آن غفلت ننمود، اگرچه خوشبختانه دنیای امروز بیشتر از گذشته به این حقیقت توجه کرده و خود را برای پذیرفتن حکومت عدل الهی آماده ساخته ولی در مقابل در همین زمان جمعی که به باطل وجود مصلح جهانی را معارض منافع خود می دانند مشغول تبلیغات ضدّ او



شده و حتّی صراحتاً می‌گویند: «باید کاری کرد که مانع از آمدن او، بشود».

از باب نمونه در فیلمی که اخیراً به نام پیشگویی‌های «نوستر آداموس» که به زبانهای مختلف دوبله شده وقتی آداموس از آمدن یک فرد از نسل پیامبران از جزیره العرب خبر می‌دهد و می‌گوید: «او بر دنیا مسلط می‌شود»، سخنگوی آن فیلم، مصلح جهانی را ضدّ مسیح و برهم زننده عالم و خراب کننده جهان معرفّی می‌نماید و به صراحت می‌گوید: «باید کاری کرد که این مسأله پیش نیاید و او نتواند ممالک بزرگ مثل آمریکا و فرانسه را از بین ببرد و مسیحیت را نابود کند!!» ولی طرفداران ادیان بزرگ جهان می‌دانند که مجری حکومت عدل الهی ضدّ مسیح نبوده و بلکه او حضرت مسیح را روح الله و کلمه الله می‌داند و حضرت عیسی با او همراهی می‌کند و از آسمان به زمین می‌آید و به او کمک می‌نماید و مصلح جهانی برای برقراری عدالت و رفع ظلم می‌آید و او محال است که خودش برهم زننده عالم و خراب کننده جهان باشد.

بر این اساس در مقاله‌ای که در سمپوزیوم یونان ارائه شد خصوصیات مصلح جهانی را بنحو زیر از کتاب مقدّس و قرآن بیان نمودیم.

در ابتدا کلماتی از کتاب مقدّس که صفات و خصوصیات



مصلح جهانی را بیان کرده نقل می‌کنیم و سپس آنها را با قرآن و  
مصادر اسلامی تطبیق می‌کنیم.

## صفات مصلح جهانی از کتاب مقدس

۱ - در کتاب تورات در سفر پیدایش شماره ۴۹ - ۱۰  
می‌گوید:

«عصای قدرت و سلطنت از یهود، دور نخواهد  
شد و نه فرمان فرمائی از میان پاهای وی، تا (شیلو)<sup>(۱)</sup>  
بیاید و او را اطاعت امتها خواهد بود».

۲ - در انجیل یوحنا باب ۱۴ شماره ۱۶ آمده:

«من از پدر خواهم خواست و «تسلی دهنده»  
دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند  
یعنی «روح راستی» که جهان نمی‌تواند او را قبول کند  
زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد اما شما او را  
می‌شناسید زیرا که با شما می‌ماند و در میان شما  
خواهد بود».

۳ - در انجیل یوحنا (باب ۱۵ شماره ۲۷) می‌گوید:

«لیکن چون «تسلی دهنده» که او از جانب پدر

---

۱ - کسی که داری حق است و صلح و سلامتی می‌آورد. (قاموس کتاب مقدس)



نزد شما آید یعنی «روح راستی» که از پدر صادر  
می‌گردد او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز  
شهادت خواهید داد».

#### ۴- و در انجیل یوحنا (باب ۱۶ شماره ۷) می‌گوید:

«راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید  
است زیرا اگر نروم «تسلی دهنده» نزد شما نخواهد آمد  
اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم و چون او آید  
جهان را بر گناه و عدالت داوری و ملزم خواهد نمود  
اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورید و اما بر  
عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا  
نخواهید دید و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این  
جهان حکم شده است و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم  
به شما بگویم لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید و  
لیکن چون او یعنی «روح راستی» آید شما را به جمیع  
راستیها هدایت خواهد کرد زیرا که او از خود تکلم  
نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت  
و از امور آینده به شما خبر خواهد داد او  
مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است  
خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد هر چه از آن  
پدر است از آن من است از این جهت گفتم که از آنچه



آن من است می گیرد و به شما خبر خواهد داد».

## ۵- در انجیل متی باب ۲۴ شماره ۲۷ می گوید:

«هم چنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به  
مغرب ظاهر می شود ظهور «پسر انسان» نیز چنان  
خواهد شد... آنگاه علامت «پسر انسان» در آسمان  
پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی  
کنند و «پسر انسان» را ببینند که بر ابرهای آسمان با  
قوّت و جلال می آید<sup>(۱)</sup> اما از آن روز و ساعت هیچ  
کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان<sup>(۲)</sup> لهذا شما نیز  
حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان ندارید «پسر  
انسان» می آید<sup>(۳)</sup>

## ۶- در انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۲۶ می گوید:

«آنگاه «پسر انسان» را ببینید که با قوّت و جلال  
عظیم بر ابرها می آید در آن وقت فرشتگان خود را از  
جهات اربعه از انتهای زمین تا اقصای فلک فراهم  
خواهد آورد<sup>(۴)</sup>... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر

۱- انجیل متی باب ۲۴ شماره ۳۰.

۲- انجیل متی باب ۲۴ شماره ۳۶.

۳- انجیل متی باب ۲۴ شماره ۴۴.

۴- انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۱۹.



هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر  
هم، پس در حذر باشید و بیدار شده و دعا کنید زیرا  
نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود<sup>(۱)</sup>... پس بیدار باشید  
زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید در  
شام، یا نصف شب، یا با بانگ خروس، یا صبح، مبادا  
ناگهان آمده شما را خفته یابد اما آنچه به شما می‌گویم  
و به همه می‌گویم بیدار باشید<sup>(۲)</sup>

۷- و در انجیل لوقا باب ۱۲ شماره ۴۰ می‌گوید:

«پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که  
گمان نمی‌برید «پسر انسان» می‌آید».

۸- و در همین کتاب باب ۲۱ می‌گوید:

«زلزله‌های عظیم در جایها و قحطیها و وباها  
پدید می‌آید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از  
آسمان ظاهر خواهد شد.... اورشلیم پایمال امّتها  
خواهد شد تا زمانهای امّتها به انجام رسد و در آفتاب و  
ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و  
حیرت از برای امّتها روی خواهد نمود.... و دل‌های مردمان  
ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر

۱- انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۳۲.

۲- انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۳۵.



ربع مسکون ظاهر می شود و آنگاه «پسر انسان» را  
خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوّت و جلال  
عظیم می آید».

۹ - در زبور «داود» از کتاب مقدّس در مزمور ۳۷ پس از  
آنکه حضرت داود را از آزار اشرار و اذیت بدکاران  
تسلی می دهد می گوید:

«شریران منقطع خواهند شد و امّا منتظران  
خداوند وارث زمین خواهند شد».

۱۰ - و در همین کتاب مزمور ۲۷ می گوید:

«ای خدا احکام خود را به ملک زاده عطا فرما.  
تا آنکه قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به  
انصاف حکم نماید».  
«به قوم کوهها سلامت و کریوهها عدالت  
برساند».

«فقریان قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را  
نجات دهد و ظالم را بشکند».  
«تا باقی ماندن آفتاب و ماه دور به دور از تو  
بترسند».

«بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطاری که  
زمین را سیراب می گرداند خواهد بارید».  
«در روزهایش صدیقان شکوفه خواهند نمود و



زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه (خواهد بود).  
«از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین  
سلطنت خواهد نمود».  
«صحرائشینان در حضورش خم خواهند شد و  
دشمنانش خاک را خواهند بوسید».  
«ملوک ترشیش و جزیره‌ها هدیه‌ها را خواهند  
آورد و پادشاهان شبا و سبا پیشکش‌ها تقریب خواهند  
نمود».  
«بلکه تمامی ملوک به او کرنش خواهند نمود و  
تمامی امم او را بندگی خواهند کرد».  
«زیرا که فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکینی  
که نصرت‌کننده ندارد خلاصی خواهد داد».  
«به ذلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جانهای  
مسکینان را نجات خواهد داد».  
«جان ایشان را از ستم و ظلم نجات خواهد داد  
و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود».  
«و زنده مانده «زرشبا» به او بخشیده خواهد شد  
و از برایش همیشه دعا کرده خواهد شد و به او هر  
روزه برکت خواسته خواهد شد».  
«در زمین به سرکوه‌ها مشتی غله کاشته می‌شود



که محصلش مثل لبنان متحرک شده اهل شهرها مثل  
گیاه زمین شکوفه خواهند نمود».

«اسم او ابداً بماند و اسمش مثل آفتاب باقی  
بماند در او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبایل  
او را خجسته خواهند گفت».

«خداوند خدا خدای اسرائیل مبارک باد که به  
تنها عجایبات را می نماید».

«بلکه اسم ذوالجلالش ابداً مبارک باد و تمامی  
زمین از جلالش پر شود آمین و آمین».

۱۱ - در زبور داود از کتاب مقدس مزمو ۳۷ می گوید:

«هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود و اما  
حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی  
متلذذ خواهند گردید، صالحان را خداوند تأیید می کند،  
خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان  
ابدی خواهد بود، آنانی که از وی برکت یابند وارث  
زمین گردند و آنانی که ملعون وی هستند منقطع  
خواهند شد».

«صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد  
سکونت خواهند نمود و عاقبت، شریران منقطع  
خواهند شد...».



«نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش، منتظر  
خداوند باش و طریق او را نگهدار تا تو را به وراثت  
زمین برافرازد».

۱۲ - در کتاب زبور داود مزمور ۹۶ شماره ۹ - ۱۳ می‌گوید:

«خداوند را در زینت، قدّوسیّت پرستیده‌ای  
تمامی زمین از حضور وی بلرزید در میان امّت‌ها گوئید  
خداوند سلطنت گرفته است ربع مسکون نیز پایدار  
شد و جنبش نخواهد خورده قوما را با انصاف داوری  
خواهد نمود، آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد  
دریا و پری آن غرّش نماید صحرا و آنچه در آن است  
به وجد آید آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند  
نمود به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای  
داوری جهان می‌آید ربع مسکون به انصاف داوری  
خواهد کرد و قوما را به امانت خود».

۱۳ - و در مزمور ۹۷ می‌گوید:

آسمانها عدالت او را اعلام می‌کنند و جمیع  
قوما جلال او را می‌بینند پرستندگان بتهای تراشیده  
خجل می‌شوند.

۱۴ - در کتاب دانیال باب ۱۲ می‌گوید:

در آن زمان، امیر عظیمی که برای قوم تو «قائم»



است خواهد برخاست و چنان زمان ننگی خواهد شد  
که از حینی که امتی بوجود آمده است تا امروز نبوده و  
در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت  
شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنان که در خاک  
زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد اما اینان به جهت  
حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت  
جاودانی و حکیمان مثل روشنائی افلاک خواهند  
درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری  
می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد.  
اما تو ای دانیال کلام مرا مخفی بدار و کتاب را تا  
زمان آخر مهر کن بسیاری به سرعت تردد خواهند  
نمود و علم افزوده خواهد گردید.

۱۵ - و در کتاب دانیال از کتاب مقدس باب ۷ آمده که:

«پسر انسان» با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و  
جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قومها و امتها و  
زبانها او را خدمت نمایند.

۱۶ - در کتاب اشعیای نبی باب ۱۱ از یک «رهاننده» که

خواهد آمد سخن رفته که:

روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت و خوشی



او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم  
خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خود  
تنبیه نخواهد نمود بلکه مسکینان را به عدالت داوری  
خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم  
خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده،  
شریران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت و کمربند  
کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت و  
گرگ با برّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله  
خواهد خوابید و گوساله با شیر و پرواری با هم زندگی  
می‌کنند و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با  
خرس خواهد چرید... و در تمام کوه مقدّس من ضرر  
و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند  
پر خواهد بود مثل آبھائی که دریا را می‌پوشاند.

۱۷- در کتاب صفیای نبی از عهد عتیق باب ۳ شماره ۸-۹

می‌گوید:

خداوند می‌گوید برای من منتظر باشید زیرا  
قصد من این است که امتها را جمع نمایم و ممالک را  
فراهم آورم در آن زمان زبان پاک به امتها باز خواهم داد  
تا جمیع ایشان اسم «یهوه» (خدا) را بخوانند و به یک  
دل او را عبادت نمایند.



۱۸- در کتاب حبقوق نبی از کتاب مقدس باب ۲ می گوید:

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش زیرا که  
البته می آید و درنگ نخواهد نمود بلکه جمیع امتها را  
نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشتن  
فراهم می آورد.

۱۹- در کتاب زکریای نبی باب ۱۴ می گوید:

اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میانست  
تقسیم خواهد شد و جمیع امتها را به ضد اورشلیم  
برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت  
و خانه ها را تاراج خواهند نمود و آن یک روز معروف  
خداوند خواهد بود و «یهوه» (خدا) بر تمامی زمین  
پادشاه خواهد بود.

### برداشتهایی از مطالب فوق

از عبارات بالا مطالب زیر استفاده می گردد:

یک- شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل  
حکومت جهانی به نام «شیلو»، یا «روح راستی»، یا  
«تسلی دهنده»، یا «روح خدا» و یا «پسر انسان» خواهد آمد و  
مسیحیت انتظار او را دارد. چنانکه از تمامی عبارات کتاب  
مقدس که در بالا نقل شد استفاده می گردد.



**دو -** قبل از آمدن او جنگهای عالمگیر، خاصه در منطقه فلسطین روی می‌دهد که همه را به وحشت می‌اندازد که چنان مصیبت بزرگی در عالم واقع نشده.<sup>(۱)</sup>

**سه -** همه ملت‌های جهان و تمامی مردم دنیا از او پیروی می‌کنند و زیر نفوذ او خواهند بود و او بر جهان حکومت خواهد کرد و او رئیس جهان خواهد بود و سلطنت او در ربع مسکونی مستقر خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

**چهار -** جهان فعلی به خاطر عدم رشد فکری و یا جهل و نادانی و فرو رفتن در خواب غفلت نمی‌تواند او را قبول کند یعنی لزوم وجود او را نمی‌تواند احساس نماید.<sup>(۳)</sup>

**پنج -** او در عین آنکه همیشه با مردم جهان خواهد بود مردم جهان او را نمی‌بینند و اگر ببینند او را نمی‌شناسند یعنی ممکن است در بین مردم زندگی کند ولی او را نشناسند و ندانند که او روزی قیام خواهد کرد و تشکیل حکومت جهانی را خواهد داد.<sup>(۴)</sup>

**شش -** اصحاب و یاران و کسانی که تزکیه نفس کرده‌اند و

۱ - چنانکه از کتاب زکریای نبی باب ۱۴ استفاده می‌شود.

۲ - چنانکه از شماره ۱۰ از باب ۴۹ پیدایش و باب ۱۶ انجیل یوحنا و باب ۲۴ انجیل

متی و زبور داود مزمو ۹۶ شماره ۹ - ۱۳ استفاده می‌شود.

۳ - چنانکه از باب ۱۴ انجیل یوحنا استفاده می‌شود.

۴ - چنانکه از باب ۱۴ انجیل یوحنا استفاده می‌شود.



لیاقت محضرش را دارند او را می بینند و او را می شناسند و او همیشه با آنها همراه است.<sup>(۱)</sup>

هفت - قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم و جور می شود و سراسر جهان را ظالمین و ستمگران احاطه می کنند.<sup>(۲)</sup>

هشت - او مردم را به عدالت ملزم می کند و خودش به عدالت دآوری می نماید<sup>(۳)</sup>

نه - او ظلم و ستم را از روی زمین محو می کند و نمی گذارد احدی به کسی ظلم کند و اثری از ظالمان و تجاوزگران بر روی زمین باقی نمی ماند.<sup>(۴)</sup>

ده - روح خدای تعالی بر او قرار گرفته و او هر کاری که می کند با اراده الهی می باشد و او بنده واقعی خدای تعالی است.<sup>(۵)</sup>

یازده - او از خود تکلم نمی کند و روی هوای نفس خود حرف نمی زند و بلکه آنچه از خدای تعالی و پیامبران شنیده است سخن خواهد گفت.<sup>(۶)</sup>

۱ - چنانکه از باب ۱۴ انجیل یوحنا استفاده می شود.

۲ - چنانکه از کتاب دانیال باب ۱۲ استفاده می شود.

۳ - چنانکه از کتاب اشعیای نبی و باب ۱۶ انجیل یوحنا و زبور داود مزمور ۹۶ شماره ۱۰ - ۱۳ استفاده می شود.

۴ - چنانکه از باب ۱۱ کتاب اشعیای نبی استفاده می شود.

۵ - چنانکه از باب ۱۱ کتاب اشعیای نبی استفاده می شود.

۶ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.



**دوازده -** او وقتی بیاید مردم دنیا را به جمیع راستیها هدایت خواهد نمود.<sup>(۱)</sup>

**سیزده -** او وقتی بیاید ثروت زمین را استخراج می کند.<sup>(۲)</sup>

**چهارده -** او وقتی بیاید مردم را از جمیع حقایق مطلع می نماید و علم افزوده خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

**پانزده -** در زمان او حکیمان پر ارزش می گردند و راهنمایان و مبلغین به دین حق و عدالت مثل ستارگان می درخشند.<sup>(۴)</sup>

**شانزده -** در زمان او و با راهنمایی های او محیط زیست سالم و علم طب کامل خواهد شد و تمام مردم از سلامتی متلذذ می گردند.<sup>(۵)</sup>

**هفده -** او جهان را از معرفت خدای تعالی پر خواهد کرد و مردم دنیا همه خداشناس خواهند شد.<sup>(۶)</sup>

۱ - چنانکه از زبور داود مزمور ۳۷ و کتاب دانیال باب ۱۲ استفاده می شود.

۲ - چنانکه از زبور داود مزمور ۳۷ و کتاب دانیال باب ۱۲ استفاده می شود.

۳ - چنانکه از زبور داود مزمور ۳۷ و کتاب دانیال باب ۱۲ استفاده می شود.

۴ - چنانکه از زبور داود مزمور ۹۶ شماره ۹ - ۱۳ استفاده می شود.

۵ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.

۶ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.



**هیجده -** او مردم دنیا را از امور آینده با خبر خواهد کرد زیرا به جمیع علوم اولین و آخرین احاطه دارد و از غیب مطلع است.<sup>(۱)</sup>

**نوزده -** خوشی و کمال او در ترس از خدا است و چون خداشناس تر است از خدا بیشتر می ترسد.<sup>(۲)</sup>

**بیست -** او به واقعیتهای حکم می کند و هیچ گونه تقیّه و ملاحظه ای در کار ندارد و بخصوص درباره مظلومان به راستی حکم خواهد کرد.<sup>(۳)</sup>

**بیست و یک -** او حضرت عیسی را جلال خواهد داد و او را از تمام اتهاماتی که دشمنان او و یا دوستان نادان او به او بسته اند نجات می دهد.<sup>(۴)</sup>

**بیست و دو -** به پیامبری حضرت عیسی شهادت می دهد.<sup>(۵)</sup>

**بیست و سه -** حضرت عیسی با او خواهد بود.<sup>(۶)</sup>

**بیست و چهار -** مردم مسیحی قبل از دیگران به حقانیت او شهادت می دهند.<sup>(۷)</sup>

۱ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.

۲ - چنانکه از کتاب اشعیای نبی باب ۱۱ استفاده می شود.

۳ - چنانکه از کتاب اشعیای نبی باب ۱۱ استفاده می شود.

۴ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.

۵ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.

۶ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.

۷ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.



**بیست و پنج -** وقتی او بیاید همه اضداد در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی می کنند حتی درندگان و حیوانات مودی کوچکترین آسیبی به حیوانات اهلی نمی زنند.<sup>(۱)</sup>

**بیست و شش -** او قدرتمندترین ابرقدرتها را سرکوب می کند و به طور کلی اشرار را از بین می برد و اثری از آنها باقی نمی گذارد.<sup>(۲)</sup>

**بیست و هفت -** بعد از ظهور او صالحان و صدیقان و حلیمان وارث زمین می شوند و جهان و آنچه در او است به آنان تعلق خواهد گرفت.<sup>(۳)</sup>

**بیست و هشت -** همه باید منتظر او باشند زیرا وقت ظهورش مشخص نیست.

حتی ملائکه آسمانها هم نمی دانند و بالأخره جز خدای تعالی کسی از آمدنش اطلاع ندارد، بنابر این باید همه بیدار باشند و آمدنش را انتظار داشته باشند.<sup>(۴)</sup>

۱ - چنانکه از کتاب اشعیای نبی باب ۱۱ استفاده می شود.

۲ - چنانکه از زبور داود مزمو ۳۷ استفاده می شود.

۳ - چنانکه از زبور داود مزمو ۳۷ استفاده می شود.

۴ - چنانکه از انجیل یوحنا باب ۱۶ و باب ۱۵ شماره ۲۶ استفاده می شود.



**بیست و نه -** بسیاری از مردمی که از دنیا رفته‌اند و اسیر خاک گردیده‌اند در آن موقع بیدار می‌شوند و به دنیا بر می‌گردند و به اصطلاح رجعت می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

**سی -** همه چیز در اختیار او قرار خواهد گرفت و او بر ابرهای آسمان با قوّت و جلال خواهد آمد.<sup>(۲)</sup>

**سی و یک -** وظیفه مردم در زمان غیبت او این است که برای ظهورش دعا کنند و همیشه منتظر او باشند زیرا او ناگهانی خواهد آمد.<sup>(۳)</sup>

**سی و دو -** آمدن او دارای علائمی است و در آن زمان علامت «پسر انسان» در آسمان هم پدید می‌گردد.<sup>(۴)</sup>

این بود آنچه از کتاب مقدّس بخصوص کتاب انجیل که در بالا نقل شد درباره کسی که عهده‌دار اصلاح جامعه بشری و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی و برقرار کننده عدل و داد در سراسر کره زمین است استفاده گردید.

۱ - چنانکه از انجیل متی باب ۲۴ شماره ۲۷ استفاده می‌شود.

۲ - چنانکه از انجیل متی باب ۲۴ شماره ۲۷ استفاده می‌شود.

۳ - چنانکه از انجیل مرقس باب ۱۳ استفاده می‌شود.

۴ - چنانکه از انجیل لوقا باب ۱۲ شماره ۶۰ استفاده می‌شود.



استاد سید حسن ابطحی در حال سخنرانی (نقل از مجله یونانی)



## اما آنچه اسلام در این خصوص فرموده است:

مقدمتاً باید دانست که اسلام بعثت انبیای عظام (علیهم السّلام) را به خاطر برقراری حکومت واحد جهانی و عدالت اجتماعی و القای هر نوع امتیاز اعتباری می‌داند. و همیشه وعده داده که هر زمان جهان بشریت آماده پذیرش این حکومت گردید خدای تعالی آن را برقرار خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد فرمود. و اسلام صریحاً فرموده که روزی این وعده الهی تحقق پیدا خواهد کرد.

و قرآن در سه مورد وعده کرده که دین حق و قوانین الهی بر تمام ادیان و قوانین غیر الهی غلبه کرده و حکومت الهی بر سراسر گیتی حکم فرما خواهد شد اگر چه بی‌دینان و بد سیرتان نخواسته باشند چنانکه در بالا شرح آن آیات ذکر شد.<sup>(۱)</sup> و بالاخره دین مقدّس اسلام برای منجی عالم بشریت و برقرار کننده حکومت عدل الهی در سراسر عالم خصوصیات ذکر کرده که عیناً با همان خصوصیات که کتاب مقدّس مسیحیها برای او ذکر فرموده است تطبیق می‌کند.

۱ - سوره توبه آیه ۳۲، سوره فتح آیه ۱۸، سوره صف آیه ۹ که در صفحه ۷۲ ذکر شده است.



**یک -** در آیات و روایات اسلامی بسیار دیده می‌شود که شخصی در آخر الزمان به نام «مهدی» یا «قائم»، یا «بقیة الله» و یا «نورالله» و یا «حجة الغایب»، و یا «امام عصر» و یا «صاحب الزمان» و یا «خلیفة الله» و یا اسامی و صفات دیگر که هر یک در حقیقت نشانگر کار و یا خصوصیات است که در آن شخص وجود دارد و برای اصلاح جامعه بشریت و تشکیل حکومت واحد جهانی بعد از آنکه دنیا پر از ظلم و جور شده باشد خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.

**دوم -** تمام ملتهای روی زمین تسلیم او می‌گردند و او را به عنوان رهبر و راهنمای جهان بشریت قبول می‌کنند زیرا خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا».<sup>(۱)</sup>

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمود: زمانی که حضرت «قائم» قیام کند نقطه‌ای از زمین باقی نمی‌ماند جز آنکه اهلش به دین حق و اعتقادات صحیح اعتراف می‌کنند و زیر بار حکومت عدل الهی می‌روند.<sup>(۲)</sup>

**سوم -** از جایی که دانشمندان و متفکرین جهان در زمانهای مختلف به فکر حکومت واحد جهانی بوده و تنها سعادت

۱ - سوره آل عمران آیه ۷۸.

۲ - تفسیر عیاشی جلد ۱ صفحه ۸۳.



جامعه بشریت را منوط به تشکیل این نوع حکومت می دانسته و هر که متفکّرتر بوده به این نوع حکومت بیشتر فکر می کرده (که سیر تاریخی این تفکّر در کتاب «مصلح غیبی» ذکر شده است). واضح می شود که اگر همه مردم دنیا مانند این جمع قلیل از نظر فکری آمادگی پذیرفتن این حکومت را داشته باشند و دارای همین رشد فکری باشند زمینه ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) فراهم می گردد.

بنابر این تا زمانی که جامعه بشریت در خواب غفلت فرو رفته و لزوم ایجاد حکومت واحد جهانی را درک نکرده و آمادگی برای تشکیل این حکومت را ندارد، خدای تعالی به او اجازه قیام نمی دهد و او نمی تواند دنیا را پر از عدل و داد بنماید و این موضوع از عقائد مسلّمه مردم مسلمان است.

**چهارم -** یکی از نامهای او امام غائب و یا حجت غائب است و این موضوع از نظر مسلمانان و معتقدین به او مسلّم است و معنی و مفهوم این کلمه این است که او شناخته نمی شود و از میان مردم و ربیع مسکونی بیرون نیست قرآن در وصف مردم با تقوائی که قبل از ظهور او زندگی می کنند می گوید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ».<sup>(۱)</sup> امام صادق (علیه السلام) فرمود: منظور از غیب در

۱ - سوره بقره آیه ۳.



این آیه امام غائب است و در جای دیگر فرموده: جانم به قربان آن امامی که شناخته نمی شود و از دیده معرفت ما پنهان است ولی در میان ما هست.<sup>(۱)</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: امام عصر (علیه السلام) در زمان غیبت بین مردم و در بازارشان و روی فرشهایشان راه می رود ولی آنها او را نمی شناسند.<sup>(۲)</sup>

**پنجم -** جمعی از اصحاب که تعدادشان به سیصد و سیزده نفر می رسد و بعضی کسانی که لیاقت حضورش را دارند و یا خود آن حضرت صلاح بداند او را می بینند و او را می شناسند و بیشتر اوقات همراه او هستند و در هر کجا باشند خدای تعالی آنها را گرد یکدیگر وقت قیام آن حضرت جمع می کند چنانکه قرآن می فرماید: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».<sup>(۳)</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: این آیه درباره اصحاب حضرت قائم (علیه السلام) است آنها تعدادشان سیصد و سیزده نفر است و در زمان قیام آن حضرت در وقتی که فرمان ظهورش صادر می شود همچون ابر پائیزی گرد او جمع می گردند آنها

۱ - کمال الدین صفحه ۳۴۰ و دعای ندبه.

۲ - بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۹۵.

۳ - سوره بقره آیه ۱۴۸.



شبانۀ از رختخوابشان ناپدید شده و صبح زود در مگۀ دور آن حضرت جمع می شوند.<sup>(۱)</sup>

**ششم -** قبل از آمدن حضرت مهدی (علیه السلام) دنیا پر از ظلم و جور می گردد و ابرقدرتها اموال عمومی را غارت کرده و مسیر روحی و معنوی و افکار مردم را منحرف نموده و جامعۀ بشری را به بدبختی می کشانند چنانکه در دهها جملۀ پیشوایان اسلام گفته اند: که دنیا قبل از آمدن او پر از ظلم و جور می گردد «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» که در کتاب «منتخب الاثر» این روایت به اسناد مختلف نقل شده و ما در اینجا نیازی به نقل مدارک آنها مخصوصاً برای مسلمین نداریم.

**هفتم -** حضرت مهدی (علیه السلام) برای برقراری عدل قیام خواهد کرد و مردم را به عدالت ملزم خواهد نمود و خودش به عدالت داوری خواهد کرد.

چنانکه در احادیث بسیاری آمده که پیشوایان دین فرموده اند: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» که در اینجا نیز نیازی به نقل مدارک این حدیث بخصوص برای مسلمین ندارد.

**هشتم -** حضرت مهدی (علیه السلام) پس از ظهور در مدّت

۱ - کتاب غیبت نعمانی صفحه ۱۶۸.



کوتاهی ظلم و ستم را از روی زمین محو می کند و دنیا را از لوث وجود ظالمین و ستمگران بخصوص ابرقدرتهای بیدادگر پاک می نماید چنانکه امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه: «جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ»<sup>(۱)</sup> فرمود: وقتی حضرت قائم ظاهر شود دولتهای باطله از بین می روند و نیز در تفسیر آیه: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»<sup>(۲)</sup> فرمود: تفسیر و تأویل این آیه هنوز ظاهر نشده و زمانی که حضرت مهدی (علیه السلام) قیام کند، کسانی که او را درک می کنند می بینند و می فهمند معنی و مفهوم این آیه را و متوجه آن می شوند و دین حق، تبلیغ می شود و جنگ بر پا می گردد تا فتنه و بداندیشی و شرک و کفر از بین برود و دین تمامش مال خدا باشد.

**نهم -** او چون خلیفه الله است و او چون بقیة الله است و او چون حجت خدا است، روح خدا او را کمک می کند و از نظر مسلمین بخصوص مذهب شیعه هر یک از ائمه اطهار (علیهم السلام) مورد تأیید خدای تعالی بوده و روح الهی آنها را کمک می کند و آنها معصوم از گناه و اشتباهند و این موضوع به قدری مسلم است که نیازی به نقل مدارک ندارد.

**دهم -** او چون بنده واقعی خداوند است بدون اذن پروردگار

۱ - سوره اسراء آیه ۸۱.

۲ - سوره انفال آیه ۳۹.



حرفی نمی‌زند و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و آیه شریفه: «لَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» شامل همه معصومین می‌گردد زیرا آنها همه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اقتدا کرده و همانند او در تمام شئون طهارت و عصمت و پاکی هستند.

**یازدهم -** او وقتی ظاهر شود مردم عالم را به راستی‌ها هدایت کند، که این موضوع به فراوانی در کتب اسلامی دیده می‌شود.

**دوازدهم -** او وقتی بیاید سطح علوم را بالا می‌برد و زمین را با علم و دانش و نورش و نور خداوند روشن می‌کند، این موضوع در کتب اسلامی بسیار تأیید شده زیرا حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در تفسیر آیه: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۱)</sup> می‌فرماید: این فرد چهارمین فرزند من است او زمین را از هر جور و ستمی پاک می‌کند... و چون ظاهر شود زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود.<sup>(۲)</sup>

**سیزدهم -** او وقتی بیاید زمین بعد از آنکه در اثر کفر مرده است و برکتی ندارد حیات مجددی پیدا می‌کند چنانکه امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ

۱ - سوره زمر آیه ۶۹.

۲ - ینابیع الموده صفحه ۴۴۸.



مَوْتِهَا»<sup>(۱)</sup> فرمود: به وسیله حضرت قائم زمین زنده می شود بعد از آنکه به وسیله کفر جهانی مرده باشد و تمام منابع تحت الارضی استخراج می شود.<sup>(۲)</sup>

**چهاردهم -** او وقتی بیاید تمام منابع تحت الارضی استخراج می شود و زمین اشیاء قیمتی خود را از باطن خود خارج می کند زیرا خدای تعالی در قرآن می فرماید: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا».<sup>(۳)</sup>

**پانزدهم -** او حکماء و علمائی را که در زمان غیبت ضعیف بوده و مورد توجه ظالمین و ستمگران نبوده اند عزیز می کند و به آنها امکانات می دهد و کارهای مملکتی را به آنها وامی گذارد، چنانکه خدای تعالی می فرماید: ما وعده کرده ایم کسانی را که ایمان دارند و عمل صالح می کنند (که یقیناً شامل علماء و دانشمندان دینی و مذهبی هم می شود)، آنها را در روی زمین جانشین قدرتمندان ظالم و ستمگر کردیم، آنچنان که نمونه هائی در قبل نیز انجام داده ایم و صالحین را جانشین قدرتمندان ظالم و ستمگر کنیم و آنها را از راه و روشی که برای آنها پسندیده است تمکن بهره برداری داده شود و آنان بعد از

۱ - سوره حدید آیه ۱۷.

۲ - اکمال الدین جلد ۲ صفحه ۶۶۸.

۳ - سوره زلزال آیه ۲ و ۳.



آنکه دچار ترس و وحشت از ظالمین و ستمگران گردیده‌اند به امنیت و آرامش رسانده شوند.<sup>(۱)</sup>

که امام سجّاد و امام صادق (علیهما السّلام) فرمودند: که این آیه، مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السّلام) است.<sup>(۲)</sup>

و یکی از اسامی وی معزّالاولیاء است یعنی: کسی که دوستان و اولیاء خدا را عزیز می‌کند.<sup>(۳)</sup>

**شانزدهم -** چون اسلام معتقد است که در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السّلام) سطح علم و دانش بالا می‌رود و از علوم مهمّ‌ای که دین اسلام در ضمن آیات و روایات به آن بسیار اهمیّت داده علم طب و پاکیزگی و نظافت و حفظ سلامت محیط زیست است و چون حضرت مهدی (علیه السّلام) دقیقاً به دستورات اسلام مو به مو عمل می‌کند و بلکه او مجری دستورات اسلام است لذا بدون تردید او به مسأله علم طب و محیط زیست اهمیّت زیادی خواهد داد و این علوم را کاملاً توضیح خواهد داد.

۱ - سوره نور آیه ۵۵ ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾.

۲ - کتاب غیبت نعمانی صفحه ۱۲۶.

۳ - در دعای ندبه آمده: ای معزّالاولی‌آء.



**هفدهم - حضرت مهدی (علیه السلام)** به قدری مردم جهان را در معرفت خدای تعالی آگاه می سازد که قلب آنها مملوّ از محبّت خدای تعالی گشته و تنها او را عبادت می کنند، چنانکه امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»<sup>(۱)</sup> فرمود: خدای تعالی حضرت مهدی (علیه السلام).

را برای امر فرج حفظ فرموده و اگر تمام مردم از بین بروند و یا کافر بشوند خدای تعالی اصحاب او را می آورد و اینها کسانی هستند که خدا آنها را دوست دارد و آنها هم خدا را دوست دارند.<sup>(۲)</sup>

و از پیشوایان دین نقل شده که وقتی حضرت قائم (علیه السلام) قیام کند چیزی جز خدای تعالی عبادت نمی شود.<sup>(۳)</sup>

**هیجدهم - بدون تردید حضرت مهدی (علیه السلام)** از کسانی است که دارای علم غیب است زیرا از نظر اسلام و مردم مسلمان پیشوایان معصوم دین دارای علم غیب اند زیرا آنان فرموده اند: که منظور از آیه شریفه: «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»<sup>(۴)</sup> هر امامی است که در هر زمانی زمام امور مردم را به

۱ - سوره مائده آیه ۵۴.

۲ - تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۴۷۹.

۳ - محجة صفحه ۱۵۵.

۴ - سوره یاسین آیه ۱۲.



عهده می گیرد.

بنابراین، خدای تعالی به حضرت مهدی (علیه السلام) همه علوم را عنایت فرموده و او مردم را از آنها با خبر خواهد کرد.

**نوزدهم -** او چون خداشناس ترین افراد بشر است از خدا بیشتر از دیگران می ترسد زیرا خدای تعالی می فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»<sup>(۱)</sup> یعنی: دانشمندانی که خداشناسند از خدا می ترسند.

**بیستم -** یکی از چیزهایی که درباره حضرت مهدی (علیه السلام) مسلم است این است که تقیه نمی کند و به واقعیتها حکم می فرماید و کسی نمی تواند با او خدعه کند زیرا خدای تعالی می فرماید: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>(۲)</sup>.

یعنی: حضرت مهدی (علیه السلام) و اصحابش آنچنان خدای تعالی را عبادت می کنند که آنها هیچ گونه چیزی جز اوامر و نواهی پروردگار و قوانین مقدس او را در نظر نمی گیرند و کسی و یا مسأله ای را در مقابل او ملاحظه نمی کنند و چیزی را شریک او قرار نمی دهند.

**بیست و یکم -** حضرت عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و با حضرت مهدی (علیه السلام) نماز می خواند.  
چنانکه امام صادق (علیه السلام) در روایتی به این معنی اشاره

۱ - سوره فاطر آیه ۲۵.

۲ - سوره نور آیه ۵۵.



فرموده است.

**بیست و دوم -** وقتی مسیحیان حضرت عیسی را با حضرت مهدی (علیه السلام) ببینند آنها از اولین کسانی هستند که به آن حضرت ایمان می‌آورند.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»<sup>(۱)</sup> فرمود: هیچ یک از مسیحیان نیستند مگر آنکه به حضرت عیسی در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) قبل از مرگشان ایمان می‌آورند زیرا آن حضرت را می‌بینند که با حضرت مهدی (علیه السلام) نماز می‌خواند.

**بیست و سوم -** وقتی او بیاید همه مردم دنیا با صلح و صفا در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند زیرا در ابتدا آن حضرت بر آنها از روی عدالت حکومت می‌کند و سپس اخوت اسلامی و صفا و ایثارگری را برقرار می‌نماید و ناگفته پیداست که عدل و داد و انصاف در وقتی باید باشد که قبل از آن ظلم و ستم وجود داشته باشد و چون دنیا پر از ظلم و جور بوده حضرت مهدی (علیه السلام) آن را پر از عدل و داد می‌نماید، ولی زمانی که مردم صد در صد به دستورات اسلام آن هم از روی ایمان و اعتقاد عمل کنند و در قرآن بخوانند که همه مؤمنین با هم برادرند و نیز بخوانند که مؤمنین باید ایثارگر باشند به هیچ وجه ظلم و تجاوز به حقوق

۱ - سوره نساء آیه ۱۵۹.



دیگران باقی نمی ماند تا نیازی به انصاف و عدل و داد باشد و این صفا و صمیمیت در زمان ظهور آن حضرت بین مردم دنیا برقرار می گردد.

**بیست و چهارم -** حضرت مهدی (علیه السلام) ولی مقتولین مظلوم است و طلب خون آنها را از ظالمین و ستمگران می کند چنانکه خدای تعالی در قرآن می فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»<sup>(۱)</sup> که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ذلک قائم آل محمد (علیه السلام)»<sup>(۲)</sup> یعنی: کسی که ولی مقتولین مظلوم است.

حضرت مهدی (علیه السلام) است او قدرتمندان را سرکوب می کند و اشرار را از بین می برد، تا بتواند عدل و داد برقرار کند.

**بیست و پنجم -** او تمام زمین را فتح می کند زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: حضرت مهدی کسی است که خدای تعالی به وسیله او مشرق تا به مغرب عالم را فتح می فرماید.<sup>(۳)</sup>

و امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>(۴)</sup> فرمود خدای تعالی حضرت مهدی (علیه السلام) و

۱ - سوره اسراء آیه ۳۳.

۲ - المحجة صفحه ۱۲۷.

۳ - المحجة صفحه ۵۷.

۴ - سوره حج آیه ۴۱.



اصحابش را مالک شرق و غرب عالم می کند.<sup>(۱)</sup>  
او و اصحابش وارث زمین می شوند زیرا خدای تعالی  
فرموده: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ»<sup>(۲)</sup> و امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه  
شریفه فرمودند: که منظور از بندگان صالح خدا حضرت قائم و  
اصحابش می باشند.<sup>(۳)</sup>

و در تفسیر آیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ»<sup>(۴)</sup>.  
فرمود: منظور از این آیه حضرت مهدی (علیه السلام) است.  
**بیست و ششم** - همه مردم باید منتظر او باشند، زیرا وقت  
ظهورش مشخص نیست و جز خدای تعالی کس دیگر زمان  
ظهورش را نمی داند.  
امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه: «أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ  
نَهَارًا»<sup>(۵)</sup>.

فرمود: منظور از امر الهی ظهور حضرت قائم (علیه السلام)  
است که با شمشیر ناگهانی خروج می کند.<sup>(۶)</sup>  
و در تفسیر آیه شریفه: «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ

۱ - المحجة صفحه ۱۴۳.

۲ - سوره انبیاء آیه ۱۰۵.

۳ - مجمع البیان جلد ۷ صفحه ۶۶.

۴ - سوره زمر آیه ۷۴.

۵ - سوره یونس آیه ۲۴.

۶ - المحجة صفحه ۹۸.



مِنْ الْمُنتَظَرِينَ»<sup>(۱)</sup> فرمود: منظور از غیب همان حِجَّة قائم (علیه السَّلام).  
است که همه باید انتظارش را بکشند.<sup>(۲)</sup>

**بیست و هفتم -** مسأله رجعت یعنی برگشت روح به بدن قبل از قیامت و در زمان خروج حضرت مهدی (علیه السَّلام) یکی از ضروریات مذهب است و در این خصوص علمای اسلام کتابهایی نوشته و تعدادی از آیات قرآن را بر این موضوع گواه گرفته و چون در اینجا بنای اختصار را داریم از نقل آنها خودداری می‌کنیم.

**بیست و هشتم -** از آسمان ندا می‌رسد که روز خروج حضرت مهدی (علیه السَّلام) رسیده است، امام صادق (علیه السَّلام) در تفسیر آیه شریفه: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»<sup>(۳)</sup> فرمود: به نام او و اسم پدرش از آسمان ندا داده می‌شود.<sup>(۴)</sup>

و فرمود: جبرئیل با صدای بلند که جمیع خلایق آن را می‌شنوند در آسمان ندا می‌کند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ».<sup>(۵)</sup>

**بیست و نهم -** اصحابش بر ابر سوار می‌شوند و ابر در اختیار او قرار می‌گیرد چنانکه امام صادق (علیه السَّلام) فرمود: جمعی از اصحاب حضرت مهدی (علیه السَّلام) برابر سوار می‌شوند و همه

۱ - سوره یونس آیه ۲۰.

۲ - المحجة صفحه ۹۷.

۳ - سوره ق آیه ۴۲.

۴ - المحجة صفحه ۲۰۹.

۵ - سوره نحل آیه ۱.



چیز در اختیارش خواهد بود.

**سی ام - مردم مسلمان،** باید در زمان غیبت حضرت مهدی (علیه السلام)، برای فرجش دعا کنند، زیرا امام (علیه السلام) فرموده: «و اکثرُوا الدعاء بتعجیل الفرج فان فی ذلک فرجکم»<sup>(۱)</sup> یعنی: برای فرج و نجات جهانیان از زیر بار ظلم و ستم بسیار دعا کنید زیرا اگر برای خروج حضرت مهدی (علیه السلام) دعا کردید نجات خودتان هم در آن خواهد بود.

**سی و یکم - آمدن او** دارای علائمی است و در آن زمان علائم خروج و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ظاهر می شود که در کتابهای علائم ظهور مفصلاً آنها نقل شده است. این بود آنچه از اسلام دقیقاً با مطالب کتاب مقدس تطبیق می کرد و خصوصیات دیگری نیز برای حضرت مهدی (علیه السلام) در اسلام ذکر شده که چون بنای شرح مفصل آنها را نداریم از ذکر آنها خودداری می کنیم.

من در سمپوزیوم یونان مطالب فوق را به عنوان مقاله خواندم و فرصت برای شرح آنها بیش از این نبود حاضرین از همین بیان مجمل و سخنان کوتاه من استقبال گرمی به عمل آوردند ولی در جلسات متعددی که در هتل و یا در مواقع تنفس و یا در حیات شهرداری با دوستان مسیحی و دانشمندان شرکت کننده می نشستیم و یا در روز سه شنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۶۹ که برای

۱ - کمال الدین جلد ۲ صفحه ۴۸۵ باب ۴۵ حدیث ۴ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۲۸۴.



دیدن جزایر..... و..... در کشتی بودیم مباحث جالبی با جمعی از شخصیت‌های علمی و دینی مسلمان و مسیحی داشتیم که به خاطر کامل نمودن بحث‌های این کتاب با توضیح مختصری از خصوصیات زمان و مکان و محل برگزاری بحث، آن مطالب را می‌آوریم باشد که شاید این کتاب برای همه مفید واقع گردد و حضرت مهدی (علیه السلام) منجی عالم بشریت از ما راضی شود، آمین.





## موضوع مقاله من

در روز شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۶۹ که با یکی از دانشمندان ایرانی در محوطه حیاط با صفای شهرداری آتن نشسته بودم و از هر دری سخنی به میان آمده بود او از من پرسید: موضوع مقاله شما چیست؟ من گفتم: مقام شامخ انسان و حکومت دین بر جهان بوسیله مصلح آخر الزمان است، او گفت: منظورتان حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد، گفتم: بلی ولی نه تنها از نظر اسلام بلکه از نظر اسلام و مسیحیت، او گفت: کوشش کنید مطلبی که مربوط به آینده است و ممکن است تحقق پیدا نکند نگوئید.

من به او گفتم: مسأله حکومت واحد جهانی و مصلح آخر الزمان مورد اتفاق اسلام و مسیحیت و حتی زردشتیها است، مگر چیزی که مربوط به آینده است نباید در این جلسه گفته شود اگر چنین است پس چرا در این جلسات از معاد و قیامت و بهشت و جهنم سخن به میان آمده و جمع زیادی درباره این مسائل که مربوط به آینده است حرف زده اند.

مسأله حکومت دین بر جهان بوسیله مصلح آخر الزمان از آرزوها و اعتقادات بیش از سه میلیارد جمعیت کره زمین است آن قدری که مردم دنیا به این مسأله و به این شخص (مصلح آخر الزمان) معتقدند حتی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و قرآن معتقد نیستند.



او به من گفت: در عین حال باید کوشش کنیم که این مسأله چون مربوط به آینده است از ناحیه ما مطرح نشود<sup>(۱)</sup>  
اتفاقاً وقتی من مقاله فوق را در آن جلسه خواندم و او هم در جلسه نشسته بود و می شنید و من پس از یکی دو ساعت در همان محل یعنی در حیاط شهرداری آتن با آن دانشمند برخورد کردم و از او سؤال نمودم به نظر شما با این ابراز احساساتی که نسبت به مطلب من مسیحیان داشتند باز هم باید این مطالب در این جلسه از طرف ما مطرح نشود.

گفت: چه کنم من ذوقم با اینگونه مطالب سازگار نیست در این بین یکی از دانشمندان مسیحی که استاد دانشگاه «آتن» هم بود از آنجا عبور می کرد، وقتی چشمش به من افتاد اوّل از دور به من اظهار محبت کرد و سپس نزدیک من آمد و گفت: درباره موضوع مورد بحث شما من به حقیقتی رسیده ام که اگر اجازه بفرمائید نقل کنم.

گفتم: مانعی ندارد استفاده می کنیم.

گفت: بدون تردید در آخرالزمان یا باید مصلح جهانی زمام امور مردم دنیا را بدست بگیرد و جهان را پر از عدل و داد و صلح و امنیت کند و یا باید (نعوذ بالله) خدای تعالی خلقتش

۱ - در کتاب «عوامل پیشرفت» صفحه ۱۳ علت این گفته را توضیح داده ام.



بی‌فائده و عبث باشد.

بنابر این باید به مسأله حکومت دین بر جهان بوسیله مصلح آخرالزمان بیشتر فکر کنیم و ای کاش شما روز اول این مقاله را می‌خواندید زیرا اگر این کار را می‌نمودید لااقل مسیر فکری جمع زیادی از دانشمندان مسیحی را به طرف مطلب خود جلب می‌کردید و آنها از این موضوع بیشتر حرف می‌زدند سپس به عنوان اعتراض به ستاد برگزاری سمپوزیوم گفت:

اینها چرا شما را در روز آخر جلسه قرار دادند اینها مربوط به بی‌توجهی مسئولین ستاد این سمپوزیوم می‌باشد من در اینجا برای رعایت جنبه‌های اخلاقی ناگزیر شدم آنچه به من از ناحیه بعضی از مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران در این باره گفته شده بود به او بگویم مبادا خدای نکرده آنها این اعمال را حمل بر غرض و سوء نظر آقایان و مسئولین جلسه نسبت به من بکنند لذا به او گفتم: این کار به خاطر آن بود که روزهای اوایل هنوز تمام مدعوین از ممالکشان نیامده بودند و مسئولین جلسه می‌گفتند که روزهای آخر همه حاضر خواهند بود. و دیروز روز یکشنبه مراسم مذهبی کلیسا بر پا بود و کسی در جلسه مخصوصاً اسقفها و کشیشان حاضر نبودند لذا آنها به خاطر لطفی که به من داشتند نوبت مرا امروز قرار دادند.

او خوشحال شد و رفت.



## سوشیانس کیست؟

در یکی از روزهایی که در یونان بودیم و با اسقفها و دانشمندان مسیحی برخورد داشتیم و هر کسی مایل بود در موضوع مقاله‌اش با دیگران حرف بزند و من هم بخصوص مایل بودم بینم نظر دانشمندان مسیحی درباره مسأله مورد بحثم چیست. با آقای «اناستاسیوس» اسقف ارتدکس بوسیله مترجم در آن موضوع حرف می‌زدیم و مسأله مصلح آخرالزمان را مطرح کرده بودم او گفت: شما ایرانیان بخصوص باید بیشتر به این مسأله اهمیت بدهید زیرا شما، هم از نظر مذهبی و هم از نظر ایرانی بودن باید به این مسأله اعتقاد داشته باشید، من در کتابهای زردشتیان یعنی دین قدیم ایرانیان دیده‌ام که آنها به شخصی به نام «سوشیانت»<sup>(۱)</sup> یا نجات دهنده دنیا معتقدند و درباره او معنی «سوشیانس» که از سرت سود گرفته شده و ریشه فارسی دارد به معنی سودمند در راه هدایت خلق است. و در گاتها کلمه «سوشیانت» به صیغه مفرد به معنی رهاننده یا نجات‌دهنده است کتاب سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان صفحه ۵۳ و ۶۴).

می‌گویند او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پراز ظلم

۱ - کلمه سوشیانس که به زبان پهلوی است در اوستا به صورت سوشنانت و سوشانس و سوسیونس و سوکشانس و سوشیوس و سیوخوش و سوشانس آمده است.



و جور شده باشد.

من به او گفتم: بله درست است زیرا یکی از عقاید مهم  
ایرانیان باستان و زردشتیان چنانکه در کتاب «جاماسب نامه»  
آمده همین است.

«جاماسب» از قول استادش زردشت خبر می‌دهد که:

پیش از ظهور «سوشیانس» پیمان شکنی و  
دروغ و بی‌دینی در جهان رواج می‌یابد و مردم از خدا  
دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می‌گردد  
و همین‌ها نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته زمینه را  
برای ظهور نجات دهنده مساعد می‌گرداند.

وقایعی که مصادف با ظهور می‌شود عبارت  
است از علامات شگفت‌انگیزی که در آسمان پدید  
می‌آید و دال بر آمدن «خرد شهر ایزد» می‌باشد و  
فرشتگان از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند  
و به همه دنیا پیام می‌فرستند اما اشخاص شرور او را  
انکار می‌کنند و کاذب می‌شمارند و نگهبانان پیروزگر  
آسمانها و زمینها در برابر او سر فرود می‌آورند.<sup>(۱)</sup>

گشتاسب پادشاه وقت می‌پرسد: وقتی «سوشیانس» ظهور

۱ - از کتاب «موعود» نقل از کتاب «زند و هومن یسن» صفحه ۲۵.



کرد چگونه فرمانروائی و دادستانی می کند و جهان را چطور  
اداره خواهد کرد و چه آئینی دارد؟  
جاماسب در پاسخ وی می گوید:

(سوشیانس نجات دهنده دنیا) دین را به جهان  
روا (رایج) کند و آز و نیاز (فقر و تنگدستی) هم را تباه  
کند و اهریمن را از دامان آفریدگان باز دارد و مردمان  
گیتی هم منش (همفکر) و هم گفتار و هم کردار  
باشند! <sup>(۱)</sup>

آقای «اناستاسیون» اسقف بزرگ ارتدکس گفت: من فکر  
می کنم بالاخره هر زمان که باشد این شخص جهاندار اگر  
زمینه ای برای ظاهر شدنش ببیند خود را نشان می دهد و دنیا را  
پر از عدل و داد می کند.

### آیا مهدی موعود فرزند «یزدگرد» است؟

یکی از اساتید دانشگاه تهران وقتی مقاله مرا در  
سمپوزیوم یونان استماع کرد در قسمت پذیرائی هتل وقتی  
نهار صرف می کرد به من گفت: من برای شما روایتی از  
دانشمند معروف احمد بن عیاش در کتاب مقتضب الاثر نقل

۱ - «جاماسب نامه» در کتاب «زند و هومن یسن» صفحات ۱۲۱ - ۱۲۲.



می‌کنم تا بدانید که حضرت ولی عصر (علیه السلام) از نسل یزدگرد پادشاه ساسانی است.

«نوشجان بن بود مردان» روایت می‌کند که: چون ایرانیان در جنگ قادسیه از سپاه اسلام شکست خوردند و یزدگرد پادشاه ساسانی از کشته شدن «رستم فرخزاد» سردار سپاهش و غلبه عرب آگاه شد، در حالی که با کسانش آماده فرار بود، در ایوان کاخش (واقع در مدائن) ایستاد و چنین گفت: هان ای ایوان! درود من بر تو باد. آگاه باش، من هم اکنون از تو روی بر می‌تابم تا آنگاه که من با مردی از فرزندانم که هنوز زمان وی نزدیک نشده و موقع آمدن او فرا نرسیده است، برگردیم!

«سلیمان دیلمی» گفت: چون به خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم عرض کردم: مقصود یزدگرد از «با مردی از فرزندان من»، چه بوده است؟

فرمود: او «قائم» موعود شماست که به فرمان خداوند ظهور خواهد کرد. او ششمین فرزند من و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می‌باشد<sup>(۱)</sup>

پس از آنکه آن استاد این روایت را برایم نقل کرد من به او گفتم: مرحوم «آیتی بیرجندی» که یکی از علما بزرگ بوده و



در بیرجند زندگی می‌کرده و دیوان شعری دارد در ضمن  
اشعاری می‌گوید:

با موسویان گوی که از هاجر عذراست      با عیسویان گوی که از نسل یشوعاست  
بافارسیان گوی که از دوحه کسری است      با هاشمیان گوی که از دوده طهاست  
از دخت‌کیان شاه‌زنان بانوی ایران

در اینجا توضیحی برای خوانندگان محترم باید  
داده شود که منظور از «هاجر عذرا» حضرت هاجر مادر  
حضرت اسماعیل جدّ اعلای نبی اکرم و علی بن ابیطالب  
است و چون حضرت ولی عصر (علیه‌السّلام) فرزند  
حضرت رسول اکرم و حضرت امیرالمؤمنین (علیهما  
السّلام) است پس فرزند حضرت هاجر و اسماعیل هم  
خواهد بود و منظور از «یشوعا» یکی از حواریین  
حضرت عیسی (علیه‌السّلام) است و جدّ اعلای  
حضرت نرجس (سلام الله علیها) مادر بزرگوار حضرت  
ولی عصر (علیه‌السّلام) است زیرا آن خانم و سیّده دو  
عالم اهل «روم» بوده و از فرزندان یشوعا می‌باشد و  
منظور از «شاه زنان» بانوی ایران و دوحه کسری حضرت  
شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ایران می‌باشد که این خانم  
مادر امام سجّاد جدّ اعلای حضرت ولی عصر



(علیه‌السلام) است به همین جهت یزدگرد در این  
روایت خطاب به ایوان کسری می‌گوید: هان ای ایوان....  
من هم اکنون از تو رو بر می‌تابم تا آنگاه که من با مردی  
از فرزندانم که هنوز زمان وی نزدیک نشده و موقع آمدن  
او فرانسیده است برگردیم.

### در کشتی بسوی جزایر یونان

شهر «آتن» که در کنار دریا واقع شده و جزایر سرسبز  
زیادی اطراف آن دیده می‌شود، بنا شد در روز آخر توقّفمان در  
یونان برای استراحت و گردش روی دریا از آن جزایر دیدن کنیم.  
ساعت ۷ صبح با کشتی بزرگی که همه وسائل در آن بود و  
مسافرین زیادی را سوار کرده بود به طرف آن جزایر حرکت  
نمودیم اتفاقاً اکثر افراد سمپوزیوم حتّی بعضی از اسقفها و  
دانشمندان مسیحی که از ممالک دیگر دعوت شده بودند با ما  
همسفر بودند در آن کشتی فرصت خوبی برای بحثها و  
مناظرات خصوصی بین افراد بود. لذا در اینجا من در ضمن  
آنکه مقداری از خصوصیات آن جزایر را برای خوانندگان  
محترم توضیح می‌دهم چند جلسه بحث و گفتگوی خود را که  
درباره مسأله مورد نظر یعنی حکومت دین بر جهان بوسیله  
«منجی آخرالزمان» با جمعی از دانشمندان مسلمان و غیر



مسلمان داشتم عیناً می‌نویسم.

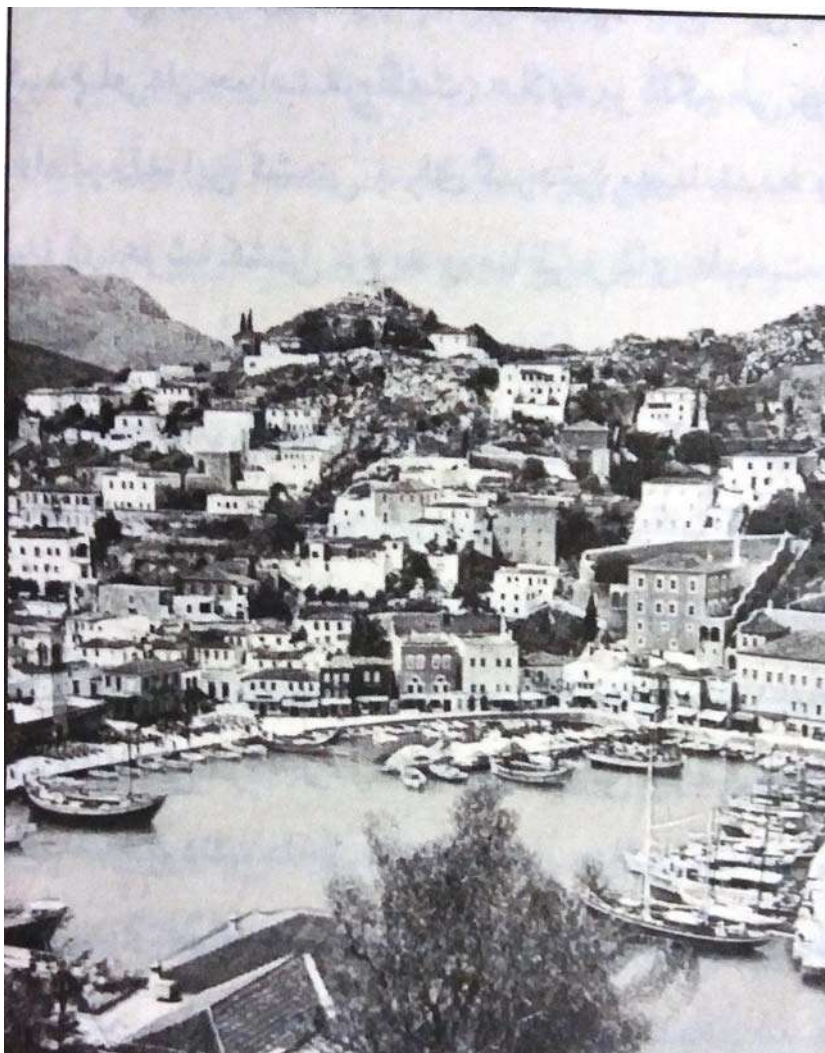
پس از آنکه در کشتی مستقر شدیم من بخاطر آنکه تا آن روز به یک چنین کشتی با عظمتی سوار نشده بودم بسیار مایل بودم که مقداری داخل کشتی را بینم ولی از آداب داخل کشتی اطلاعی نداشتم، نمی‌دانستم آیا اگر من در کشتی راه بروم خلاف اخلاق و یا برخلاف مقررات و قوانین کشتی هست یا نه؟ لذا از مهماندار کشتی که برای ما نوشابه سردی آورده بود این مطلب را سؤال کردم او در جواب من گفت: علاوه بر آنکه می‌توانید در کشتی راه بروید این کشتی برای گردش مهیا شده و شما می‌توانید در عرشه کشتی بروید و مناظر زیبای طبیعت را هم مشاهده کنید.

لذا هیأت علمی که تا به حال مثل کسانی که در اتوبوس نشسته باشند از جا تکان نمی‌خوردند، همه حرکت کردند و آنها ابتدا به عرشه کشتی رفتند ولی من دوست داشتم اول داخل کشتی را نگاه کنم و چون تصادفاً ایام کریسمس بود مسیحیان کشتی را چراغانی کرده و گوشه کنار کشتی مجسمه‌هایی از بابانوئل گذاشته بودند، داخل کشتی بسیار جالب بود هم سالن نمایش داشت و هم کلیسا و هم رستوران و هم همه چیز. بالاخره پس از آنکه من ساعتی داخل کشتی را بادقت دیدم من هم به عرشه کشتی رفتم و مناظر زیبای جزایر سرسبز اطراف «آتن» را



مشاهده می‌کردم در این بین یکی از علما و دانشمندان ایرانی  
نزد من آمد و گفت: این جزایر زیبا انسان را به یاد جزیره خضراء  
می‌اندازد، راستی شما اعتقاداتان درباره جزیره خضراء معروف  
چیست؟

گفتم: به نظر من مانعی ندارد که یک چنین جزیره‌ای در  
عالم وجود داشته باشد.



یکی از جزایر اطراف آتن در یونان



در این بین یکی از مسیحیان که ظاهراً ایرانی بوده و فعلاً در یونان سکونت دارد نزد ما آمد و می خواست با ما هم سخن گردد، لذا من و دوست دانشمندم صلاح ندانستیم سخنانمان را در حضور او درباره جزیره خضراء ادامه دهیم ولی آن مرد مسیحی به من گفت: در آن جزیره کوچک و با دست اشاره به جزیره سرسبزی که از دور دیده می شد می کرد و ادامه می داد که من در آن جزیره دوستی دارم زردشتی است دیشب مرا به منزلش دعوت کرده بود و با کشتی شخصی خود مرا به آنجا برد و از من گزارش سمپوزیوم اسلام و مسیحیت را می خواست من وقتی سخنرانها را برای او نقل کردم و به سخنرانی شما درباره حکومت دین بر جهان بوسیله مصلح آخرالزمان اشاره نمودم او گفت: عیناً این مطالب در کتب زردشتی وجود دارد.

سپس از جای خود برخاست و کتاب «زند»<sup>(۱)</sup> را آورد و مطالبی را به این مضمون خواند:<sup>(۲)</sup>

لشگر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان

۱ - کتاب «زند» کتاب مذهبی زردشتیان است.

۲ - البته آن مرد مسیحی نتوانست مطالب کتاب زند و کتاب جاماسب را دقیقاً نقل کند و مضمونش را نقل می کرد ولی من بخاطر سابقه ای که داشتم متوجه شدم که او چه قسمتی از کتاب زند را نقل می کند لذا من اصل آن را نوشته ام.



محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان  
 باشد اما نه به طوری که ایزدان را محو و منقرض سازند  
 چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان  
 است با یزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و  
 محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد آنگاه پیروزی  
 بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض  
 می‌سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در  
 آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و بر انداختن  
 تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده  
 بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.

و نیز او گفت: در کتاب «جاماسب» نوشته است که:

مردی بیرون آید از زمین تا زیان از فرزندان  
 هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر  
 دین جدّ خویش بود با سپاه بسیار و روی به ایران نهاد  
 و آبادانی کند و زمین پر داد کند.

و نیز در کتاب جاماسب نامه می‌گوید:

پیغمبر عرب آخر پیغمبران باشد که در میان  
 کوههای مکه پیدا شود و شتر سوار شود و قوم او شتر  
 سواران خواهند بود و با بندگان خود چیز خورد و به  
 روش بندگان نشیند و او را سایه نباشد و از پشت سر



مثل پیش‌رو ببیند و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب  
او باطل گرداند همه کتابها را و دولت او تازیکی یعنی  
عجم را بر باد دهد و دین مجوس و پهلوی را برطرف  
کند و نار سدیر و آتشکده‌ها را خراب کند و تمام شود  
روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان و  
از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان  
نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که  
جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد  
و دولت او تا به قیامت متصل باشد و بعد از پادشاهی  
او دنیا تمام شود و آسمان جفت گردد و زمین به آب  
فرو رود و کوهها برطرف شود و اهریمن کلان را که  
ضد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند  
و از خوبان و پیامبران گروه بسیاری را زنده کند و از  
بدان گیتی و کافران گروهی را....

### برداشت‌هایی از مطالب فوق

از مطالب فوق که از کتب زردشتیان نقل شده مطالب زیر  
استفاده می‌گردد:

**اول:** قبل از ظهور مصلح آخر الزمان دنیا پر از ظلم و فساد  
از طرف اهریمنان و شیطان سیرتان خواهد شد.



**دوم:** پس از این ظلم و جور اهریمنان و ظالمان سرنگون می شوند و دنیا پر از عدل و داد می گردد و عالم سعادت خود را دریافت می کند و بشر بر تخت نیکبختی می نشیند.<sup>(۱)</sup>

**سوم:** مصلح آخرالزمان از بنی هاشم و به دین جدّ خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد.<sup>(۲)</sup>

**چهارم:** آن حضرت از مکه بطرف ایران قدیم (که شامل عراق هم می شود) حرکت می کند و جهان را آباد می نماید و زمین را پر از عدل و داد می کند.<sup>(۳)</sup>

**پنجم:** مصلح آخرالزمان فرزند دختر پیامبر اکرم

۱ - این دو مطلب کاملاً با آنچه در اسلام درباره حضرت مهدی (علیه السلام) در صدها حدیث آمده تطبیق می کند پیغمبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) در وصف آن حضرت مکرّر فرموده اند: «یملاء الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» یعنی: حضرت مهدی (علیه السلام) دنیا را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

۲ - بدون تردید حضرت مهدی (علیه السلام) (دوازدهمین جانشین پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که مکرّر آن حضرت فرمود: «خلفائی من بعدی اثنی عشر کلهم من قریش» یا «کلهم من بنی هاشم» یعنی: جانشینان من بعد از من دوازده نفرند که همه آنها از قریش و بنی هاشمند.

۳ - در احادیث اسلامی آمده که حضرت مهدی (علیه السلام) مقرّ حکومت خود را در کوفه قرار می دهد و ایران باستان را آباد می کند.



(صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)  
است که کتاب جاماسب نامه از او به خورشید جهان و شاه زنان  
تعبیر کرده است.

ششم: حکومت مصلح آخرالزمان تا قیامت ادامه خواهد  
داشت.

هفتم: مصلح آخرالزمان شیطان را در بند کند و فعّالیت او را  
از بین می برد.<sup>(۱)</sup>

هشتم: در زمان مصلح آخرالزمان بعضی از پیامبران و نیکان  
و صلحاء زنده می شوند و به دنیا رجعت می کنند و بعضی از  
کافران را نیز آن حضرت به دنیا بر می گرداند تا جزای اعمال  
خود را ببینند.<sup>(۲)</sup>

۱ - این موضوع کاملاً با آنچه در اسلام در خصوص حضرت مهدی (علیه السلام)  
گفته شده تطبیق می کند زیرا در تفسیر آیه ۳۸ سوره حجر: ﴿فَأَنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى  
يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ یعنی: ای شیطان تو از مهلت یافتگانی تا روز وقت معلوم،  
بعضی از مفسرین فرموده اند که: منظور از وقت معلوم در آیه همان زمان ظهور  
حضرت مهدی (علیه السلام) است.

۲ - این موضوع نیز با عقاید اسلامی کاملاً تطبیق می کند زیرا یکی از ضروریات  
مذهب اسلام اعتقاد به رجعت است و معنی رجعت این است که بعضی از انبیاء و  
صلحاء و بعضی از کفار در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) به دنیا باز



وقتی سخنان آن مسیحی ایرانی الاصل تمام شد، من به او گفتم: با آنکه شما مطالب آن مرد زردشتی رفیقان را ننوشته بودید در عین حال آنها را خوب نقل کردید چون من این مطالب را در کتب مختلفه دیده‌ام، تقریباً همین گونه است که شما نقل می‌کنید.<sup>(۱)</sup>

او گفت: به خدا قسم آن قدر از زندگی ماشینی و تمدن اصطلاحی و از ظلم و ستم و ناامنی در این ممالک اروپائی به تنگ آمده‌ام که حساب ندارد، زندگی انسان در «آتَن» که به اصطلاح مهد علم و دانش و فلسفه است به زندگی حیوانات درنده‌ای شباهت دارد که دائماً همدیگر را می‌جوئند و کوچکترین محبت و عاطفه‌ای نسبت به یکدیگر ندارند.

شما وقتی در جلسه سمپوزیوم مطالبتان را درباره آینده بشریت و جهان از قرآن و انجیل نقل کردید و دیشب دوست زردشتی‌ام آن مطالب را از کتابهای مذهبی خودشان نقل نمود به قدری خوشحال شدم و به قدری نورامیدی در قلبم روشن شد که زندگی مجددی را برای خود و برای بشریت انتظار دارم و انشاءالله امیدوارم این مصلح جهانی هر چه زودتر از جانب

می‌گردند و به جزای اعمال خود می‌رسند.

۱ - آنچه در بالا نقل شد از اصل کتب مذکور رونویس شده است.



خدای تعالی ظاهر شود و مردم دنیا را از این بی عدالتی ها و ظلم و ستمها نجات دهد.

### هندوها و مصلح آخرالزمان

کشتی کنار جزیره ای توقف کرد و تابلوی درب خروجی کشتی اعلام می کرد که تا ساعت ۱۰ صبح یعنی تا یک ساعت دیگر می توانید از این جزیره دیدن کنید هیأت علمی از کشتی پیاده شدند و در جزیره سرسبزی که فوق العاده با صفا و زیبا بود به گردش و تفریح پرداخته در این بین یک نفر که اصلاً هندی بود و مدتی در یونان زندگی می کرد و مسلط بر زبان یونانی و زبان فارسی بود به من اظهار علاقه می نمود و می خواست خصوصیات آن جزایر را به من بگوید و مناظر آن را به من نشان دهد و اظهار می کرد که: من مکرر این جزایر را دیده ام و از جمیع خصوصیات آن مطلعم من با او در آن جزیره که از کشتی پیاده شده بودیم گردش کردیم، او می گفت: که اگر امروز تعطیل می بود اینجا بسیار شلوغ و پر رفت و آمد بود به هر حال چند دقیقه ای در آن جزیره در کنار ساحل راه رفتیم و سپس بخاطر آنکه مبادا از کشتی عقب بمانیم زودتر از دیگران بطرف کشتی حرکت کردیم.



مسافرت به سوی جزایر یونان با کشتی انجام شد

ما اولین کسانی بودیم که وارد کشتی شدیم وقتی دو نفری  
در کشتی نشسته بودیم و هنوز سایرین نیامده بودند من از او  
پرسیدم که: آیا شما اطلاعی از مذهب «هندو» دارید و آیا شما  
در سمپوزیوم اسلام و مسیحیت که در این چند روز در یونان  
تشکیل می‌شد شرکت می‌کردید؟

او به من گفت: بله، به همین جهت به شما دانشمندان  
اسلامی اظهار علاقه می‌کنم و من خودم سابقاً «هندو» بوده‌ام



ولی فعلاً مسیحی هستم دیروز که شما درباره مصلح جهانی حرف زدید به شما علاقه عجیبی پیدا کردم و مایلیم اگر مانعی ندارد مطلبی را از مذهب «هندو» که مناسب بحث شما است برایتان عرض کنم.

من گفتم: بفرمائید استفاده می‌کنیم.  
او گفت: من وقتی در هندوستان بودم و با مردم «هندو» بخصوص «نجسها»<sup>(۱)</sup> که در فقر و ناراحتی بیشتری بسر می‌برند.

حرف می‌زدیم و آنها از وضع بد خود و فشارهایی که روزگار و ستمگران بر آنها آورده‌اند سخن می‌گفتند بیشتر از هر چیز به امید روزی بودند که مصلح آخرالزمان ظهور کند و آنها را از زیر بار ظلم نجات دهد.

من به او گفتم: آیا مطلبی از کتب آنها که مستند باشد بیادتان هست که برایم نقل کنید.

گفت: متأسفانه خیر ولی در کتاب «شاکمونی» و کتاب «باسک» باید این مطالب باشد زیرا آنها در این مواقع از این دو کتاب نام می‌بردند.

وقتی او نام این دو کتاب را برد یادم آمد که من هم مطالبی از این کتابها یادداشت کرده‌ام و لذا آنها را در اینجا می‌آورم.

---

۱ - نجسها نژادی از «هندوها» هستند که آنان آنها را نژاداً نجس می‌دانند و بسیار بدبخت و فقیرند و در مجامع جائی ندارند.



در کتاب «شاکمونی» که به عقیده هندوها او پیامبر و صاحب کتاب آسمانی است می‌خوانیم:

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سیّد خلاق دو  
جهان «کشن»<sup>(۱)</sup> بزرگوار تمام شود وی کسی باشد که  
بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند  
و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و  
جنّ و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط  
استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمالی است  
و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین  
شود و دین خدا زنده گردد و نام او «قائم» باشد و  
خداشناس باشد.

و در کتاب «دید» که به عقیده هندوها کتاب آسمانی است  
می‌خوانیم:

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا  
شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور»<sup>(۲)</sup> باشد و

---

۱ - «کشن» به لغت هندی نام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است که در بشارت  
فوق فرزند برومندش را به نام ایستاده و خداشناس نامیده چنانکه شیعیان او را  
«قائم» می‌خوانند.

۲ - در برخی از روایات «منصور» را یکی از اسماء حضرت مهدی (علیه السلام)  
خوانده‌اند.



تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد و همه کس را از  
مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید....  
و در کتاب «باسک» که یکی دیگر از کتابهای آسمانی  
هندوها است می‌خوانیم:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در  
آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و  
حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمینها و  
کوهها پنهان باشد همه را بدست آورد و از آسمانها و  
زمین و آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید....  
و در کتاب «پاتیکل» که او شخصی است از رهبران «هندو»  
می‌خوانیم که:

چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و  
زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو  
پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان<sup>(۱)</sup> و دیگری  
صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد<sup>(۲)</sup>

۱ - مقصود از ناموس آخرالزمان ناموس اعظم آئین الهی پیامبر آخرین حضرت  
محمد (صلی الله علیه و آله) است.

۲ - پشن نام هندی علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.



و نام آن صاحب مُلک تازه «راهنما» است<sup>(۱)</sup> به حق  
 پادشاه شود و خلیفه «رام»<sup>(۲)</sup> باشد و حکم براند و او را  
 معجزه بسیار باشد هر که پناه به او برد و دین پدران او  
 اختیار کند سرخ روی باشد در نزد «رام»<sup>(۳)</sup> و دولت او  
 بسیار کشیده شود و عمر او از فرزند ان ناموس اکبر زیاد  
 باشد و آخر دنیا به او تمام شود و از ساحل دریای محیط  
 و جزایر سرانندیب و قبر آدم (علیه السلام) و از جبال  
 القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس را  
 مسخر گرداند و بتخانه «سومنات» را خراب کند و  
 «جگرنات»<sup>(۴)</sup> به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد  
 پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد و هر بتی که در  
 هر جا باشد بشکند.

این بود آنچه از کتب هندوها درباره مصلح آخرالزمان که  
 من جمع‌آوری کرده بودم.  
 من به این مرد هندی سپس گفتم: شما آنچه را که در مذهب

- 
- ۱ - راهنما نام حضرت مهدی (علیه السلام) است که بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نامش نیز هادی و مهدی و قائم بالحق است.
  - ۲ - «رام» اسم خدای هندوهاست.
  - ۳ - «رام» اسم خدای هندوهاست.
  - ۴ - «جگرنات» به لغت سانسکریتی نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می‌دانند.



هندو و کتابهای هندوها ملاحظه می فرمائید عیناً در مذهب مسیحیت و اسلام وجود دارد و حتی من وقتی مطالب کتاب مقدس را درباره مصلح آخرالزمان برای مسلمانها می خواندم آنها گمان می کردند که من کتب اسلامی را برای آنها می خوانم و یا گاهی اگر مطالب کتاب هندوها را برای مسلمانها می خواندم آنها روی ذهنیت خود فکر می کردند که من کتابهای اسلامی را به نام آنها می خوانم و مسلمانها گاهی باور نمی کردند که در کتب یهود و نصاری و زردشتیان و یا حتی کتابهای هندوهای بت پرست این مطالب آن هم به این صراحت وجود داشته باشد و لذا ما به این سمپوزیومها و این اجتماعات زیاد اهمیت می دهیم زیرا اگر استعمار از روز اول می گذاشت که این اجتماعات برقرار شود و مذاهب عالم با یکدیگر بنشینند و مطالبشان را برای یکدیگر نقل کنند این همه جدائی و اختلاف بین آنان بوجود نمی آمد و تا این حد مذاهب از یکدیگر فاصله نمی گرفتند.

شما ملاحظه کنید در مطالبی که از کتب هندوها نقل فرمودید دوازده فراز درباره مصلح آخرالزمان وجود دارد که دقیقاً عین آنچه در کتب اسلامی و مسیحی نقل شده می باشد.

**اول آنکه:** مصلح آخرالزمان فرزند سید خلائق دو جهان حضرت محمد که از او به عنوان (کشن) یاد شده می باشد.

شما می دانید که حضرت مهدی (علیه السلام) دهمین فرزند



پیغمبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) است.  
**دوم آنکه:** مصلح آخر الزمان بر شرق و غرب دنیا حکومت  
 می‌کند و حکومت واحد جهانی را بوجود می‌آورد.  
 که ما این مطلب را در سمپوزیوم از قرآن و انجیل اثبات  
 کردیم.

**سوم:** فرشتگان و جن و انس در خدمت مصلح آخر الزمان  
 می‌باشند و از او اطاعت می‌کنند.  
 چنانکه در قرآن سوره آل عمران آیه ۷۷ می‌گوید: زمانی که  
 حضرت مهدی (علیه السلام) قیام کند نقطه‌ای از زمین باقی  
 نمی‌ماند مگر آنکه در مقابل او تسلیم خواهند شد و از او  
 اطاعت می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

**چهارم:** تمام دنیا تحت نفوذ مصلح آخر الزمان قرار می‌گیرد  
 و دین خدا یکی می‌شود.

چنانکه این معنی را من در جلسه سمپوزیوم ضمن مقاله‌ام  
 از انجیل و قرآن برای مصلح آخر الزمان اثبات کردم.

**پنجم:** یکی از اسماء مصلح آخر الزمان قائم است یعنی  
 کسی که برای برقراری عدل و داد قیام می‌کند و ظلم و جور را از  
 بین می‌برد.

۱ - «أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ  
 يُرْجَعُونَ».



چنانکه در اسلام حضرت مهدی (علیه السلام) به این معنی معروف است و ظهورش به همین منظور خواهد بود.

**ششم:** یکی دیگر از نامهای مصلح آخرالزمان «منصور» است یعنی کسی که خدای تعالی او را یاری می‌کند.

چنانکه در روایات فراوانی آمده که خدای تعالی او را در جمیع کارها یاری می‌کند.

**هفتم:** دعای او مستجاب است و هر چه از خدایتعالی بخواهد به او می‌دهد.

چنانکه این معنی در اسلام و مسیحیت نیز تصریح شده و چون محبوب و بنده خدا است مستجاب الدعوه هم خواهد بود.

**هشتم:** منابع تحت الارضی و معادن را در دریا و زمین و کوهها بدست می‌آورد و ثروت زمین را زیاد می‌کند و مردم را از فقر و تنگدستی نجات می‌دهد.

چنانکه در تفسیر آیه «وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا»<sup>(۱)</sup> که در قرآن آمده به این معنی تصریح شده است.

**نهم:** او بر تمام علوم تسلط کامل دارد و از آسمان و زمین و آنچه هست خبر می‌دهد و از او کسی در این جهت بالاتر نمی‌باشد.



چنانکه در تفسیر آیه ۱۲ سوره یس فرموده‌اند: «وَكُلُّ شَيْ  
أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» منظور این است که جمیع علوم را  
خدای تعالی به حضرت مهدی (علیه السلام) داده است.

**دهم:** مصلح آخرالزمان از نسل دو پیشوای جهان یکی  
ناموس عظیم الهی (که طبعاً منظور پیغمبر اسلام (صلی الله علیه  
و آله) است و دیگری صدیق اکبر و صی بزرگتر آن ناموس عظیم  
الهی که «پشن» نام دارد و به معنی علی بن ابی طالب  
(علیه السلام) است.

**یازدهم:** او دارای معجزات بسیاری است که در اسلام و  
مسیحیت هم به این موضوع اشاره شده است.

**دوازدهم:** عمر او بیشتر از عمر سایر فرزندان پیامبر اکرم  
(صلی الله علیه و آله) است.

شما اگر در این برداشتها دقت کنید می بینید اینها عیناً همان  
مطالبی است که من در مقاله‌ام در روز دوشنبه در جلسه  
سمپوزیوم برای حاضرین از زبان مسیحیت و اسلام نقل کردم  
شما می بینید که اسلام و مسیحیت و مذهب هندو و زردشتیها  
همه با هم درباره مصلح آخرالزمان توافق کامل دارند و همه به  
انتظار او بسر می‌برند.

آن مرد هندی مرا تصدیق کرد.

بالاخره مدتی در کشتی با او درباره مسائل دیگر نیز حرف



زدیم تا آنکه کشتی به جزیره بعدی رسید و اعلام می‌کرد یک ساعت در این جزیره می‌مانیم، جزیره بسیار زیبا و با صفائی بود و مقداری در آن جزیره گردش کردیم ولی چون در این جزیره باران شدیدی می‌بارید دیگر نتوانستیم زیاد معطل بشویم و به کشتی باز گشتیم و پس از ساعتی کشتی به طرف «آتن» حرکت کرد و دوستان پس از یک تفریح چند ساعته و صرف نهار در رستوران کشتی دور یکدیگر نشسته بودند و چون در حقیقت این دانشمندان از سه دسته و سه تفکر در خصوص عقاید تشکیل شده بودند بخاطر وقت‌گذراندن و بخاطر آنکه حرفهای متفرقه بی‌ارزش نزنند، شروع به مناظره و بحث و گفتگو نمودند.

### بحث و گفتگو در کشتی

جمعی از این دانشمندان پیرو فلسفه یونان و مطالب عالیه آن بودند و جمع دیگر خود را طرفدار تصوّف و تزکیه نفس از راه ریاضت و مخالفت با نفس معرفی می‌کردند و جمعی هم پیرو حکمت الهی و تمسّک به آنچه ادیان گفته‌اند بدون کم و زیاد بودند.

لذا بحثهای کوتاهی ولی بسیار پر ارزش در راه برگشتن به طرف شهر آتن در کشتی انجام شد که من نمی‌توانم همه آنها را



در این کتاب بیاورم ولی اجمالاً، طرفداران فلسفه می‌گفتند: شما عقل را کنار گذاشته و دانشمندان به این بزرگی مثل سقراط و افلاطون را ندیده گرفته به گفتار مرحوم ملاصدرا توجهی ننموده و به مراتب وجود اعتنائی نکرده و در عالم کثرات و تفرقه قدم گذاشته و از حقیقت رو برگردانده‌اید مگر نمی‌دانید که:

هر مرتبه از وجود، حکمی دارد      گر حفظ مراتب نکنی زندیقی  
طرفداران تصوّف می‌گفتند: به قول شیخ عطار در منطق الطیر که  
می‌گوید:

کاف کفر ای جان به حقّ المعرفه      خوشترم آید ز فاءِ فلسفه  
و به قول مولانا جلال‌الدین رومی:  
پای استدلالیان چوبین بود      پای چوبین سخت‌بی‌تمکین بود  
اگر انسان چشم بینائی داشته باشد چه نیازی به استدلالات عقلی دارد مثل اینست که شما با چشم، خورشید را ببینید ولی به آن اکتفا نکنید و بخواهید با استدلال به وجود آن پی ببرید.  
ما معتقدیم که انسان باید با ریاضت و معالجه چشم دلش و تزکیه نفس بتواند همه حقایق را ببیند و آنها را لمس کند.  
مخالفین فلسفه و تصوّف و طرفداران ادیان که متأسفانه در میان آن جمع تعدادشان کمتر بود می‌گفتند: شناخت حقایق اشیاء باید بوسیله خالق اشیاء باشد و ما می‌دانیم که بشر نمی‌تواند در شناخت حقایق اشیاء مخصوصاً قبل از تزکیه نفس



ارتباط مستقیمی با خدای تعالی پیدا کند پس بنابراین باید انبیاء (علیهم السّلام) واسطه رسیدن به علوم واقعی و حقایق پشت پرده باشند و آنها هستند که واسطه وحی و معارف و احکام و قوانین الهی می باشند و آنچه فلسفه و تصوّف می گوید، متّکی به افکار خطاکار بشر است زیرا افراد عادی معصوم از خطا نیستند. به هر حال کم کم بحث بالا گرفت و هر یک دیگری را به بی توجّهی نسبت به حقایق متّهم می کردند! طرفداران فلسفه می گفتند: اگر شما بحثهای فلسفی را قبول نداشته باشید و به عقل خود توجّه نکنید چه چیز برای استدلال و اثبات حقایق پشت پرده دارید.

طرفداران تصوّف می گفتند: ما چشم داریم، بینش داریم، حقایق را می بینیم و قلبمان مانند آینه صاف است و همه چیز در آن منعکس می شود دیگر چه احتیاجی به استدلالات عقلی هست.

طرفداران وحی می گفتند: اوّل ما استدلال از طریق عقل برای اثبات عصمت انبیاء می کنیم و سپس سخنان آنان را برای تزکیه نفس عمل می نمائیم و بعد حقایق عالیه را خدای تعالی به ما وحی و الهام می کند و به مقام کمال می رسیم و حقایق اشیاء را می فهمیم.

در این بین یکی از دانشمندان به من گفت: شما چرا ساکت



نشسته‌اید؟! شما چرا اظهار نظر نمی‌فرمائید؟ من گفتم: آقایان حرفها را می‌زنند دیگر احتیاجی به سخنان و کلمات من نیست، بالاخره من از دو حال خارج نیستم یا یکی از این سه نظریه را انتخاب کرده و با یکی از آنها موافقم و یا نظریه دیگری غیر از آن سه نظریه را دارم اگر اولی باشد که بالاخره آنها بجای من هم سخن می‌گویند و اگر دومی باشد یعنی من نظری غیر از نظرات فوق را در شناخت حقایق اشیاء داشته باشم تفرقه بیشتر و بحث و جنجال زیادتری در کشتی بوجود خواهد آمد و حال آنکه ما به یونان برای وحدت نظر در همه چیز (حتی با مسیحیان) آمده‌ایم.

او گفت: درست است ولی این مجلس دوستانه است این گفتگوها سبب اختلاف کلی نمی‌شود.

گفتم: اتفاقاً اینها دانشمندان مذاهب مختلفند اگر اینها در اینجا اتحاد پیدا کنند و بتوانند بر سر یک مسأله توافق نمایند پیروانشان هم باهم متحد می‌شوند مثلاً ببینید فلانی استاد دانشگاه است و طرفدار پر و پا قرص فلسفه است و دیگری استاد همان دانشگاهی است که اولی در آن دانشگاه استاد است و این طرفدار تصوّف است و فلسفه را از کفر بدتر می‌داند فکر می‌کنید اینها وقتی در دانشگاه سر کلاس درس رفتند وحدت کلمه با هم دارند؟!!

آن دانشمند گفت: بالاخره شما هم یک چیزی بگوئید در



این بین کم کم چند نفری از آقایان اساتید متوجه گفتگوی ما شده بودند و می خواستند ببینند که من طرفدار کدامیک از این سه دسته‌ام لذا آنها اصرار کردند که شما هم یک چیزی بگوئید. من گفتم: فلسفه یک کلمه یونانی است و طبعاً در آن بحث از حقایق اشیاء، متکی به افکار بشری می شود و هیچکس ادعاء نکرده که فلسفه از جانب خدای تعالی نازل شده باشد و متکی به وحی باشد. بنابراین احتمال خطا و سهو در آن بسیار است ولی حکمت که همان تحقیق و بیان حقایق اشیاء است، متکی به وحی و الهام بوده و در آن خطا و اشتباه وجود ندارد.<sup>(۱)</sup>

۱ - شاید معنایی را که ما از فلسفه و حکمت کردیم در کتب لغت نباشد و فرقی بین حکمت و فلسفه نگذارند حتی لغت‌نامه دهخدا فرقی بین حکمت و فلسفه نگذاشته و هر دو را در معنی یکی دانسته ولی اگر کسی اهل استنباط و مطالعه و دقت باشد به خوبی بدست می آورد که فلسفه پی بردن به حقایق اشیاء است، متکی به افکار بشری چه شرع و دین با آن موافق باشد یا نباشد، چنانکه لغت‌نامه دهخدا می نویسد: فلسفه به معنی علم به حقایق موجودات به اندازه توان بشری و معنی ندارد در فلسفه که اصلش یونانی است و حتی این لفظ هنوز به یونانی بودنش باقی است در آن ملاحظه شرع بخصوص دین اسلام بشود و یا متکی به وحی و قرآن و دین باشد.

بنابراین بدون تردید فلسفه نمی تواند متکی به غیر از افکار بشری باشد ولی در قرآن تصریح شده که حکمت شناخت حقایق اشیاء است بوسیله وحی و از جانب پروردگار لذا به فیلسوف، حکیم نمی گویند و به حکیم، فیلسوف نخواهند گفت.



فلسفه را بشری به بشری از افکار خودش تعلیم داده ولی حکمت را خدا به انبیاء و حکماء مانند لقمان تعلیم فرموده چنانکه قرآن می‌گوید: ما به لقمان حکمت داده‌ایم<sup>(۱)</sup> و انبیاء (علیهم السّلام) برای تعلیم حکمت مبعوث شده‌اند. چنانکه قرآن می‌گوید: او است که مبعوث فرمود در میان اهل مکه پیامبری از خودشان برای آنکه آیات خدا را بر آنان بخواند و آنها را تزکیه نفس کند و کتاب و حکمت را به آنها تعلیم دهد.<sup>(۲)</sup> بنابراین من اگر مسلمان باشم و به قرآن اعتقاد داشته باشم باید حکیم باشم نه فیلسوف زیرا باید بکوشم که حقایق اشیاء را از طریق وحی دریافت کنم نه از افکار فلاسفه غرب که در طول تاریخ اکثر مطالب و فرضیه‌هایشان مکرر عوض شده و از آنها اعتماد سلب شده است در عین حال آنچه از مطالب فلسفه با حکمت الهی تطبیق می‌کند ما به عنوان حکمت آنها را قبول می‌کنیم و آنچه از مسائل فلسفی با حکمت الهی تطبیق نمی‌کند طبیعی است که نمی‌توانیم آنها را بپذیریم زیرا قرآن و حکمت الهی بعکس فلسفه هیچگاه مطالبش تغییر نکرده و بلکه روز بروز مانند خورشید که از زیر ابر بیرون بیاید حقایقش روشتر و واضحتر

۱ - سوره لقمان آیه ۱۲ ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾.

۲ - سوره جمعه آیه ۲ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾.



می‌گردد. من در درس عقائدی که برای جمعی از طلاب و دانشگاهیها در مشهد می‌گفتم ابتکاری در تبیین عقائد از قرآن که نه صورت تعبّد داشته باشد و هم حکمت الهی را از قرآن به نحو مستدل برای آنان بیان کرده باشم، داشتم که اگر مایل باشید آن را برایتان به طور مختصر و خلاصه بیان کنم شاید در دانشگاه و حوزه به دردتان بخورد.

چند نفری که اطراف من نشسته بودند از پیشنهاد من استقبال کردند لذا برای آنها شرح دادم که: ما در ابتدا برای دانشجویان علوم اسلامی اعجاز قرآن را همان گونه که خودش بیان کرده<sup>(۱)</sup> یعنی از نظر فصاحت و بلاغت، از نظر علوم حکمت، از نظر عدم اختلاف در مطالب و معانی، از نظر پیشگوئیه‌ها و علم غیب، از نظر نو بودن مطالب علمیش در تمام اعصار و سایر چیزهای دیگر که کسی نمی‌تواند بلکه اگر جنّ و انس پشت به پشت یکدیگر بدهند نمی‌توانند مثلش را بیاورند، اثبات می‌کنیم وقتی که این مطلب اثبات شد و یقین کردیم که حقایق این کتاب اعجاز است و معنی اعجاز این بود که طبیعت بلکه جنّ و انس از ایجادش عاجزند طبعاً باید معتقد شویم که

۱ - و در آیات متعدّدی قرآن می‌گوید: ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾ سوره اسراء آیه ۹۰.



این کتاب از جانب خداست زیرا او است که مافوق طبیعت و خلقت است و بلکه ایجادکننده همه اینها است. بنابراین با اثبات اعجاز قرآن خدا را ثابت کرده‌ایم و طبعاً اعتقاد به رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را هم ایجاد کرده‌ایم زیرا این اعجاز بوسیله او به ما رسیده و معنی رسالت جز این چیزی نیست و بعلاوه تمام مطالب قرآن مجید بدون کم و زیاد حجت و صحیح بوده و احتمال اشتباه و سهو و خطا در آن راه ندارد زیرا مطالبش معجزه است و از جانب خدای تعالی است.

سپس قرآن مجید به کلمات و گفتار پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حجیت داده و گفته‌های او را سخن خدای تعالی می‌داند آنجا که قرآن فرموده: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»<sup>(۱)</sup> بنابراین روایاتی که در احکام و معارف از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده همه‌اش حجت و صحیح است و چون شیعه معتقد است که ائمه اطهار (علیهم السّلام) سخنی در معارف و احکام الهی از نزد خود نمی‌گویند بلکه همه‌اش از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و آنها معصوم از خطا و اشتباهند پس سخنان آنها هم حجت و صحیح است از این



رو شیعه و بلکه مسلمانان جهان می‌گویند: قرآن و روایات صحیح و یا متواتر مجموعه‌ای از حکمت الهی است و چیزی کم و کسر از فلسفه که متکی به افکار بشری است ندارد و ما نباید قبل از آنکه از حقایق و معارف قرآن و احادیث اطلاع کاملی پیدا کنیم و قتمان را به فلسفه که متکی به افکار بشری است بگذرانیم.

وقتی سخنان من (با توضیحاتی که آنجا برای آن جمع نقل کردم و در این کتاب نقل نمی‌کنم زیرا در کتاب «دو مقاله» مفصلاً بیان نموده‌ام و اگر در اینجا دوباره نقل شود تکرار می‌شود) به اینجا رسید متأسفانه بعضی از دانشمندان مسلمان که یا خوب مطالب مرا گوش نداده بودند و یا به قدری مقهور فلسفه بودند که حرف حساب سرشان نمی‌شد نتوانستند مطلب به این واضحی را بفهمند ولی یکی از دانشمندان مسیحی که این مطلب را گوش می‌داد و مترجمش برایش ترجمه می‌کرد رو به دوستان کرد و گفت: اگر اعجاز قرآن به همین معنائی که ایشان گفتند: ثابت شود دیگر کار تمام است و مطلب ایشان حرفی ندارد و من بعدها موفق شدم بیشتر با آن دانشمند مسیحی درباره اعجاز قرآن حرف بزنم و بسیار هم مفید بود.

به هر حال، شب، قبل از غروب آفتاب به «آتن» برگشتیم و در آن روز یک سفر علمی و تفریحی خوبی داشتیم.



## بودائیا و مصلح آخرالزمان

صبح روز چهارشنبه همان روزی که تصمیم داشتیم آتن را به سوی اسلامبول و ترکیه ترک کنیم و از آنجا به طرف تهران حرکت نمائیم موقع صرف صبحانه یکی از دانشمندان مسیحی نزد من آمد و گفت: من در میان ادیان بعد از مسیحیت به دین اسلام علاقمندم زیرا دین اسلام مانند دین مسیحیت به بشر امید فتح و پیروزی و به صالحین وعده وراثت و حکومت زمین را می‌دهد و این خود علامت ابراز محبت به بشریت و حقانیت دینی است که خود را مسئول خوشبختی انسانها می‌داند و به آنها این وعده را می‌دهد.

امروز اکثر دانشمندان و مصلحین بر این اعتقادند که تنها راه حل مشکلات و سامان بخشیدن به نابسامانیهای دنیائی تشکیل حکومت واحد جهانی بر مبنای عدالت است و من معتقدم اسلام و مسیحیت تنها مذاهبی هستند که این نوید را به مردم دنیا داده‌اند و جهان را به این امید خوشنود نگه داشته‌اند. من به او گفتم: از این برداشت شما که دلیل بر فکر عالی شما بود خوشحالم این کلام بسیار جالب بود ولی نوید مصلح آخرالزمان را تنها دین اسلام و مسیحیت نداده بلکه ادیان دیگری هم در این نوید شریک بوده‌اند.



مثلاً زردشتیها و بودائیها و حتی دانشمندان بشر دوست و فلاسفه غرب این نوید را به بشریت داده و آنها را به این امید سرشار از شادمانی نموده‌اند.

او از من سؤال کرد که: آیا «بودا» هم به این موضوع متوجه بوده و به این مطلب در کتابهای بودائی اشاره شده است گفتم: بله، ولی چون در یونان آمادگی برای پاسخ مستندی برای او نداشتم به همین مقدار اکتفا کردم اما در موقع نوشتن این کتاب آن مطالب را عیناً نقل می‌کنم.

بودائیان در کتاب «دادنک» از قول «بودا» نقل می‌کنند که او گفته:

بعد از آنکه مسلمانی بهم رسید، در آخر میان عالم از ظلم و فسق و گناه و ریای زاهدان و خیانت امینان و حسودی بخیلان و عمل نکردن دانایان به آموخته خود، دنیا از ظلم و جفا و گناه پر شود. از دین جز نام او نماند. پادشاهان و پیشوایان و رؤیسان بی‌رحم و ظالم شوند. رعیت بی‌انصاف و نافرمان و متقلب شود، و همه در خرابی نظم دنیا بکوشند. و همه جا را کفر و ناسپاسی فراگیرد.

آن وقت «دست راستین» جانشین «مماطا» (یعنی محمد پیغمبر اسلام) ظهور کند خاور و باختر



عالم را بگیرد آدمیان را به راه خوبیها رهبری کند. او

فقط و تنها حق و راستی را قبول می‌کند و بس.

از این کلام همان مطلبی که در کتاب مقدس وجود داشت

و من روز دوشنبه در ضمن مقاله‌ام به آن اشاره کردم و در صدها

حدیث و روایت و آیات قرآن به آن اشاره شده که «مصلح

آخر الزمان» دنیا را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از ظلم

و جور شده باشد استفاده می‌گردد.

آن دانشمند مسیحی سخنانی از «انشتین» و «برتراند راسل»

و بعضی از دانشمندان غیر مسلمان دیگر درباره موضوع مقاله

من در سر صبحانه نقل کرد که همه آنها تأیید آمدن مصلح

آخر الزمان و تحقق یافتن حکومت واحد جهانی را می‌کرد و او

از من خیلی تشکر نمود و پس از آن از یکدیگر جدا شدیم.

بعدها یعنی زمانی که می‌خواستم این کتاب را بنویسم از

سخنان آن دانشمند مسیحی یادم آمد لذا با کمک بعضی از

دوستان مطالب چند نفر از این دانشمندان را که در کتب مختلف

وجود داشت یادداشت کردم و اینک ترجمه آن مطالب را برای

مزید اطلاع شما خوانندگان محترم ذکر می‌کنیم.

«انشتین» دانشمند و ریاضیدان بزرگ و معروف در کتاب



مفهوم نسبیت می گوید:

ملل جهان از هر نژاد و رنگی که باشند می توانند  
و باید زیر یک پرچم واحد بشریت در صلح و صفا و  
برابری و برادری زندگی کنند.

نامبرده در اهمیت و ارزش حکومت واحد جهانی برای  
زندگی انسانها تا آنجا پیش رفت که صریحاً می گفت:  
حکومت‌های متعدّد خواه و ناخواه به نابودی  
بشریت منجر خواهد شد.

درباره او نوشته‌اند: انشتین که در تمام دوران زندگی خود  
طرفدار تشکیل یک حکومت جهانی بود سعی می کرد که از  
شهرت و وجهه خود برای باز کردن چشم و گوش مردم جهان  
استفاده کند به عقیده وی مردم جهان یکی از این دو راه را باید  
انتخاب کنند یا یک حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی  
اتمی تشکیل دهند و یا حکومت‌های ملّی جداگانه فعلی همچنان  
باقی بماند و منجر به انهدام تمدّن بشری گردد.

«برتراند راسل» فیلسوف مشهور انگلیسی همانند انشتین  
بشدّت از لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی دفاع کرده و  
معتقد است که عدم اجرای این طرح بالاخره به نابودی بشریت  
منجر خواهد گشت، نامبرده ضمن بحث مهمّی که در این باره



دارد می‌نویسد:

... اکنون از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه یک

امپراطوری وسیع جهانی وجود ندارد و چون خرابی

جنگ بیش از قرن گذشته است احتمالاً باید حکومت

واحدی را قبول کنیم یا اینکه به عهد بربریت برگردیم

و یا به نابودی نژاد انسانی راضی شویم.

راسل در مورد دیگر هنگامی که سیستم حکومت فدرال را

شرح می‌دهد به حکومت واحد جهانی اشاره کرده و چنین

می‌نویسد:

... این سازمان فدرال به نوبه خود واحدی از

یک تشکیلات فدرال بزرگتر است و به همین ترتیب

می‌رسیم به حکومت فدرال جهانی که این حکومت در

حال حاضر وجود خارجی نخواهد داشت<sup>(۱)</sup>.

فیلسوف بزرگ انگلستان معتقد است که برای رسیدن به

آن حکومت جهانی باید زمینه فکری ملتها را آماده ساخت و

---

۱ - سیستم حکومت فدرال عبارت است از اتحاد چند ایالت که حق حاکمیت

خارجی خود را به یک دولت واحد مرکزی واگذار نمایند ولی حق حاکمیت

داخلی هر یک از ایالات تا حدی برای آنها محفوظ است مانند سیستمی که اکنون

در ایالات متّحده آمریکا وجود دارد.



منجمله از تبلیغات افراطی ناسیونالیستی<sup>(۱)</sup> نامبرده در این باره می نویسد:

باید هرگونه تبلیغات افراطی ناسیونالیستی  
غیرقانونی شمرده شود و در مدارس به اطفال درس  
دشمنی و نفرت از ملل دیگر را ندهند.

باز همین دانشمند در جای دیگر ابتدا به عامل اصلی  
جنگها و تضاد منافع حکومتهای متعدد اشاره کرده و سپس لزوم  
تشکیل حکومت واحد جهانی را بار دیگر یادآور می گردد و  
می نویسد:

... مادام که یک حکومت جهانی در دنیا  
وجود ندارد رقابت برای کسب قدرت مابین  
کشورهای مختلف وجود دارد و چون ازدیاد  
جمعیت خطر گرسنگی را ببار می آورد قدرت ملی  
تنها راه جلوگیری از گرسنگی است، لذا در میان ملل  
گرسنه علیه آنهایی که غذای کافی در اختیار دارند  
بلوکها و دسته بندیهای بوجود خواهد آمد، همین  
مطلب پیروزی کمونیزم را در چین توجیه

---

۱ - ناسیونالیستی عبارت است از حس وطن خواهی و طرفداری از اصول ملیت.



می‌نماید، این حقایق ثابت می‌کند که دنیای علمی  
بدون یک حکومت جهانی ثبات و دوامی نخواهد  
داشت، معهذا ممکن است گفته شود که این  
نتیجه‌گیری عجولانه بوده است، لکن آنچه مستقیماً  
از بحث فوق عاید می‌شود این است که در دنیا باید  
یک حکومت جهانی بوجود آید. (۱)

برتراند راسل می‌گوید:

جلوگیری از جنگ، یک راه بیش ندارد و آن  
ایجاد دولت جهانی واحدی است که تمام سلاحهای  
مهم عظیم را منحصراً در دست داشته باشد.... به نظر  
من، اگر چنین دولت جهانی تشکیل شود، تشکیل آن  
در بعضی از نواحی از روی میل و رضا و در بعضی  
دیگر از راه فتح و غلبه خواهد بود.... تصوّر نمی‌کنم  
نژاد انسان آن سیاستمداری و قابلیت را داشته باشد که  
تنها به میل و رضای خود به تأسیس دولت جهانی  
گردن نهد. به این دلیل است که خیال می‌کنم در تأسیس  
و برقراری و حفظ و نگاهداری آن، در سنین اوّل عمر،  
اعمال زور و فشار لازم می‌باشد.

۱ - کتاب «تأثیر علم بر اجتماع» صفحه ۱۹۹.



پروفسور «آرنولد توینیی» شخصیت متفکر انگلیسی  
ضمن نطقی که در کنفرانس صلح نیویورک ایراد نمود به  
ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی (به منظور جلوگیری از  
جنگهای خونین و کشتارهای دستجمعی) اشاره کرده و در آنجا  
چنین گفت:

تنها راه حفظ صلح و نجات نسل بشر تشکیل  
یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش  
سلاحهای اتمی است.

از سخنان فوق استفاده می شود که این دانشمندان معتقدند  
که مردم جهان باید یکی از دو راه را انتخاب کنند یا آنکه در  
حکومت های کوچک و بزرگ با سیاستها و قوانین مختلف درست  
و غلط و در نتیجه فشار و بی عدالتی و در پایان نابودی را  
انتخاب کنند و یا آنکه بکوشند زمینه حکومت واحد جهانی را  
بوجود بیاورند.

این مطلب همانگونه که من در کتاب «مصلح غیبی»  
نوشته ام از آرزوهای دیرینه بشریت بوده و خوشبختانه در زمان  
ما بیش از هر زمان امید به ثمر رسیدنش بیشتر است، بلکه صبح  
صادق طلوع کرده و باید بیشتر از هر زمان انتظار ظهور «مصلح  
آخرالزمان» را داشت.



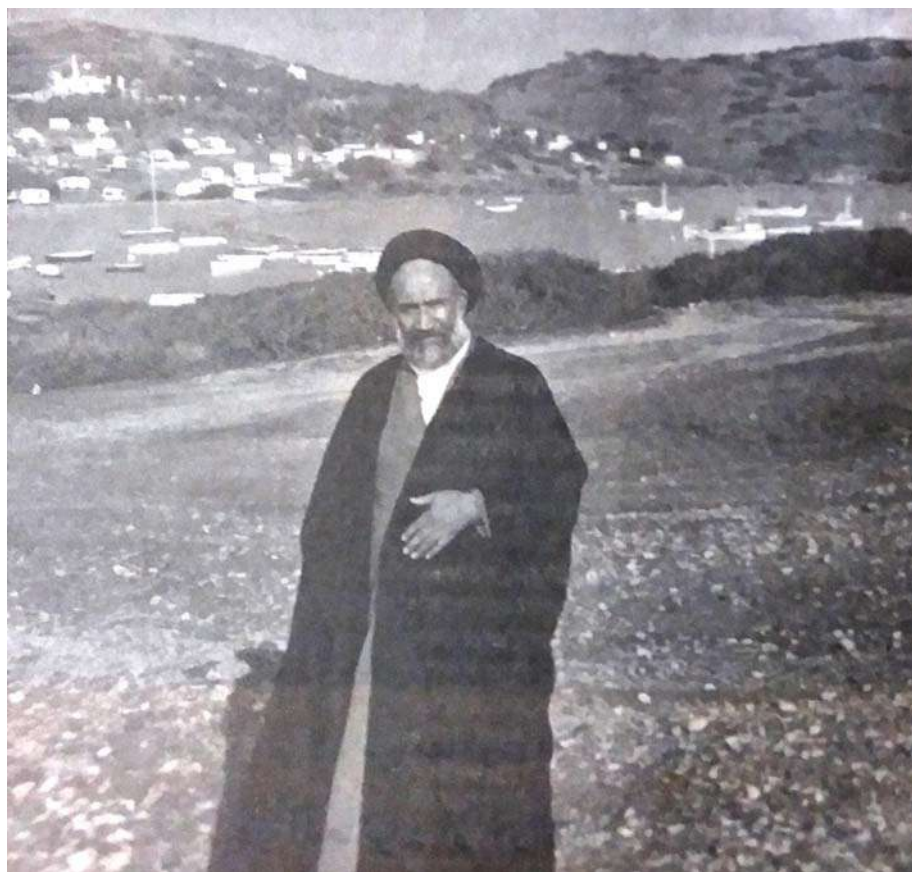
در پایان سخنرانها دوستان کنار یکدیگر به استراحت پرداختند.

از راست به چپ: «استقف بانولاتوس» از شخصیت‌های مهم کلیسای ارتدکس یونان - آقای دکتر احمدی یکی از روحانیین محترم و عضو شورای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - آقای دکتر «گریگوری» استاد دانشگاه - آقای سیما، حسین ابطحی (مؤلف کتاب) - آقای بسی آزار سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در یونان - آقای عمیما زنجانی از علمای و نماینده مجلس شورای اسلامی ایران - آقای لاریجانی نماینده مجلس شورای اسلامی ایران.



## مقایسه قرآن با انجیل

در یکی از روزهایی که در «یونان» بودم و سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس برگزار می‌شد، بحثی بین من و یکی از اسقفهای مسیحی درباره مقایسه قرآن با انجیل و مطالب آن با این، رخ داد که مناسب دیدم در پایان این کتاب آن را بیاورم.





من در یک فضای باز و باصفا در کنار ساحل  
 «آتن» به آن اسقف محترم گفتم: اگر بنا باشد قرآن یا  
 انجیل یکی از این دو کلام خدا باشد، بی‌انصافی  
 است که انجیل را کلام خدا بدانیم ولی قرآن را کلام  
 خدا ندانیم. مثلاً در خصوص حضرت «عیسی»  
 (علیه‌السلام) قرآن در این خصوص مطالبی دارد که  
 قابل مقایسه با آنچه در کتاب انجیل آمده است  
 نیست.

اسقف گفت: آیا ممکن است آنچه را که قرآن  
 درباره حضرت «عیسی» (علیه‌السلام) فرموده برای  
 من بخوانید تا آنها را با کتاب انجیل مقایسه کنیم. و  
 مسلم اگر آنها از مطالب کتاب انجیل در این  
 خصوص بهتر بود من قرآن را به عنوان کتاب آسمانی  
 قبول می‌کنم، زیرا وقتی قرآن بتواند حضرت «عیسی»  
 را بهتر از انجیل معرفی کند، معلوم است که این دو  
 کتاب هر دو از جانب خدای تعالی نازل شده است.  
 لذا من مقداری از آن آیات که در نظر بود در  
 آنجا برای او خواندم و در این کتاب تمام آن آیات را  
 دقیقاً از قرآن، با ترجمه آن نقل می‌کنم



باشد که شاید برای دیگران هم مفید واقع گردد و  
ختم این کتاب مسک شود.





## «آیاتی»

«از قرآن در خصوص حضرت عیسیٰ (علیه السلام)»

۱- اِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.  
وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ<sup>(۱)</sup>.  
۲- وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا.  
فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا.

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا.  
قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا.  
قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا.  
قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَى هَيْنٍ وَلَنَجْعَلَ لَآيَةً لِلنَّاسِ وَ  
رَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا.  
فَحَمَلَتْهُ فَاتَّبَعَتْهُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا.

۱ - سوره آل عمران آیات ۴۵ و ۴۶.



فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ  
هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا.

فَنَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا.  
وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا.  
فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي  
إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا.  
فَآتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا.  
يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا.  
فَإَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا.  
قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ اتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا.  
وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ  
مَادُمْتُ حَيًّا.

وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا.  
وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا.  
ذَلِكَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ.  
مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ  
لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.



وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ<sup>(۱)</sup>.

۳- وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ

وَمَعِينٍ<sup>(۲)</sup>

۴- وَإِذْ قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ<sup>(۳)</sup>.

۵- وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ<sup>(۴)</sup>.

۶- وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ.

وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا

۱- سوره مريم آيات ۱۶ تا ۳۶.

۲- سوره مؤمنون آیه ۵۰.

۳- سوره صف آیه ۶.

۴- سوره بقره آیه ۸۷.



بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَ أَحْيِ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ  
أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ  
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي  
حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا.  
إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ  
الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.  
رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ أَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ<sup>(۱)</sup>.

۷- إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ خُذْ هَؤُلَاءِ وَ أَتَّبِعْكَ إِلَى مَطَهْرٍ  
مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَى مَرْجِعِكُمْ فَاحْكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ  
تَخْتَلِفُونَ<sup>(۲)</sup>.

۸- إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ

۱ - سوره آل عمران آیات ۴۸ تا ۵۳.

۲ - سوره آل عمران آیه ۵۵.



قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ<sup>(۱)</sup>.

۹- وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ  
مَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي  
شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا.  
بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا.<sup>(۲)</sup>

۱۰- يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا  
الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقِيهَا إِلَى  
مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ  
إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا  
فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا.

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ  
وَمَنْ يَسْتَنْكِفَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا<sup>(۳)</sup>.

۱۱- لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ  
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ بْنَ

۱- سوره آل عمران آیه ۵۸.

۲- سوره نساء آیات ۱۵۷ و ۱۵۸.

۳- سوره نساء آیات ۱۷۱ و ۱۷۲.



مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ  
مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>(۱)</sup>.

۱۲ - وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ  
مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ  
مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ.

وَ يُخَكِّمُ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَّمْ يَخُكِّمْ بِمَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ فَاولئك همُ الْفَاسِقُونَ.<sup>(۲)</sup>

۱۳ - لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ  
الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ  
فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهِ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ<sup>(۳)</sup>.

۱۴ - مَا الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ  
أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ  
أَنِّي يُؤْفَكُونَ.<sup>(۴)</sup>

۱ - سوره مائده آیه ۱۷.

۲ - سوره مائده آیات ۴۶ و ۴۷.

۳ - سوره مائده آیه ۷۲.

۴ - سوره مائده آیه ۷۵.



۱۵ - لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ  
عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ<sup>(۱)</sup>.

۱۶ - إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى  
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ  
عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ  
الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ  
الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ  
بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا  
إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ.

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرِسُولِي قَالُوا أَمَنَّا  
وَاشْهَدْ بَأَنَّا مُسْلِمُونَ.

إِذْ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ  
يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.  
قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَّقْتَنَا وَ  
نَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ.



قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ  
تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ  
الْرَازِقِينَ.

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ  
عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ  
أُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا  
لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا  
فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ.

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ  
عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ  
أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ وَ إِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ.

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى  
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ  
ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ



شَیْءٌ قَدِیرٌ..<sup>(۱)</sup>

۱۷- الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>(۲)</sup>.

۱۸- إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ<sup>(۳)</sup>.

۱- سوره مائده آیات ۱۱۰ تا ۱۲۰.

۲- سوره اعراف آیه ۱۵۷.

۳- سوره توبه آیه ۱۱۱.



## «ترجمه»

### «آیات قرآن به زبان فارسی آزاد»

۱ - فرشتگان به مریم گفتند: خدا تو را به کلمه‌ای که از خدا است و نامش مسیح، عیسی بن مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان درگاه الهی است بشارت می‌دهد، در گهواره و بزرگسالی با مردم سخن می‌گوید و از صالحین است.

۲ - یاد کن در قرآن مریم را: آن زمانی که از خانه و اهل خود به طرف مکانی از شرق بیت المقدس برای عبادت روانه شد. در آنجا خود را مخفی نمود تا کسی او را پیدا نکند در این هنگام ما روح خودمان را به سوی او فرستادیم (منظور روح الامین یا روح القدس است) او خود را مانند بشری خوش تیپ و مستوی القامة متمثل و مجسم نمود.

مریم گفت: من پناه به خدا از شرّ تو می‌برم، اگر تو با تقوالباشی.

روح الامین گفت: من فرستاده خدای توام می‌خواهم به تو فرزندی بدهم که پاک و پاکیزه باشد.

مریم گفت: از کجا ممکن است برای من فرزندی باشد و حال آنکه تا امروز بشری مرا لمس نکرده و من کار



ناشایسته‌ای نکرده‌ام.

روح‌الامین گفت: همین‌طور است، خدایت فرموده: این کار بر من آسان است، من می‌خواهم آن پسر را نشانه‌ای از خودم برای مردم قرار دهم، او را مایه رحمت از طرف خودم در میان مردم بگذارم و این مسأله حتمی و تعیین شده است.

مریم همانجا به آن پسر حامله شد. ولی دیگر مریم نتوانست در بین مردم باشد و لذا برای خود مکانی دور از همه، در خلوت انتخاب کرد و در آنجا بسر می‌برد. پس از مدتی او را درد زایمان گرفت، او به زیر شاخه درخت خرمائی رفت و با خود می‌گفت: ای کاش من قبل از این مرده و فراموش شده بودم.

ناگاه آن پسر از زیر پاهایش به مادرش خطاب کرد که: ای مادر! محزون مباش! خدای تعالی از زیر پایت چشمه‌آبی جاری کرده و شاخه درخت خرما را تکان بده تا از آن برای تو رطب تازه بریزد، از آن خرما بخور و از آن چشمه آب بیاشام و چشم‌ت را روشن کن و هر کس از افراد بشر تو را دید و به تو اعتراض کرد با اشاره به او بگو: من برای خدا نذر کرده روزه‌دار باشم لذا امروز با انسانی حرف نمی‌زنم.

قوم «مریم» وقتی از جریان مطلع شدند و او را دیدند که



فرزندى در بغل گرفته به او گفتند: مریم، تو عجب کار بدی کردی. ای خواهر هارون! پدرت که مرد بدی نبود، مادرت هم زن بد عملی نبود.

مریم به کودک اشاره کرد (منظورش این بود که مطلب را از او سؤال کنید) آنها گفتند: چگونه می تواند طفلی که باید در گهواره باشد با ما سخن بگوید.

طفل گفت: من بنده خدایم، خدای تعالی به من کتاب عنایت کرده و مرا پیامبر قرار داده است.

هر کجا که باشم مرا پر برکت قرار داده و به من توصیه فرموده که: نماز بخوانم و زکات بدهم تا زنده ام، او به من دستور داده که به مادرم نیکی کنم و مرا یک ستمگر بدبخت قرار نداده است.

و سلامتی روح و جسم، در روزی که متولد شدم و روزی که می میرم و روزی که دوباره در قیامت زنده می شوم برای من بوده و خواهد بود.

این است کلام حقّ درباره عیسی بن مریم که مردم درباره اش تردید دارند.

این طور نیست که می گویند: خدا برای خود فرزندى



انتخاب کرده، پاک است خدا از چنین عملی، خدای تعالی اگر بخواهد چیزی را خلق کند می‌گوید: باش، هست. خدا پروردگار و خالق من و شما است پس او را عبادت کنید این است راه راست.

۳ - و ما پسر مریم و مادرش را نشانه عظمت خود قرار دادیم و آنها را در سرزمین مرتفعی که چشمه سارهای بسیاری داشت جا دادیم.

۴ - و زمانی که عیسی بن مریم به بنی اسرائیل گفت: من فرستاده خدا بسوی شمایم تورات که در مقابل شما است مرا تصدیق می‌کند. و من بشارت دهنده‌ام به پیامبری که بعد از من می‌آید و اسمش «احمد» است، ولی وقتی او از جانب خدا با معجزاتی مثل قرآن آمد مسیحیان گفتند: این سحر آشکارائی است.

۵ - و ما به موسی کتاب دادیم و بعد از او پیامبران دیگری نیز فرستادیم.

به «عیسی بن مریم» معجزات و ادله روشن عنایت کردیم و او را به وسیله «روح القدس» تأیید نمودیم.

آیا هر پیامبری که از جانب خدا دستوراتی که برخلاف



هوای نفس شما باشد بیاورد باید از حکمش سرپیچی کنید و از  
روی تکبر جمعی از آنها را دروغگو دانسته و جمع دیگر آنها را  
بکشید؟!!

۶- و خدا به عیسی تعلیم کتاب و حکمت و تورات و  
انجیل را داده و او فرستاده خدا است بسوی بنی اسرائیل. او  
می گوید: من از طرف خدا معجزه‌ای آورده‌ام و آن معجزه این  
است که از گِل، مجسمه مرغی را می سازم و در آن می دمم تا به  
اذن خدا پرنده‌ای بشود، کور مادرزاد و یا مبتلا به پستی را با اذن  
خدا شفا می دهم، مرده را زنده می کنم، به شما خبر می دهم که  
در منزلتان چه می خورید و چه ذخیره کرده‌اید. این معجزات  
نشانه حقانیت من است اگر شما مؤمن باشید.

من تصدیق می کنم آنچه را که قبل از من در کتاب تورات  
آمده و حلال می کنم بعض آنچه را که تورات بر شما حرام کرده  
و من از طرف پروردگارتان نشانه‌ای آورده‌ام پس تقوی پیشه  
کنید و اطاعت من را نمائید. خدای تعالی پروردگار من و شما است،  
او را بندگی کنید زیرا راه راست همین است.

زمانی که عیسی از قومش احساس کفر را نمود فرمود: مرا  
در راه بسوی خدا چه کسی از شما یاری می کند؟ حواریین



گفتند: ما تو را در راه خدا یاری می‌کنیم به خدای تعالی ایمان داریم شاهد باش که ما تسلیم تو هستیم.

خدایا! به آنچه تو نازل کرده‌ای ایمان داریم. و از پیامبران تو پیروی می‌کنیم. نام ما را در زمره شهدات دهندگان قرار بده.

۷ - زمانی که خدای تعالی به عیسی فرمود: ای عیسی! من تو را می‌گیرم و بسوی خود بالا می‌برم. و تو را پاک و منزّه از معاشرت با کافران می‌گردانم. و پیروان تو را بر کفار تا روز قیامت برتری می‌دهم. و سپس نزد من می‌آئید من در آن هنگام بین شما به عدالت درباره آنچه در آن اختلاف داشتید حکم خواهم کرد.

۸ - خلقت عیسی در نزد پروردگار همانند خلقت آدم است، همان گونه که خدای تعالی حضرت آدم را از خاک خلق فرمود سپس به آن گفت: باش، پس بود عیسی هم همین گونه خلق شده‌است.

۹ - و امّا سخن آنان که گفتند: ما مسیح «عیسی بن مریم» پیامبر خدا را کشته‌ایم. اشتباه کرده‌اند او را نه کشتند و نه او را به دار آویختند کسانی که در این موضوع اختلاف دارند هیچ کدام علم به واقع امر ندارند بلکه شک دارند و نهایتاً از گمانشان



پیروی می کنند و باید بدانند که او را یقیناً نکشته اند بلکه خدا او را به بالا نزد خود برده و خدا عزیز و حکیم است.

۱۰ - ای اهل کتاب در دیتان غلو نکنید! و نسبت به خدا جز آنچه حق است نگوئید. مسیح، «عیسی بن مریم» شخصی جز فرستاده خدا و کلمه الهی و روحی از عالم الوهیت نیست. پس به خدا و فرستادگانش ایمان بیاورید و نگوئید خدا سه تا است. بس کنید، این بهتر است برای شما، جز این نیست که خدا یکی است، منزّه است از اینکه فرزند داشته باشد، همه آنچه در آسمانها و زمین است ملک خدا است. و خدا برای نگهبانی و خلقت همه اینها کافی است.

مسیح استنکاف ندارد از اینکه بنده خدا باشد ملائکه مقرب هم همین گونه اند و کسی که از بندگی خدا ابا کند و تکبر نماید خدا آنها را در قیامت نزد خود محشور می کند.

۱۱ - کافرند کسانی که گفتند: خدا همان مسیح پسر مریم است، بگو: کیست که مالک چیزی از آنچه متعلق به خدا است باشد؟ خدا اگر بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و بلکه هر که در روی زمین هست همه را هلاک می کند. و آسمانها و زمین و آنچه در بین اینها است ملک خدا است. خلقت می کند آنچه را



بخواهد و او بر هر چیزی قادر است.

۱۲ - و از پی آن رسولان، «عیسی بن مریم» را در حالی که کتابهایی را که قبل از او نازل شده از قبیل تورات قبول داشت، فرستادیم و به او انجیل که در آن هدایت و نور و مطالبی که کتاب تورات را تصدیق می نمود نازل نمودیم، در انجیل هدایت و موعظه بود برای اهل تقوی.

و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن فرستاده و نازل نموده حکم کنند. و کسانی که به آنچه خدا نازل فرموده حکم نکنند فاسق اند.

۱۳ - کافر شدند کسانی که گفتند: خدا همان مسیح پسر مریم است. مسیح رو به بنی اسرائیل کرد و گفت: ای بنی اسرائیل عبادت کنید خدا را که پروردگار من و شما است زیرا کسی که مشرک شود خدای تعالی بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش جهنم است. و برای ستمگران کمک و یارانی نمی باشد.

۱۴ - مسیح پسر مریم کسی جز پیامبری که قبل از او پیامبرانی آمده اند نمی باشد. و مادرش راستگو است آنها (مانند سائر مردم) غذا می خورند، نگاه کن بین چگونه نشانه های صحیحی برای آنها بیان می شود و آنها چگونه دروغ می بندند.



۱۵ - در زبان داود و عیسی بن مریم بر کسانی که کافر شدند از بنی اسرائیل لعنت است این بخاطر این است که آنها معصیت کردند و از حدّ خود تجاوز نمودند.

۱۶ - زمانی که خدای تعالی فرمود: ای عیسی بن مریم! به یاد بیاور نعمت مرا بر خودت و بر مادرت آن وقتی که به وسیله «روح القدس» تو را کمک کردم، از کودکی و در بزرگسالی با مردم سخن می گفتمی و به تو خدای تعالی حکمت و کتاب و تورات و انجیل تعلیم فرمود. و به اذن من از گل مجسمه پرنده‌ای را می ساختی و در آن می دمیدی که آن پرنده‌ای می شد و می پرید. و به اذن من کور مادرزاد و پیری را شفا می دادی. و به اذن من مرده را از قبر بیرون می آوردی (و زنده می کردی) و من ستم بنی اسرائیل را از تو بگرداندم و مانع شدم آن زمانی که تو با معجزات نزد آنها رفتی و کسانی که از آنها کافر شدند گفتند: این معجزات سحر آشکارائی است.

و ما به حواریین تو وحی کردیم بر اینکه ایمان به من و فرستادگان من بیاورند گفتند: ایمان آوردیم شاهد باش که مامسلمانیم.

زمانی که حواریین گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا خدایت



می تواند برای ما مائدهای از آسمان نازل کند عیسی گفت: از خدا  
بترسید اگر شما ایمان دارید.

حواریین گفتند: ما منظورمان از خواستن مائده این است  
که از آن بخوریم و قلوبمان مطمئن شود و بدانیم که تو، به ما  
راست می گوئی. و ما از شاهدین رسالت تو باشیم.

عیسی بن مریم عرض کرد: خدایا! پروردگارا بر ما  
مائدهای از آسمان نازل کن، تا برای اوّل و آخر ما عید باشد. و  
نشانه ای از تو باشد. و این مائده را روزی ما گردان، زیرا تو  
بهترین رزق دهنده گانی.

خدا فرمود: من آن مائده را بر شما نازل می کنم، اما اگر از  
شما کسی بعد از آن کافر شود من او را عذابی خواهم کرد که  
احدی را آنچنان عذاب نکرده باشم.

و زمانی که خدای تعالی فرمود: ای عیسی بن مریم! آیا تو،  
به مردم گفته ای که من و مادرم را دو خدا جدای از خدای  
حقیقی در نظر بگیرید و ما را هم خدا بدانید؟!

حضرت عیسی با کرنش مخصوصی عرض کرد: تو پاکی،  
تو منزّهی که شریک داشته باشی، به من نمی رسد سخنی را  
درباره خود بگویم که حقیقت نداشته باشد، اگر گفته باشم حتماً



تو می دانی، آنچه در قلب من خطور می کند تو می دانی. و من آنچه را که تو می خواهی نمی دانم تو خودت به ذات علام الغیوبی یعنی بسیار دقیق و عمیق از غیب اطلاع داری.

من جز آنچه را که تو به من امر کرده ای به مردم نگفته ام، من فقط به آنها گفته ام: خدائی را که آفریدگار و پروردگار من و شما است بپرستید. و تو تا وقتی من میان آنها بودم بر اعمالم شاهد بودی و از زمانی که مرا از میان آنها به نزد خود آورده ای خودت مراقب آنها بوده ای و تو بر هر چیزی شاهد و گواهی اگر عذابشان کنی آنها بندگان تو هستند اختیارشان را داری و اگر آنها را ببخشی تو ذاتاً عزیزی و خودت حکیم و حاکم خوبی هستی. خدای تعالی فرمود: امروز (که روز قیامت است) تنها برای راستگویان درستی و صداقتشان نافع است. برای آنها (بخاطر تو) بهشتی که در زیر آن نهرها جاری است و همیشه در آن می مانند در نظر گرفته شده. خدا از آنها راضی است و آنها هم از خدا راضی هستند. و این رستگاری بزرگی است.

ملک خدا است سلطنت آسمانها و زمین و آنچه در بین آنها است و او بر هر کاری قدرت دارد.

۱۷ - کسانی که پیروی می کنند از رسول درس نخوانده ای



که خصوصیات او در تورات و انجیلی که نزد آنها هست نوشته شده، آنها را به خوبیها امر می کند و از بدیها نهی می نماید و چیزهائی که پاک است برای آنها حلال کرده ولی چیزهائی که نجس است برای آنها حرام نموده و از آنها رنجها و ناراحتیها را بر می دارد و غلها و پابندهائی که خودشان بوسیله رسوماتشان بر گردن و پاهایشان گذاشته اند از بین می برد، بنابراین کسانی که به او ایمان بیاورند و عزّت و احترام او را حفظ کنند و او را یاری نمایند و از قرآنی که همه اش نور است و با او نازل گردیده پیروی کنند آنها رستگارانند.

۱۸ - خدای تعالی جان و مال مؤمنین را به بهاء بهشت می خرد تا آنها در راه خدا جنگ کنند و بکشند و کشته شوند این وعده حقّ الهی است که در تورات و انجیل و قرآن آمده و بشارت بده به کسی که به عهد خود با خدای تعالی در خصوص این بیعت وفا کند. زیرا این همان فوز و رستگاری بزرگ است.



«ترجمہ»

«آیات قرآن به زبان انگلیسی»

(Q' Our Apostle Mohammad!) when said  
the Angels ``O' Mary! Verily, God giueth  
thee the glad tidings of a Word from Him;  
whose naem shall be Messiah, Jesus, son of  
Mary; illustrious in this world and in the  
Hereafter and (*shallbe*) of those near  
(to God' '). 44 al-e-imran

``And he shall speak to men  
(*alike when*) in cradle and when aged; and  
(*heshall be*) of the righteous ones. ' ' 45 al-e-imran

And mention in the Book (*Qvr'an*) about  
Mary (*also*) when she withdrew herself form  
her family (*in the house*) eastward, 16 Maryam

Then she took a veil (*couer herself*) from  
them; then sent We unto her Our Spirit, then  
he (*the Spirit*) appeared unto her a man sound



(in form). 17 Maryam

Said she: ``Verily I fly for refuge in The  
Beneficent (*God*) from thee, (*be gone*  
*from me*) if thou art God-fearing'' 18 Maryam

Said he: ``I am only a messenger  
(*Angel*) of thy Lord: so that I give to thee a son  
purified.'' 19 Maryam

Said she: ``How can there be unto me a  
son while hath not touched me (*any*) man and  
nor was I unchaste!'' 20 Maryam

Said he: ``So shall it be; thy Lord sayeth  
It is easy for Me, and that We will make him  
a Sign (*miracle*) (*of Ours*) unto the people and  
a Mercy form Us; It is a matter  
(*already*) decreed.'' 21 Maryam

So she conceived him and retired with



him (*away from her people*) to a remote place.

22 Maryam

And the throes (*of child birth*) forced her to betake herself unto the trunk of a palm - tree. She said: "Oh! Had I died ere this, and had been lost in oblivion totally forgotten!"

23 Maryam

Then (*a voice*) called out unto her from beneath her; "Grieve not thou, verily thy Lord hath caused from beneath thee, (*to flow*) a stream!" 24 Maryam

And shake towards thee the trunk of the palm - tree, it will drop on thee dates fresh (*and*) ripe. 25 Maryam

Then eat and drink and refresh the eye. Then if thou seest any man say: "Verily I have vowed unto the Beneficent (*God*) a fast



so never shall I speak today unto any man."

26 Maryam

And she came with him unto her people carrying him (*with her*). Said they: "O' Mary! Indeed thou hath come with an unusual thing!" 27 Maryam

"O' sister of Aaron! thy father was not a bad man, nor was thy mother an unchaste woman!" 28 Maryam

But she pointed unto him. They said: "How can we speak unto one who is (*yet*) a child in the cradle." 29 Maryam

He (*jesus miraculously*) said: "Verily I am a servant of God; He hath given me a Book (*Evangel*) and made me a prophet!" 30 Maryam

"And He hath made me blessed wherever



I be and He hath enjoined on me prayer and  
poor - rate so long as I live!" 31 Maryam

"And (*to be*) duteous to my mother, and  
He hath not made me insolent unblest!"  
32 Maryam

"And peace be on me the day I was born,  
and the day I die, and the day I am raised  
alive"! 33 Maryam

This is Jesus, the son of Mary; (*this is*) a  
statement of the truth about which they  
dispute. 34 Maryam

It beseemeth not God that He should  
take unto Himself a son, glory be to Him;  
when a matter is decreed, He only sayeth  
unto it 'Be' and it is. 35 Maryam

And verily God is my Lord and your



Lord, so worship (*only*) Him; this is the right way. 36 *Maryam*

And made We the Son of Mary and his Mother a Sign, and We gave them a refuge for both on a high land, quiet, secure and watered with springs. 50 *AL-MU'MINUN*

And when said Jesus, son of Mary: "O' ye the children of Israel! Verily I am an apostle of God unto you, confirming what is before you of the Torah and bearing (*unto you*) the glad tidings of an Apostle who shall come after me, his name being Ahmed (*i.e. Muhammad*);" and when came he (*Ahmed*) unto them said they: "This is a manifest Sorcery!" 6 *AS-SAFF*

And most certainly We gave Moses the scripture and We caused him to be succeeded with apostles; We gave Jesus, the son of



Mary, clear evidences and aided him with the Holy Spirit. What! (*and yet*) whenever (*thereafter*) an apostle came unto you with that which your selves desired not, swellwd ye with pride, some (*of the apostles*) ye b e l i e d (*as imposters*) and some ye slew. 87 AL-BAQARAH

And He will teach him the Book and the Wisdom, and the Torah and the Evangel.

48 AL - e - IMRAN

And (*appoint him*) an Apostle to the children of Israel (*and who will declare*) "that now I have come unto you with a sign from your Lord; Out of clay will I make for you like the figure of a bird, and I will breathe into it, and it shall become a flying bird by God's permission; and I shall heal the blind and the leper and will raise the dead to life by God's permission; and I will declare to you what ye eat and what ye store up in your houses;



Verily, in this will be a sign for you if ye  
(indeed) be believers.” 49 AL - e - IMRAN

“And (*I come*) confirming that which is  
before me of the Torah: and to allow you  
some of that which has been forbidden unto  
you: And I come unto you with a sign from  
your Lord: take shelter in God, and obey  
me.” 50 AL - e - IMRAN

“Verily God (*HF*) is my Lord and (*also*)  
your Lord: therefore worship (*only*) Him;  
This is the Right Path.” 51 AL - e - IMRAN

And when Jesus perceived disbelief on  
their part: said he, “Who are (*there*) to be my  
helpers towards God?” The disciples said  
“We are the helpers (*towards*) God! We  
believe in God! and bear thou witness that  
we are the ‘Muslims’ unto Him.”  
52 AL - e - IMRAN



(*And prayed they unto God saying*) "O' Our Lord! we believe in what Thou hast sent down and we follow the Apostle (*Jesus*); record us then with those who bear witness (*unto him*)."

53 AL - e - IMRAN

Recall (*O' Our Apostle Muhammad!*) when God said: "O' Jesus, I will take thee away and lift thee up unto Me; and purify thee of those that disbelieve, and make those who follow thee triumphant upon those who disbelieve, to the Day of Resurrection: then unto Me shall be your return and I will judge between you in what ye differ."

55 AL - e - IMRAN

Verily, similitude of Jesus with God is as the similitude of Adam; He created him out of dust then said He unto him BE, and he became.

58 AL - e - IMRAN



And for their saying (*in boast*) “Verily we have slain the Messiah, Jesus, son of Mary, the Apostle of God;” But they slew him not, and they crucified him not, but (*it*) became dubious unto them; and indeed those who differ therein are only in doubt about it they have no knowledge about the (*real*) matter, pursuing (*only*) a conjecture; and certainly, they slew him not. 157 AN-NISA

Nay! God raised (*lifted*) him up unto Himself; And God is Mighty, Wise!  
158 AN-NISA

O’ People of the Book! overstep not in your religion, and say not upon God except the Truth; Verily, Verily, the Messiah Jesus, son of Mary, is only an apostle of God and His Word which He conveyed unto Mary, and a Spirit (*Proceeding*) from Him; Believe therefore in God, and His apostles, and say



not (*that there are*) Three (*gods*); Desist! It is good for you; Verily, Verily, God! (*there is*) Only One God! Far be it from His (*Absolute*)-Purity that there be for Him a son; His is whatever is in the Heavens and whatever is in the Earth; God is sufficient as a Protector. 171 AN-NISA

Never doth Christ disdain to be a slave unto God, nor do the Angels (*who are*) near (*unto Him*); and whosoever disdaineth against His service, and prideth, He will gather them unto Him, all together. 172 AN-NISA

Certainly infidels are they who say; "Verily, God, He is Messiah, son of Mary;" Say (*O' Our Apostle Muhammad!*) "Who could hold anything against God, if He intendeth to destroy the Messiah son of Mary and his mother and (*all*) that is in the earth together? for unto God belongeth the dominion of the



heavens and the earth and what is between them two; He createth what He willeth; Verily, God over all things hath power."

17 AL-MAIDAH

And We caused to follow in their footsteps, Jesus son of Mary, confirming the law (*The Torah*) which was before him, and We gave him the Evangel in which was guidance and light and confirmation of what was before it of the Torah, and a guidance and an admonition for those who guard (*against evil*). 46 AL-MAIDAH

And let the people of the Evangel judge according to what God hath sent down in it; and whoever judgeth not by what God hath sent down; these then are the transgressors.

47 AL-MAIDAH

Certainly infidels are they who say;



“Surely God, He is the Messiah son of Mary;” and the Messiah (*himself hath only*) said: “O’ Children of Israel! worship ye (*only*) God, my Lord and your Lord, Surely whoever associateth (*aught*) with God, then God forbiddeth to him the garden (*of bliss*) and his abode (*shall be*) the (*Hell*) fire; and there shall not be for the unjust any helpers.

72 AL-MAIDAH

The Messiah, son of Mary, is but an apostle; indeed apostles before him have passed away; and his mother was a Truthful Lady; (*like other men and women*) they both used to eat food; Behold! How clear We make for them the signs, and yet behold (*how*) they are turned away (*from the right path*). 75 AL-MAIDAH

Cursed were those who believed not, from among the children of Israel, by the tongue of



David and Jesus, son of Mary; this because they disobeyed and used to exceed the limits.

78 AL-MAIDAH

When God shall say: "O' Jesus, son of Mary! Remember my favour on thee and on thy Mother, when I strengthened thee with the Holy Spirit, that thou didst speak to the people (*when still a babe*) in the cradle and when grown up, and when I taught thee the Book, and the Wisdom and the Torah and the Evangel, and when thou didst make of clay like the figure of a bird, by My leave and then didst breathe into it and it became a bird by My leave and didst heal the (*born*) blind and the lepers by My leave; and when thou didst bring forth the dead (*from their graves*) by My leave; and when I did withhold the children of Israel from (*hurting*) thee when thou hadst come to them with clear signs (*miracles*) but then those who disbelieved



among them said, "this is nothing but clear sorcery." 110 AL-MAIDAH

And when I, revealed unto the disciples, "Believe in Me and Mine Apostle (*fesus*)" said they, "We believe, and bear Thou witness that we are Muslims (*those who submit ourselves to God*). 111 AL-MAIDAH

And (*recollect*) when said the Disciples "O' Jesus, son of Mary! "Is thy Lord able that He sendeth down unto us (*a*) table furnished with food from heaven?" said (*fesus*) "Fear ye God! if ye be (*true*) believers (*in Him*)."  
112 AL-MAIDAH

Said they, "We desire to eat from it and that our hearts be satisfied and that we may know that thou hast indeed spoken the truth to us and we may be of the witnesses upon it.  
113 AL-MAIDAH



Said Jesus, son of Mary, "O' God! Our Lord! send down unto us from heaven a table set with food that it may be for us a recurring happiness, to the first of us and the last of us, and a sign from Thee; and provide us (*with our*) sustenance and Thou art the Best of the Sustainers." 114 AL-MAIDAH

Said God, "Verily I will send it down unto you, but whoever shall disbelieve thereafter among you, surely will I chastise him with a chastisement, which I will not chastise any one in the worlds, with (*the like of it*)."  
115 AL-MAIDAH

And when God will say (*asking*) "O' Jesus son of Mary! didst thou say to the people, take me and my mother two gods beside God?" he will say (*in reply*) "Glory be to Thee, it was not for me to say that which I



had no right to say; If I had said it Thou wouldst have indeed known it; Thou knowest whatever is in my self and I know not what is in Thine Self; Verily Thou art the Great Knower of all the unseen." 116 *AL-MAIDAH*

"I did not say to them aught except what Thou didst command me with; that worship God my Lord and your Lord," and I was a witness over them so long as I was among them; when Thou didst take me up, Thou wert the Watcher over them; and Thou art witness over all things." 117 *AL-MAIDAH*

"Should Thou chastise them, Verily they are Thy servants; and should Thou forgive them, Verily Thou art the Mighty the Wise."

118 *AL-MAIDAH*

God will say: "This is the day when shall benefit the truthful ones; their truth for them



shall be gardens beneath which rivers flow to abide therein for ever; God is well pleased with them and they are well pleased with God; This is the great achievement.

119 AL-MAIDAH

God's is the kingdom of the heavens and the earth and what (*all*) is in them; and He (*alone*) hath the power over all things.

120 AL-MAIDAH

Those who follow the Apostle, Prophet the 'Ummi' whom find they, written (*in their own scriptures*) with them, in the Law and the Evangel; commandeth he unto them (*what is*) good and he preventeth them from evil, and maketh he lawful unto them the good things, and he prohibiteth unto them the bad (*impure*) ones, and he removeth from them their burden and the yokes which were upon them; so those who believe in him, and



honour him, and help him, and follow the  
Light which hath been sent down with him,  
These are they who are the successful ones.

157 AL-A'RAF

Verily God hath purchased from the  
faithful their selves and their ptoperties, for  
theirs (*in return*) be the Garden (*of Paradise*);  
They fight in God's way, and they slay and  
they are slain; (*this is*) a promise binding on  
Him in the 'Torah' and the Evangel and the  
Qur'an; And who is (*there*) more faithful to  
his covenant than God? Therefore rejoice ye  
in the bargain that ye have transacted; and  
that, it is the great achievement.

111 AL-BARA'AT



## حضرت

### عیسی علیه السلام در کتاب انجیل

ما به خاطر آنکه بهترین ترجمه‌های انجیل را  
نقل کنیم و خود را از تعصب خالی نمائیم با زحمت  
بسیار به ترجمه‌ای از انجیل دست یافتیم که در  
مقدمه‌اش ناشرش می‌گوید:

از مدتها قبل احساس می‌شد که ترجمه جدیدی  
از عهد جدید (منظور انجیل است) به زبان فارسی  
مورد نیاز می‌باشد. زیرا ترجمه‌ای که فعلاً مورد  
استفاده قرار دارد در حدود یک قرن قبل انجام شده و  
شکی نیست که در این مدت در زبان فارسی تغییرات



زیادی به عمل آمده است.

ترجمه حاضر تحت نظارت انجمن کتاب  
مقدس انجام شده و برای انجام آن عده‌ای از  
صاحب‌نظران همکاری فرموده و از معتبرترین متون  
اصلی یونانی استفاده کرده‌اند.

### خبر تولد عیسی

در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به شهری به نام  
ناصره که در استان جلیل واقع است به نزد دختری که در عقد  
مردی به نام یوسف (از خاندان داود) بود فرستاده شد. نام این  
دختر مریم بود. فرشته وارد شد و به او گفت: «سلام، ای کسی  
که مورد لطف هستی، خداوند با تو است». اما مریم از آنچه  
فرشته گفت، بسیار مضطرب شد و ندانست که معنی این سلام  
چیست.

فرشته به او گفت: «ای مریم، نترس زیرا خداوند به تو  
لطف فرموده است. تو آبستن خواهی شد و پسری خواهی زائید  
و نام او را عیسی خواهی گذارد. او بزرگ خواهد بود و به پسر  
خدای متعال ملقب خواهد شد، خداوند، تخت پادشاهی جدش  
داود را به او عطا خواهد فرمود. او تا به ابد بر خاندان  
یعقوب فرمانروائی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایانی  
نخواهد داشت».



مریم به فرشته گفت: «این چگونه ممکن است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته‌ام». فرشته به او پاسخ داد: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد»<sup>(۱)</sup>.

### تولد عیسی

در آن روزها به منظور یک سرشماری عمومی در سراسر دنیای روم فرمانی از طرف امپراطور «اوغسطس» صادر شد. وقتی دور اول این سرشماری انجام گرفت «کرینیوس» فرماندار کل سوریه بود. پس برای انجام سرشماری هر کس به شهر خود می‌رفت. و یوسف نیز از شهر ناصره جلیل به یهودیه آمد تا در شهر داود که بیت لحم نام داشت نام نویسی کند، زیرا او از خاندان داود بود. او مریم را که در این موقع در عقد او و باردار بود همراه خود برد. هنگامی که در آنجا اقامت داشتند وقت تولد طفل فرا رسید. و مریم اولین فرزند خود را که پسر بود به دنیا آورد. او را در قنذاق پیچیده در آخوری خوابانید، زیرا در مسافرخانه جائی برای آنان نبود.

۱ - انجیل لوقا فصل اول.



## چوپانان و فرشتگان

در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در وقت شب از گله خود پاسداری می کردند. فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند. اما فرشته گفت: «نترسید، من برای شما مرده ای دارم: شادی بزرگی شامل حال تمامی مردم این قوم خواهد شد.

امروز در شهر داود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند است. نشانی آن برای شما این است که نوزاد را در قنடை پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.» ناگهان با آن فرشته فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را با حمد و ثنا می سرائیدند و می گفتند:

«خدا را در برترین آسمانها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد پسند او می باشد صلح و سلامتی باد.» بعد از آنکه فرشتگان آنان را ترک کردند و به آسمان رفتند، چوپانان به یکدیگر گفتند: «بیائید، به بیت لحم برویم و واقعه ای را که خداوند ما را از آن آگاه ساخته است ببینیم.»

پس با شتاب رفتند و مریم و یوسف و آن کودک را که در آخور خوابیده بود پیدا کردند. وقتی کودک را دیدند آنچه را که درباره او به آنان گفته شده بود نقل کردند. همه شنوندگان از آنچه



چوپانان می گفتند تعجب می کردند. اما مریم تمام این چیزها را به خاطر می سپرد و درباره آنها عمیقاً می اندیشید. چوپانان برگشتند و به خاطر آنچه شنیده و دیده بودند خدا را حمد و سپاس می گفتند، زیرا آنچه به ایشان گفته شده بود اتفاق افتاده بود.

### نامگذاری عیسی

یک هفته بعد که وقت ختنه کودک فرا رسید او را عیسی نامیدند، همان نامی که فرشته قبل از جایگزینی او در رحم تعیین کرده بود.

### تقدیم عیسی در معبد بزرگ

پس از آنکه ایّام تطهیر را مطابق شریعت موسی پشت سر گذاردند کودک را به اورشلیم آوردند تا به خداوند تقدیم نمایند. چنانکه در شریعت خداوند نوشته شده است: نخست زاده ذکور از آن خداوند شمرده می شود. و نیز طبق آنچه در شریعت خداوند نوشته شده است قربانی ای تقدیم کنند، یعنی یک جفت قمری و دو جوجه کبوتر.

در اورشلیم مردی به نام شمعون زندگی می کرد که درستکار



و پارسا بود و در انتظار سعادت اسرائیل بسر می برد و روح القدس بر او بود. از طرف روح القدس به او الهام رسیده بود که تا مسیح موعود خداوند را نبیند نخواهد مرد. او به هدایت روح به داخل معبد بزرگ آمد و هنگامی که والدین عیسی، طفل را به داخل آوردند تا آنچه را که طبق شریعت مرسوم بود انجام دهند، شمعون، طفل را در آغوش گرفت و خدا را حمدکنان گفت:

«حال ای خداوند، بر طبق وعده خود بندهات را به سلامت مرخص فرما.

چون چشمانم نجات تو را دیده است،  
نجاتی که تو در حضور همه ملتّها ساخته ای،  
نوری که افکار ملل بیگانه را روشن سازد و مایه سربلندی قوم تو اسرائیل گردد».

پدر و مادر آن طفل از آنچه درباره او گفته شد متحیر گشتند. شمعون بر آنان دعای خیر کرد و به مریم، مادر عیسی، گفت: «این کودک برای سقوط و یا سرافرازی بسیاری در اسرائیل تعیین شده است و آیتی است که در رد کردن او افکار پنهانی عدّه کثیری آشکار خواهد شد و در دل تو نیز خنجری فرو خواهد رفت».



## بازگشت به ناصره

بعد از آنکه همه کارهائی را که در شریعت خداوند مقرر است انجام دادند، به شهر خود، ناصره جلیل برگشتند. و کودک، سرشار از حکمت، بزرگ و قوی می‌گشت و لطف خدا با او بود.

## عیسای جوان در معبد بزرگ

والدین عیسی همه ساله برای عید فصح به اورشلیم می‌رفتند. وقتی او به دوازده سالگی رسید آنها طبق معمول برای آن عید به آنجا رفتند. وقتی ایّام عید به پایان رسید و آنان عازم شهر خود شدند، عیسای جوان در اورشلیم ماند ولی والدینش این را نمی‌دانستند و به گمان اینکه او در بین کاروان است یک روز تمام، به سفر ادامه دادند و آن وقت در میان دوستان و خویشان خود به جستجوی او پرداختند. چون او را پیدا نکردند ناچار به اورشلیم برگشتند تا به دنبال او بگردند. بعد از سه روز او را در معبد پیدا کردند در حالی که در میان معلّمان نشسته بود و به آنان گوش می‌داد و از ایشان سؤال می‌کرد. همه شنوندگان از هوش او و از پاسخهای که می‌داد در حیرت بودند. والدین عیسی از دیدن او تعجب کردند و مادرش به او گفت: «پسرم، چرا با ما چنین کردی؟ من و پدرت با نگرانی زیاد دنبال



تومی گشتیم».

او گفت: «برای چه دنبال من می گشتید؟ مگر نمی دانستید که من موظف هستم در خانه پدرم باشم؟» اما آنان نفهمیدند که مقصود او چیست. عیسی با ایشان به ناصره بازگشت و مطیع آنان بود. مادرش همه این چیزها را در دل خود نگه می داشت. عیسی در حکمت و قامت رشد می کرد و مورد پسند خدا و مردم بود.<sup>(۱)</sup>

### شجره نامه عیسی

وقتی عیسی مأموریت خود را شروع کرد در حدود سی سال از عمرش گذشته بود و بر حسب تصوّر مردم او پسر یوسف بود.<sup>(۲)</sup>

### آزمایشها

عیسی پر از روح القدس از رود اردن بازگشت و روح خدا او را به بیابان برد و در آنجا ابلیس او را مدتّ چهل روز با وسوسه ها آزمایش می کرد. او در آن روزها چیزی نخورد و سرانجام گرسنه شد.

ابلیس به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی به این سنگ بگو تا

۱ - انجیل لوقا فصل دوم.

۲ - انجیل لوقا فصل سوم.



نان شود». عیسی پاسخ داد: «در کتاب مقدس نوشته شده است که انسان فقط با نان زندگی نمی‌کند». بعد ابلیس او را به بالای کوهی برد و در یک چشم بهم زدن تمام ممالک دنیا را به او نشان داد و گفت: «تمامی اختیارات این قلمرو و همه شکوه و جلال آن را به تو خواهم بخشید زیرا در اختیار من است و من می‌توانم آن را به هر که بخواهم ببخشم. اگر تو مرا سجده کنی صاحب همه آن خواهی شد.» عیسی به او پاسخ داد: «در کتاب مقدس نوشته شده است: تو باید خداوند، خدای خود را سجده کنی و فقط او را خدمت نمائی».

سپس ابلیس او را به اورشلیم برد و بر کنگره معبد بزرگ قرار داد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پائین بینداز، زیرا در کتاب مقدس نوشته شده است: او به فرشتگان خود فرمان خواهد داد تا تو را محافظت کنند. و نیز نوشته شده است: تو را در دستهای خود نگاه خواهند داشت، مبادا پایت به سنگی بخورد».

عیسی به او پاسخ داد: «کتاب مقدس همچنین می‌گوید که نباید خداوند، خدای خود را بیازمائی». ابلیس پس از آنکه تمام وسوسه‌های خود را به پایان رسانید مدتی او را تنها گذاشت<sup>(۱)</sup>.

۱ - انجیل لوقا فصل چهارم. همچنین در انجیل متی و مرقس این مضامین آمده است.



## آغاز کار عیسی در جلیل

عیسی با قدرت روح القدس به استان جلیل برگشت و شهرت او سرتاسر آن ناحیه را پر ساخت. در کنیسه‌های آنان تعلیم می‌داد و همه مردم او را می‌ستودند<sup>(۱)</sup>.

## حکم اعدام عیسی

در هر عید فصیح پیلاتس بنا به خواهش مردم یک زندانی را آزاد می‌کرد در آن زمان مردی معروف به «برابا» همراه با یاغیانی که در یک آشوب مرتکب قتل شده بودند در زندان بود. مردم پیش پیلاتس رفتند و از او خواهش کردند که طبق معمول این کار را برایشان انجام دهد. پیلاتس از ایشان پرسید: «آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برای شما آزاد کنم؟» چون او می‌دانست که سران کاهنان از روی حسد عیسی را تسلیم کرده‌اند. اما سران کاهنان مردم را تحریک کردند که از پیلاتس بخواهند «برابا» را برایشان آزاد کند. پیلاتس بار دیگر به ایشان گفت: «پس با مردی که او را پادشاه یهودیان می‌نامید چه کنم؟» آنها در جواب با فریاد گفتند: «مصلوبش کن.» پیلاتس پرسید:

۱ - انجیل لوقا فصل چهارم. این مضمون در انجیل متی و مرقس نیز آمده است.



«چرا؟ مرتکب چه جنایتی شده است؟» اما آنان شدیدتر فریاد می کردند «مصلوبش کن!» پس پیلاطس که مایل بود مردم را راضی نگه دارد «برابا» را برای ایشان آزاد کرد و دستور داد عیسی را تازیانه زده، بسپارند تا مصلوب شود.

### سربازان عیسی را استهزا می کنند

سربازان عیسی را به داخل محوطه کاخ فرمانداری بردند و تمام گروهان را جمع کردند. آنها لباس ارغوانی به او پوشانیدند و تاجی از خار بافته روی سرش گذاشتند و به او ادای احترام کرده می گفتند: «سلام، ای پادشاه یهود.» و با چوب بر سرش می زدند و به رویش آب دهان می انداختند، بعد پیش او زانو زده و تعظیم می کردند. وقتی استهزاهای تمام شد، آنها لباس ارغوانی را از تنش در آورده و لباسهای خودش را به او پوشانیدند و او را بیرون بردند تا مصلوب کنند.

### عیسی به روی صلیب

آنان شخصی را به نام شمعون، اهل قیروان، پدر اسکندر و روفس که از صحرا به شهر می آمد و از آنجا می گذشت مجبور کردند که صلیب عیسی را حمل کند. آنها عیسی را به محلی به نام «جلجتا» که معنی آن «محل کاسه سر است» بردند. به او شرابی



دادند که آمیخته به داروئی به نام «مر» بود، اما او آن را قبول نکرد. پس او را بر صلیب میخکوب کردند و لباسهایش را بین خود تقسیم نمودند و برای تعیین سهم هر یک قرعه انداختند. ساعت نه صبح بود که او را مصلوب کردند. تقصیر نامه‌ای برایش به این مضمون نوشتند «پادشاه یهودیان».

دو نفر راهزن را نیز با او مصلوب کردند یکی در طرف راست و دیگری را در سمت چپ او. (بدین طریق آن کلامی که می‌گوید: از خطاکاران محسوب شد، تحقق یافت).

کسانی که از آنجا می‌گذشتند سرهایشان را تکان می‌دادند و با اهانت به عیسی می‌گفتند: «ای کسی که می‌خواستی معبد را خراب کنی و در سه روز بسازی حالا از صلیب پائین بیا و خودت را نجات بده.» همچنین سران کاهنان و ملایان یهود نیز او را مسخره می‌کردند و به یکدیگر می‌گفتند: «دیگران را نجات می‌داد اما نمی‌تواند خود را نجات دهد. حالا این مسیح، پادشاه اسرائیل، از صلیب پائین بیاید تا ما ببینیم و به او ایمان بیاوریم.» کسانی هم که با او مصلوب شده بودند به او اهانت می‌کردند.

### مرگ عیسی

در وقت ظهر، تاریکی تمام آن سرزمین را فرا گرفت و تاسه



ساعت ادامه داشت در ساعت سه بعد از ظهر عیسی با صدای بلند گفت: «ایلی، ایلی لما سبقتنی.» یعنی: «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» بعضی از حاضران وقتی این را شنیدند گفتند: «نگاه کنید، او الیاس را صدا می‌کند.» یکی از آنها دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرد و روی نی گذاشت و به او داد تا بنوشد و گفت: «بگذارید ببینیم آیا الیاس می‌آید او را پائین بیاورد؟» عیسی فریاد بلندی کشید و جان داد.<sup>(۱)</sup>

### کفن و دفن عیسی

غروب همان روز که روز تدارک یعنی پیش از روز سبت بود یوسف از اهل رame که یکی از اعضاء محترم شورای یهود و در انتظار ظهور پادشاهی خدا بود با کمال شهامت پیش پیلطس رفت و جسد عیسی را از او خواست. پیلطس باور نمی‌کرد که عیسی به این زودی مرده باشد. پس به دنبال سروانی که مأمور مصلوب کردن عیسی بود فرستاد و از او پرسید: «آیا او به همین زودی مرده؟» وقتی پیلطس از جانب سروان اطمینان یافت، به یوسف اجازه داد که جنازه را ببرد. یوسف، کتان لطیفی خرید و جنازه عیسی را پائین آورد و در آن پیچید و در مقبره‌ای که از



سنگ تراشیده شده بود قرار داد و سنگی جلوی در آن غلطانید.  
مریم مجدلیه و مریم مادر یوشا دیدند که عیسی کجا  
گذاشته شد.<sup>(۱)</sup>

### رستاخیز عیسی

پس از پایان روز سبت مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب و  
سالومه روغنهای معطری خریدند تا بروند و بدن عیسی را  
تدیین کنند و صبح روز یکشنبه، درست بعد از طلوع آفتاب، به  
سر قبر رفتند. آنها به یکدیگر می‌گفتند: «کی سنگ را برای ما از  
جلوی قبر خواهد غلطانید؟» وقتی خوب نگاه کردند دیدند که  
سنگ بزرگ از جلوی قبر به عقب غلطانیده شده است. پس به  
داخل مقبره رفتند و در آنجا مرد جوانی را دیدند که در طرف  
راست نشسته و لباس سفید بلندی در بر داشت. آنها متحیر  
ماندند. اما او به آنان گفت: «تعجب نکنید، شما عیسای ناصری  
مصلوب را می‌جوئید. او زنده شده، دیگر در اینجا نیست، نگاه  
کنید اینجا جایی است که او را گذاشته بودند. حالا بروید و به  
شاگردان او، مخصوصاً پطرس بگوئید که او پیش از شما به  
جلیل خواهد رفت و همان طوری که خودش به شما فرموده  
بود او را در آنجا خواهید دید.» آنها از مقبره بیرون آمدند

۱ - انجیل مرقس فصل ۱۵.



و از سر قبر گریختند، چون ترس و وحشت آنها را فرا گرفته بود  
و از ترس چیزی به کسی نگفتند.

### ظهور عیسی به مریم مجدلیه

عیسی پس از رستاخیز خود در سحرگاه روز اوّل هفته،  
قبل از همه به مریم مجدلیه که هفت دیو از او بیرون کرده بود  
ظاهر شد. مریم رفت و این خبر را به شاگردان که غمگین و  
گریان بودند رسانید. اما آنها باور نکردند که عیسی زنده شده و  
به مریم ظاهر گشته است.

### ظهور عیسی به دو حواری

پس از آن عیسی به طرز دیگری به دو نفر از آنها که به  
دهات می رفتند ظاهر شد آنان برگشتند و به سائرین خبر دادند،  
اما آنها حرف ایشان را باور نمی کردند.

### ظهور عیسی به یازده حواری

سرانجام عیسی به آن یازده حواری، در وقتی که آنها سر  
سفره نشسته بودند، ظاهر شد و بی ایمانی و سخت دلی آنها را  
در پذیرفتن گفته کسانی که او را زنده دیده بودند مورد سرزنش  
قرار داد.



## صعود عیسی به آسمان

عیسای خداوند، بعد از این که با آنها صحبت کرد، به عالم بالا برده شد و در سمت راست خدا نشست. و آنها رفتند و پیام خود را در همه جا اعلام می کردند و خداوند کارهای آنها را برکت می داد و پیام آنها را با معجزاتی که انجام می شد تأیید می نمود.<sup>(۱)</sup>

«مطالب فوق از آخرین ترجمه کتاب انجیل نوشته شده است».

## پایان کتاب

من در پایان این کتاب ناگزیرم مطلبی را که از شروع نوشتن این کتاب در فکرم بوده تذکر دهم.  
من این کتاب را بخاطر آنکه بگویم به عالم اسلام خدمتی کرده ام، با اسقفها و شخصیت های علمی مسیحی مباحثه نموده ام و در جهان بخاطر بیان مطالبم اثری گذاشته ام و چنین و چنان کرده ام، ننوشته ام بلکه تنها و تنها بخاطر آنکه به عالمیان و بخصوص مذاهب بزرگ

۱ - انجیل مرقس فصل شانزدهم.



جهان بگویم: این عزیز غایب از نظرها، این محبوب  
 بهتر از جانها، این سید و سالار همه، این آقا و سرور  
 همه، این منتظر همه، این منجی عالم بشریت، این  
 مظهر عدالت، این از بین برنده ظلم و شقاوت یعنی  
 مصلح جهانی، حضرت صاحب الزمان (روحی و  
 ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) بزودی می‌آید،  
 بزودی شما مردم جهان او را می‌بینید، پس منتظر او  
 باشید و لحظه‌ای او را فراموش نکنید، بوده است. این  
 عمل، کوچکترین انجام وظیفه‌ای است که یک خادم،  
 یک بنده، یک فدائی، یک انسان دلسوز جامعه باید در  
 مقابل عظمت این بزرگ بزرگان عالم، این آخرین امید  
 جهانیان، این وصی اوصیاء پیامبران، داشته باشد و  
 انشاءالله من دارم - به امید رضایت خاطر مبارکش و  
 توفیق ملاقاتش و مصاحبت دائمیش. آمین.



## فهرست

| صفحه | عنوان                                                      |
|------|------------------------------------------------------------|
| ۴    | پیشگفتار.....                                              |
| ۱۸   | گزارشی از اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت.....    |
| ۲۰   | آغاز سفر.....                                              |
| ۳۶   | اولین روز از سمپوزیوم.....                                 |
| ۴۰   | دومین روز.....                                             |
| ۴۹   | سومین روز از اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت..... |



- جلسه بعد از ظهر..... ۵۲
- چهارمین و آخرین روز..... ۵۴
- بازتاب سمپوزیوم در دنیا..... ۵۷
- مقام شامخ انسان و حکومت دین بر جهان..... ۶۳
- مقام شامخ انسان..... ۶۵
- احیای طبیعت و عمران زمین و سلامت محیط زیست..... ۶۹
- حکومت انسان کامل بر جهان..... ۷۱
- قرآن و وعده حکومت واحد جهانی..... ۷۲
- کتاب مقدس و وعده حکومت واحد جهانی..... ۷۴
- مصلح کل و مجری حکومت الهی در جهان کیست؟..... ۷۵
- صفات مصلح جهانی از کتاب مقدس..... ۷۷
- برداشت‌هایی از مطالب فوق..... ۸۷
- اما آنچه اسلام در این خصوص فرموده است:..... ۹۵
- موضوع مقاله من..... ۱۱۲



- ۱۱۵ ..... سوشیانس کیست؟
- ۱۱۷ ..... آیا مهدی موعود فرزند «یزدگرد» است؟
- ۱۲۰ ..... در کشتی بسوی جزایر یونان.
- ۱۲۵ ..... برداشتهائی از مطالب فوق.
- ۱۲۹ ..... هندوها و مصلح آخرالزمان.
- ۱۳۹ ..... بحث و گفتگو در کشتی.
- ۱۴۸ ..... بودائیها و مصلح آخرالزمان.
- ۱۵۷ ..... مقایسه قرآن با انجیل.
- ۱۶۰ ..... «آیاتی» از قرآن در خصوص حضرت عیسی علیه السلام.
- ۱۶۹ ..... «ترجمه» آیات قرآن به زبان فارسی آزاد.
- ۲۰۰ ..... حضرت عیسی علیه السلام در کتاب انجیل.
- ۲۱۵ ..... پایان کتاب.



وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِهِ الْمُصْطَفٰى  
وَاللهُ اَجْمَعِينَ وَلَا سِيَّامَا الْحُجَّةَ الْمُنْتَظَرَةَ  
الْاِمَامَ الثَّانِي عَشَرَ عَجَّلَ اللهُ فَوْجَهُ الشَّيْخَ  
وَجَعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ وَشُعْبَتِهِ  
وَمُجِبِّهِ اٰمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ  
وَبَرَ حَسْبُكَ اللهُ عَبْدًا قَال: اٰمِيْنَا



شابک: ۹۶۴-۶۳۳۱-۰۱-۷

ISBN: 964 - 6331 - 01 - 7